



مرکز تحقیقات اسلامی

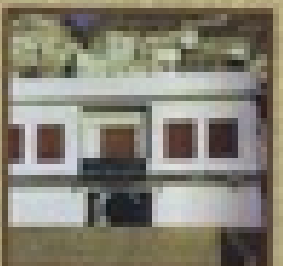
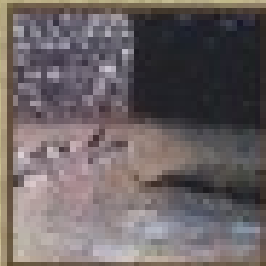
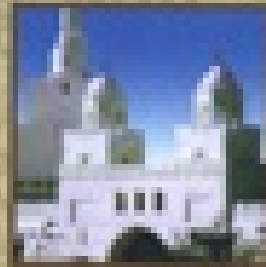
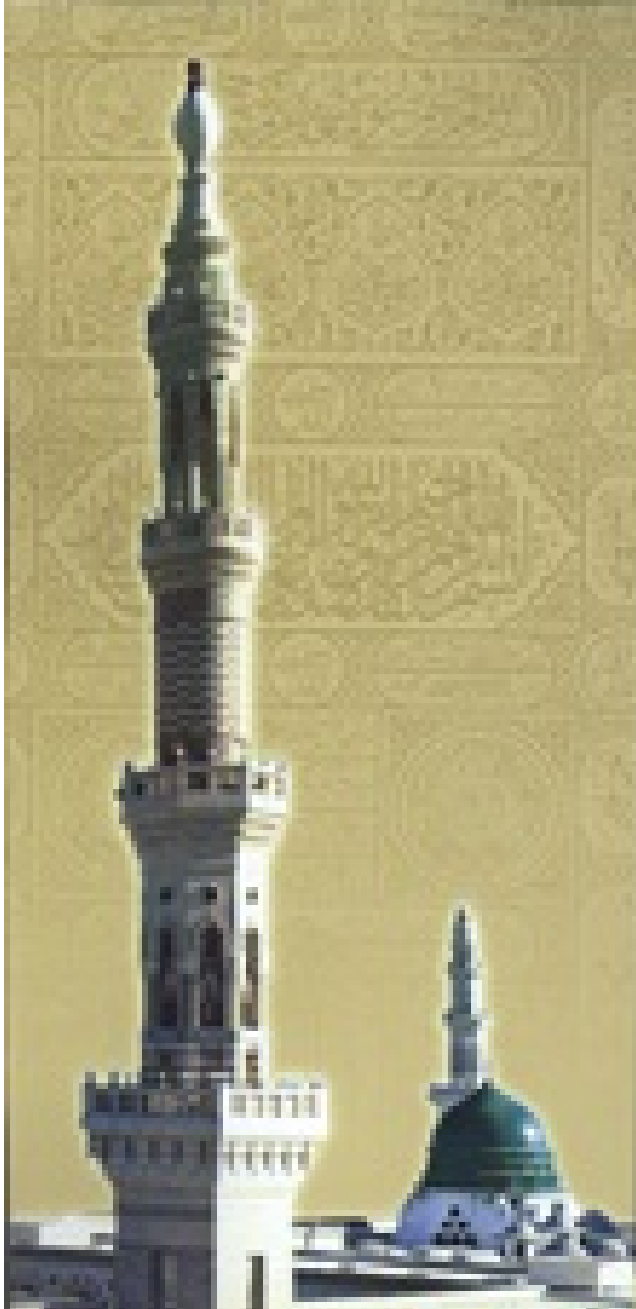
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



تاریخ و آثار اسلامی مکہ مکرمہ و مدینہ منورہ

دکتر اسفر قاندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره

نویسنده:

اصغر قائدان

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۱۵ درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره
۱۵ مشخصات کتاب
۱۵ اشاره
۱۶ دیباچه
۱۹ مقدمه مؤلف
۲۳ بخش اول مکه مکرمه سرزمین و حرم ابراهیم خلیل (ع) در بستر تاریخ
۲۳ درس اول تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی‌ها و اماکن)
۲۳ اشاره
۲۳ مدخل
۲۳ اشاره
۲۴ الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه
۲۶ ب) نام‌های مکه مکرمه
۲۶ اشاره
۲۶ ۱. بَکَّه
۲۷ ۲. مَکَّه
۲۸ ۳. اُمُّ الْقُرَى
۲۸ ۴. بلد الامین
۲۹ ج) فضایل مکه مکرمه و مسجدالحرام
۳۰ د) کوه‌های مکه
۳۰ ۱. جبل الثَّوْر / غار حِرا (مهبط وحی)
۳۳ ۲. ابوقُبَیْس / جبل امین
۳۴ ۳. کوه ثَوْر (مخفی‌گاه هجرت)

۳۵	۴. حَجُّون
۳۵	۵. نَبِیر
۳۵	۶. قُعِیْقُعَان
۳۶	ه) شعبها (دَرّه‌ها)
۳۷	و) مساجد تاریخی مکه
۳۷	۱) مسجد یا مولد النبی (ص)
۳۸	۲) مسجدالزّایه
۳۹	۳) مسجد البَیْئَه / مسجد الغنم
۴۰	۴) مسجد الجَنّ
۴۰	۵) مسجد شجره
۴۱	۶) مسجد الاجابه
۴۱	ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح
۴۱	۱) قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعَلِّی)
۴۴	۲) مزار گمنام شهدای فح
۴۶	خلاصه درس
۴۸	خودآزمایی
۴۹	درس دوم تاریخچه کعبه و مسجدالحرام
۴۹	اشاره
۴۹	مدخل
۴۹	اشاره
۵۰	الف) کعبه نخستین خانه عبادت بر روی زمین
۵۲	ب) سیر بنا و بازسازی کعبه
۵۴	ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام
۵۵	د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

۵۵ اشاره
۵۶ ۱. خَجْر الْأَسْوَدِ وَ تَارِيخِجَهْ أَنْ
۵۸ ۲. اَرْكَانِ كَعْبَهْ وَ اَنْدَازَهْ هَايِ بِيْرُونِي
۶۱ ۳. شَاذَرُوَان
۶۱ ۴. نَاوْدَانِ طَلَا (مِيْزَاب)
۶۲ ۵. بَابِ كَعْبَهْ
۶۳ ۶. دَرُوْنِ كَعْبَهْ
۶۶ ۷. مُشْتَجَار
۶۷ ۸. مُلْتَزَم
۶۸ ۹. مِعْجَنَهْ
۶۸ ۱۰. خَطِيْم
۶۹ ۱۱. پُوْشِشِ كَعْبَهْ (الْكُشُوْه)
۷۳ ۱۲. مَقَامِ اِبْرَاهِيْمِ (ع)
۷۶ ۱۳. جَجْرِ اِسْمَاعِيْل
۷۸ ۱۴. چَاهِ زَمَزَم، تَارِيخِجَهْ وَ فُضِيْلِتِ أَنْ
۸۱ ۱۵. صَفَا وَ مَرُوْهْ (مَشْعِي) وَ حَوَادِثِ تَارِيخِي أَنْ
۸۵ (ه) مَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ سِيْرِ تَارِيخِي أَنْ
۸۷ (و) دَرِهَائِ مَسْجِدِ الْحَرَامِ اَزِ اِبْتِدَا تا كُنُوْن
۹۱ خَلَاصَهْ دَرِس
۹۴ خُوْدآزْمَائِي
۹۵ دَرِسِ سُوْمِ مِيْقَاتِ هَايِ حَجِّ وَ حُدُوْدِ حَرَمِ وَ مَشَاعِرِ مَقْدَسَهْ (عِرْفَات، مَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ مَنِي)
۹۵ اشاره
۹۵ مَدْخَل
۹۵ اشاره

- الف) میقات‌های حج ۹۶
- اشاره ۹۶
۱. ذوالخليفة (مسجد شجره/ آبار علی (ع)) ۹۷
۲. جُحْفَه ۹۷
۳. وادی عقیق ۹۸
۴. قَزْنِ الْمَنَازِل ۹۸
۵. يَلْمَلُمُ ۹۸
۶. وادی فَحَّح ۹۸
- ب) حدود حرم و علت تحریم ۱۰۱
- اشاره ۱۰۱
۱. سمت طائف‌وادی عُرْنَه (عرفات) ۱۰۲
۲. وادی نخله ۱۰۲
۳. جِغْرَانَه ۱۰۲
۴. تَنْعِيم ۱۰۲
۵. حُدَيْبِيَّه ۱۰۳
۶. اِضَاءَةُ لَبْن ۱۰۳
- ج) مساجد منطقه آغازین حرم ۱۰۳
۱. مسجد تَنْعِيم ۱۰۳
۲. مسجد حُدَيْبِيَّه / آل شَمَيْسِي ۱۰۴
- د) سرزمین عرفات ۱۰۸
- اشاره ۱۰۸
۱. مسجد نَمْرَه / جامع ابراهیم (ع) ۱۱۰
۲. جَبَل الرَّحْمَه ۱۱۱
- ه) مَشْعَرِ الْحَرَامِ / مُزْدَلِفَه ۱۱۲

- ۱۱۲ اشاره
- ۱۱۴ ۱. مسجد مُزْدَلِفَه / مشعرالحرام
- ۱۱۴ (و) وادی مُحَسَّر
- ۱۱۵ (ز) سرزمین منا
- ۱۱۵ اشاره
- ۱۱۶ ۱. جَمَرَات سه‌گانه
- ۱۱۸ ۲. مساجد موجود در منا
- ۱۱۸ ۱-۲. مسجد حَيْف
- ۱۱۸ ۲-۲. مسجد البیعَه
- ۱۲۰ (ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه
- ۱۲۰ خلاصه درس
- ۱۲۳ خودآزمایی
- ۱۲۵ بخش دوم مدینه منوره سرزمین و حرم خاتم النبیین (ص)
- ۱۲۵ اشاره
- ۱۲۷ درس چهارم موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (ویژگی‌ها و اماکن)
- ۱۲۷ اشاره
- ۱۲۷ مدخل
- ۱۲۸ موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (بثرب)
- ۱۲۸ اشاره
- ۱۲۹ ۱. کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینه
- ۱۲۹ ۱-۱. کوه‌ها
- ۱۳۳ ۱-۲. وادی‌ها «۴»
- ۱۳۵ ۱-۳. ثنیه‌ها «۱»
- ۱۳۶ ۲. حصار و دروازه‌های مدینه

۳. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه ۱۳۷
- الف) قبرستان بقیع ۱۳۷
- اشاره ۱۳۷
- فضایل بقیع ۱۳۸
- گنبد و بارگاه‌های بقیع ۱۴۰
- به خاک آرمیدگان بقیع ۱۴۲
۱. عثمان بن مظعون ۱۴۲
۲. ابراهیم فرزند پیامبر ۱۴۳
۳. رقیه ۱۴۳
۴. امّ کلثوم ۱۴۴
۵. زینب ۱۴۴
۶. فاطمه بنت اسد ۱۴۴
۷. امام حسن مجتبی ۱۴۶
۸. امام زین‌العابدین ۱۴۷
۹. امام باقر ۱۴۷
۱۰. امام صادق (ع) ۱۴۷
۱۱. عباس بن عبدالمطلب ۱۴۷
- اشاره ۱۴۷
- ۲۰-۱۲. قبور همسران رسول الله ۱۴۸
- ۲۳-۲۱. عمه‌های رسول خدا ۱۴۸
- ۳۰-۲۴. قبور صحابه و تابعین ۱۴۸
- برخی از شهیدان احد ۱۴۹
- شهدای واقعه حزه ۱۴۹
- سایر قبور بقیع ۱۵۰

- بیت الاحزان ۱۵۱
- ب) زیارتگاه شهدای احد ۱۵۲
- ج. سایر آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی) ۱۵۷
- خلاصه درس ۱۶۲
- خودآزمایی ۱۶۳
- درس پنجم موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن ۱۶۶
- اشاره ۱۶۶
- مدخل ۱۶۶
- تاریخچه یثرب (مدینه النبی (ص)) ۱۶۷
- اشاره ۱۶۷
- ورود یهود به یثرب ۱۶۸
- ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب ۱۷۰
- نام‌های مدینه منوره ۱۷۱
- فضایل مدینه منوره ۱۷۲
- مقدمات هجرت پیامبر (ص) به مدینه ۱۷۳
- مسیر هجرت پیامبر (ص) به مدینه ۱۷۶
- مساجد تاریخی مدینه منوره ۱۷۷
- الف. منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه) ۱۷۷
- اشاره ۱۷۷
۱. مسجد قُبا ۱۷۹
۲. مسجد جمعه/ عاتکه ۱۸۲
- ب) مساجد پیرامونی مسجدالنبی (ص) (جنوب غربی مدینه) ۱۸۳
۱. مساجد مصلاً و نمازگاه‌های پیامبر (ص) در اعیاد اسلامی ۱۸۳
۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی ۱۸۷

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی ۱۸۹
- ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه) ۱۹۰
- اشاره ۱۹۰
۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه) ۱۹۲
۲. مساجد دیگر منطقه احزاب ۱۹۶
- د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن ۱۹۷
۱. المستراح (محل استراحت) ۱۹۷
۳. عَیْنِین ۱۹۸
۴. جبل احد/ الفُشج ۱۹۸
- ه) منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن ۱۹۹
- اشاره ۱۹۹
۱. مسجد بنی قریظه ۲۰۰
۲. مشربه امّ ابراهیم ۲۰۱
۳. فضیخ/ رد الشمس/ بنی نضیر ۲۰۱
- مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه ۲۰۳
۱. مسجد شجره/ ذوالحُلَیْفَه (آبار علی (ع)) ۲۰۳
۲. منطقه خیبر ۲۰۴
۳. منطقه فدک ۲۰۵
- خلاصه درس ۲۰۷
- خودآزمایی ۲۱۰
- درس ششم مسجد التّبی (ص) و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر) ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- مدخل ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱

- الف) مسجدالتبی (ص) در گذر تاریخ ۲۱۲
- ب) آثار تاریخی و مقدس مسجدالتبی (ص) ۲۱۶
۱. ستون‌های مسجدالتبی ۲۱۶
۲. ایوان صُفّه یا منزلگاه فقرا ۲۲۲
۳. منبر ۲۲۴
۴. محراب‌ها ۲۲۵
۵. روضه التبی (ص) ۲۲۷
۶. بیت شریف پیامبر گرامی ۲۳۰
۷. خانه فاطمه ۲۳۱
۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا ۲۳۲
۹. قبر فاطمه ۲۳۵
- دختر گرامی پیامبر(ص) ۲۳۵
۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین ۲۳۸
۱۲. درهای مسجد ۲۴۰
- اشاره ۲۴۰
- ۱۲/۱ عصر پیامبر (ص) ۲۴۰
- ۱۲/۲ دوران عمر بن خطاب ۲۴۲
- ۱۲/۳ دوران عمر بن عبدالعزیز ۲۴۲
- ۱۳ مأذنه‌ها ۲۴۳
۱۴. قبه الخضراء ۲۴۴
۱۵. قبه الزرقاء ۲۴۴
- ج) آتش‌سوزی‌های مسجدالتبی (ص) ۲۴۴
- د) سیر تاریخی توسعه مسجدالتبی (ص) از آغاز تاکنون ۲۴۵
۱. دوران پیامبر خدا (ص) (۷ ق.) ۲۴۵

۲۴۶	۲. مسجدالنبی (ص) در عصر حاضر
۲۵۰	خلاصه درس
۲۵۲	خودآزمایی
۲۵۴	منابع و مأخذ
۲۶۹	درباره مرکز

درسمانه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره

مشخصات کتاب

سرشناسه: قائدان، اصغر، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: درسمانه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره/اصغر قائدان.

مشخصات نشر: تهران: مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۳۰۸ ص.

شابک: ۳۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۵۷-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه.

موضوع: مکه (عربستان سعودی)

موضوع: مدینه (عربستان سعودی)

رده بندی کنگره: DS۲۴۸/م۷ق۲ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی: ۹۵۳/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۱۰۱۹۵۲

ص: ۱

اشاره

مراتب معنوی حج، که سرمایه جاودانه است و انسان را به افق توحید و تنزیه نزدیک می‌نماید، حاصل نخواهد شد مگر آنکه دستورات عبادی حج به طور صحیح و شایسته و مو به مو عمل شود. (۱) حج نمایشی باشکوه از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس و جلوه بی‌مانندی از عشق، ایثار، آگاهی و مسئولیت در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حج تبلور تمام عیار حقایق و ارزش‌های مکتب اسلام است.

مؤمنان زنگار دل را با زمزم زلال توحید می‌زدایند و با حضرت دوست تجدید میثاق می‌کنند و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه‌های حیات‌بخش حج است، اما هنوز ابعاد بی‌شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پرتو اندیشه‌های تابناک امام خمینی حج را نیز همچون دیگر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانده و سیمای راستین و محتوای غنی آن را نمایاند. اما

۱- امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۲۵.

ص: ۲

دیباچه

هنوز راهی دراز در پیش است تا فلسفه، ابعاد، آثار و برکات آن شناخته و شناسانده شود. در راستای تحقق این هدف بزرگ، با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل (ع) احیاگر حج ابراهیمی (ع) و با بهره‌گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه‌ای (ع) مدظله - معاونت آموزش و پژوهش بعثه مقام معظم رهبری، تلاش می‌کند با کاربردی کردن متون آموزشی، فصل جدیدی فرا راه کارگزاران حج و زائران حرمین شریفین بگشاید. از این رو، پس از کارشناسی‌های متعدد و بهره‌گیری از اساتید و متخصصان فن، تلاش گردیده تا برای تهیه درسنامه‌ها و محتوای مورد نیاز در سفر حج و عمره، عناوین، موضوعات، سرفصل‌ها و منابع هر درس را مشخص و جلسات آموزشی آنها زمان‌بندی گردد تا به نحو بهینه مورد استفاده قرار گیرد.

عناوین این درسنامه‌ها عبارتند از:

۱. مناسک حج
۲. آداب سفر حج
۳. اسرار و معارف حج
۴. آشنایی با تاریخ اسلام (۱ و ۲)
۵. آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه و مدینه
۶. اخلاق معاشرت
۷. احکام مبتلابه حج
۸. آشنایی با کشورهای اسلامی

ص: ۳

۹. گزیده سیمای عقاید شیعه

۱۰. شناخت عربستان

۱۱. محاوره عربی

بی‌تردید آغاز هر کاری با کاستی‌ها و نواقص احتمالی همراه است. لذا انتظار می‌رود با بهره‌گیری از نظرات خوانندگان ارجمند، نقاط قوت و ضعف این مجموعه شناسایی و به تقویت داشته‌ها و زدودن کاستی‌های آن اقدام شود. در پایان ضمن تشکر از همه کسانی که ما را در تهیه و تنظیم این مجموعه یاری کرده‌اند، توفیق همگان را از خداوند منان خواهانیم.

معاونت امور فرهنگی

مدیریت آموزش

ص: ۵

مقدمه مؤلف

مکه سرزمین وحی سرمدی و مدینه سرچشمه زلال محمدی، دو نگین درخشان و برجسته بر روی کره خاکی، همه ساله و همه ماهه و بل همه روزه صدها هزار شیفته و واله خود را بر اساس فرمان حضرت ابراهیم ۷ که فرمود هَلِّمُوا إِلَى الْحَجِّ [به سوی حج بشتابید] به خویش فرا می‌خواند و زائر این کوی دوست، باید که با معرفت و آگاهی به سرزمین معرفت قدم نهد و با احرام در حریم یار و در مقام مُحَرَّم پا بر جای پای ابراهیم خلیل در حرم گذارد. این حریم و حرم و سرزمین وحی را باید شناخت، جایی که روزی مهبط جبرئیل امین و جایگاه حضور انبیاء الهی و سرور همه آنان، ختم رسولان و نیز یاران و صحابه جلیل القدر و امامان همام و زادگان شریف آنان و همه بندگان صالح ربوبی بوده است. هر گوشه از حرم و بلدالامین خاطره و آثاری گویا و شواهدی زنده از عصر نبوت و رسالت دارد و نیز حریم رسول خدا ۹ و هجرتگاه او مدینه النبی (ص)، که یادآور جانفشانی‌ها و تلاش‌های طاقت‌فرسا برای حفظ و گسترش اسلام است.

پژوهش حاضر می‌تواند چراغ راهی برای کسانی باشد که نمی‌خواهند در تاریکی به این سرزمین پای نهند و در پی آنند که چراغ

ص: ۶

روشن دلشان را با شناخت و آگاهی پر نور سازند. این اثر که در قالب کتاب درسی یا آموزشی به محضر زائران بیت الله و علاقمندان تقدیم می‌گردد، به پیشنهاد و مساعدت مدیریت محترم آموزش بعثه مقام رهبری به نگارش در آمده و امید است به رغم موجز و مختصر بودن، به کار آید و نگارنده را نیز دعای خیری همراه.

از جناب حجت الاسلام و المسلمین سید علی قاضی عسکر و جناب آقای دکتر محمد آرمند که مقدمات نشر این اثر را فراهم ساختند و نیز آقای علوی که تنظیم عکس‌ها را بر عهده داشتند و حروف چینیان مرکز تحقیقات حج و سایر دست‌اندرکاران چاپ در نشر مشعر سپاسگزارم و از حضرت ربوبی موفقیت و سلامتی آنان را خواهان.

وما توفیقی الا بالله

اصغر قاندان

عضو هیأت علمی دانشگاه تهران

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

اردیبهشت ۱۳۸۹

بخش اول مکه مکرمه سرزمین و حرم ابراهیم خلیل (ع) در بستر تاریخ

درس اول تاریخچه مکه مکرمه (ویژگی‌ها و اماکن)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- موقعیت جغرافیایی مکه را بدانیم.
- با اسامی متعددی که برای شهر مکه عنوان شده است، آشنا شویم.
- کوه‌های مکه و دلایل نامگذاری آن‌ها را بدانیم.
- شعب‌های مکه را بشناسیم.
- از سیر تاریخی مساجد مکه و دلیل احداث آن آگاه شویم.
- دلیل شکل‌گیری مزار شهدای گمنام فح را بدانیم.

مدخل

اشاره

در این فصل ابتدا موقعیت کلی شهر مکه در عربستان به لحاظ وضعیت جغرافیایی و نام‌هایی که در متون بر این شهر اطلاق شده است، آن‌گاه مکان‌ها و نقاطی که در فراز و درون خود تاریخچه‌ای از حوادث

ص: ۱۰

از جمله مولد، بعثت و هجرت رسول خدا(ص) را جای داده‌اند مورد بررسی و توصیف قرار می‌گیرند. در ادامه مساجد مکه که از فضائل زیادی برخوردار و شاهد حوادث مهمی در عصر رسول الله(ص) بوده‌اند و شناخت آن‌ها می‌تواند یاد و خاطره آن حوادث را زنده نگه دارد، و نیز زیارتگاه‌هایی چون قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح که محل دفن بسیاری از بزرگان در قبل از اسلام و صحابه و تابعین در بعد از اسلام است و زیارت آنان ثواب بی شماری دارد، معرفی می‌شوند.

الف) موقعیت جغرافیایی مکه مکرمه

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر مرکز استانی به همین نام است که از شمال به مدینه، از مشرق به ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. (۱) ارتفاع تقریبی آن از سطح دریا ۲۷۰ متر است. شهر مکه میان دو رشته کوه محصور شده و از این رو، بنای آن از دور دیده نمی‌شود. این دو رشته کوه عبارت‌اند از:

۱. فلق یا فلح؛ در شمال مکه واقع است که به سمت غرب ادامه می‌یابد.
۲. قُعَيْقُعَان؛ رشته کوهی است که کوه‌های هندی، لُغْلُع، کَدّی (۲) از جمله ارتفاعاتی هستند که در آن قرار دارند.

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۱۸۱

۲- پیامبر خدا(ص) و سپاه اسلام در سال هشتم هجری، هنگام فتح مکه از میان این کوه‌ها به داخل شهر وارد شدند.

ص: ۱۱

شهر، از سمت شمال به جنوب حالت سرایشی دارد. سمت شمال را مَعْلَاه (بالا) و سمت جنوب را مَسْفَلَه (پایین) گویند. آب و هوای مکه خشک و سوزان و گرمایش آزار دهنده است؛ زیرا کوه‌هایی که اطراف آن واقع شده، جلوی بادهای شمالی را سد کرده و صخره‌ها نور خورشید را منعکس می‌سازد و حرارت و دمای هوا را دو چندان می‌کند. در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور حرارت آن فوق‌العاده زیاد است. بارندگی در آن غالباً مقطعی و در دی ماه است؛ زیرا در منطقه مداری واقع (۱) و به گاه بارش باران، چنان سیلی در چند ثانیه شهر را فرا می‌گیرد که تا ساعت‌ها و شاید روزها آثار آن باقی می‌ماند. این سیل از سمت شمال به جنوب سرازیر می‌شود و گاهی نیز اندرون مسجدالحرام را تا یک متر واندی فرا می‌گیرد. برای جلوگیری از ویرانی‌های حاصل از سیل، سدی را در منطقه معلاه ساخته‌اند.

شهر مکه ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) محل توقف و اقامت کاروانیانی بوده که در راه یمن و شام رفت و آمد داشتند و از این رو، موقعیت بسیار ممتاز و سوق‌الجیشی به آن بخشیده است. از این شهر، سه راه اصلی به سوی سه نقطه مهم منشعب می‌شده که بر اهمیت آن می‌افزوده است. این سه نقطه، یمن، فلسطین و دریای سرخ هستند. امروزه جمعیت ساکن آن بیش از ۶۰۰/۰۰۰ نفر است.

۱- بورکهارت. رحلات فی شبه جزیره العرب، تعریب عبدالعزیز بن صالح الهلابی، ص ۲۱۸

ص: ۱۲

ب) نام‌های مکه مکرمه

اشاره

اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند. قاضی مجدالدین شیرازی، تنها کسی است که بیشترین اسامی را در تألیف خود به نام «تجیر الموشین فی التّعیر بالسیین والشین» آورده است. ما به وجه تسمیه سه نام از این شهر، که در قرآن کریم آمده، اشاره می‌کنیم:

۱. بکه

(إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ). (۱)

گروهی بکه را همان مکه دانسته‌اند که میم آن تبدیل به با شده و از لحاظ مفهوم، به یک معنا هستند، گروهی دیگر، تفاوت اندکی برای آن دو قائل شده‌اند؛ به این صورت که مسجدالحرام یا کعبه را «بکه» و نام شهر را «مکه» دانسته‌اند. (۲) به نظر می‌رسد با توجه به آیه بالا، بکه باید یکی از نام‌های شهر باشد.

برای بکه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بکه، از «بک» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را

۱- آل عمران: ۹۶، «همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم ساخته شد، خانه‌ای است که در بکه قرار داشته و مبارک و هدایتی برای جهانیان است.»

۲- زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۱۱؛ فاسی المکی، شفاء الغرام بأخبار البلد الحرام، ص ۷۷؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۷

ص: ۱۳

می‌شکند. بگه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است. (۱)

۲. مکه

(وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ ...). (۲)

برای مکه نیز چند معنا گفته‌اند از جمله: مکه، از «مکک» به معنای کمی آب مشتق شده است. بعضی نیز آن را از «تمککُ العظم» دانسته‌اند که به مغز استخوان گفته می‌شود، گویی مکه وسط زمین است؛ همان گونه که مغز استخوان، در میان آن است. (۳) برای مکه معنای دیگری گفته‌اند و آن این که: از «مککُ یمککُ» گرفته شده و به معنای هلاک شدن و کاستن است و گویند هر کس نسبت به آن قصد و نیت سوء داشته باشد، جز نابودی سرنوشتی نخواهد داشت یا اگر کسی به زیارت این خانه رود، از گناهانش کاسته می‌شود. (۴) برای مکه، معانی دیگری چون بسط، گسترش و ازدحام نیز آورده‌اند. یونانیان نام مکه را «مکربا» ثبت کرده‌اند. شاید این واژه از لهجه ساکنان

- ۱- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۰۲؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷؛ فاکهی، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ابن ابی شیبیه، همان، ج ۴، ص ۳۵۷؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۹
- ۲- فتح: ۲۴. و اوست که دست‌های آنان را از شما و دوست‌های شما را از آنان در وادی مکه (حدیبیه) بازداشت پس از آن که شما را برایشان پیروز گردانید معذورند آنچه می‌کشید بینا است.

۳- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۹۱ ماده «مکک»؛ فاسی المکی، همان، ص ۷۷

۴- زبیدی، تاج العروس، ج ۷، ص ۱۷۹؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۴۹؛ کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۲۱۱

ص: ۱۴

جنوبی شبه جزیره، به معنای مقدّس و محترم باشد؛ زیرا پادشاهان حکومت سبا را، که دارای تقدّس بوده‌اند، مُكْرَبٌ یا مُقَرَّبٌ می‌خواندند. (۱)

۳. اُمُّ الْقُرَى

(... وَ لَتُنذِرَ اُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا ...). (۲)

مکه را از این رو «اُمُّ الْقُرَى» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه، خشک بود و این خشکی اندک اندک از پیرامون کعبه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت. در اصطلاح لغوی و قرآنی، به این مسأله «دَحْوُ الْأَرْضِ» گویند که در قرآن کریم آمده است: (وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا). (۳) مکه را مادر زمین‌ها خوانده‌اند و قرآن نیز به این نام اشاره دارد.

۴. بَلَدُ الْأَمِينِ

(وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ* وَطُورِ سِينِينَ* وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ). (۴)

بلد امین، به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امتیت و حرمتش را بیان کرده است.

۱- نک:- جواد علی، مکه مکرمه، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه «میقات حج» شماره ۸

۲- انعام: ۹۲، «تا انداز و بیم دهی اُمُّ الْقُرَى و کسانی را که پیرامون آن هستند.»

۳- نازعات: ۳۰، «آن‌گاه زمین را از زیر گسترانید.» فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۷۸؛ نهروانی، الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام، ص

ص: ۱۵

ج) فضایل مکه مکرمه و مسجدالمراة

پیامبر خدا(ص) فرمودند:

«وَاللَّهِ إِنَّكَ لَخَيْرُ أَرْضِ اللَّهِ وَأَحَبُّ أَرْضِ اللَّهِ إِلَيَّ، وَلَوْ لَا إِنِّي أُخْرِجْتُ مِنْكَ مَا خَرَجْتُ». (۱)

به خدا سوگند که تو [مکه] بهترین و محبوب‌ترین زمین خدا نزد من هستی؛ اگر ناچار نبودم که از مکه خارج شوم هرگز خارج نمی‌شدم.

از امام صادق(ع) نقل شده که بهترین زمین مکه است و هیچ خاکی نزد خدا محبوب‌تر از خاک مکه نیست و هیچ سنگی و درختی و کوهی و آبی از آن نیز نزد خدا محبوب‌تر نیست. (۲) از پیامبر(ص) نقل شده، کسی که در مکه بمیرد، خداوند در روز قیامت وی را امان دهد. (۳)

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۱۱۹

۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۵؛ این حدیث از امام علی ۷ نیز نقل شده است (ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱، ص ۳۶۳).

۳- نهروانی المکی، همان، ص ۱۹

د) کوه‌های مکه**۱. جبل النور / غار حرا (مهبط وحی)**

(اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ). (۱)

بخوان به نام پروردگاری که انسان را از نطفه بسته آفرید، بخوان و پروردگار تو کریم‌تر است که به قلم آموخت و به انسان آنچه نمی‌دانست آموخت.

کوه نور، مهبط جبرئیل امین(ع) و محل نزول وحی است. در شب بیست و هفتم ماه رجب، سال ۴۰ عام الفیل (/ ۶۱۰ میلادی) جبرئیل(ع) بر قله این کوه بر پیامبر(ص) ظاهر شد و با ابلاغ سوره علق، آغاز رسالت آن پیامبر عظیم‌الشأن و بهترین خلق خداوند تبارک و تعالی را اعلان کرد.

کوه نور، که در چهار کیلومتری شمال شرقی شهر مکه و کنار راه منا به عرفات بوده، اکنون به علت گسترش مکه، در داخل شهر قرار گرفته است. ارتفاع آن از سطح دریا ۶۲۱ متر و از سطح دامنه ۲۸۱ متر است. این کوه در تورات، «جبل فاران» نامیده شده و نزد مردم محلی به «جبل النور» معروف است. شکل آن مخروطی و مستقل از دیگر کوه‌ها است. غار حرا، مهبط جبرئیل امین در ۱۶۰ متری قله آن در قسمت جنوبی واقع شده است، از این رو آن را به عنوان یکی از کوه‌های بسیار مهم و با فضیلت مکه ساخته است. ارتفاع دهانه غار که به سمت شمال قرار دارد ۲ متر، عرض آن حدود

ص: ۱۹

۲۰/۱ متر و طولش نیز حدود ۲ متر است. از عجایب این غار آن که انتهای آن کاملاً به سوی مسجدالحرام است و در مدخل آن می‌توان به سمت بیت‌المقدس نماز خواند. داخل آن از هنگام طلوع تا غروب آفتاب روشن و علاوه بر این، گرمای سوزان را به درون آن راهی نیست؛ لذا معتکف در این غار، احساس گرما و ناراحتی نمی‌کند. در هر حال چنان که بعضی گفته‌اند، غار جِرا از چند سال قبل از بعثت پیامبر(ص) محل اعتکاف و عبادت آن حضرت بوده است.

حضرت خدیجه و امام علی(ع) از کسانی هستند که شاهد اعتکاف پیامبر(ص) در این غار بوده‌اند. (تصویرهای شماره ۱ و ۲)

۲. ابوقیسیس / جبل امین

یکی دیگر از کوه‌های مهم مکه ابوقیسیس است که به سبب سکونت فردی به نام ابوقیسیس، به این نام معروف شده است. بنا بر روایات زیادی، ابوقیسیس برترین کوه‌های مکه است. (۱) این کوه در شمال شرقی مسجدالحرام و مشرف بر صفا است. یعنی در کنار منطقه توسعه یافته پشت مسعی، جایی که دارالضیافه سعودی را پس از تخریب بخشی از آن ساخته‌اند و بدین رو باقی مانده کوه چندان قابل رؤیت نیست.

خداوند، حجرالأسود را از بهشت به ابراهیم(ع) رسانید و این سنگ از زمان طوفان نوح(ع) در امانت ابوقیسیس بود، لذا این کوه را به همین

۱- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۴۶، علت آن را نزدیکی به مسجدالحرام و عبادت خلائق در نزدیکی آن ذکر کرده‌اند.

ص: ۲۰

مناسبت «امین» خوانده‌اند. (۱) فاکهی گوید: ابراهیم(ع) بالای این کوه مردم را برای انجام حج دعوت می‌کرد. (۲) پس از اسلام، مردم شاهد معجزه شق القمر بودند که نیمی از آن بر بالای ابوقییس دیده شد. بعدها مسجدی به همین نام در این مکان ساختند. (۳) هم‌چنین مسجدی دیگر به نام «مسجد ابراهیم»، در کنار آن، که هر دو هنگام ساخت دارالضیافه در دوران سعودی تخریب شد.

۳. کوه ثور (مغفی‌گاه هجرت)

در سه کیلومتری جنوب شرقی مکه و در جنوب منطقه «مسفله» کوهی قرار دارد که مساحت آن دوازده کیلومتر مربع است. این کوه و غاری که بر فراز آن است، به مناسبت تولد «ثور بن عبدمناه» در آن، به این نام معروف شده است. (۴) پیامبر(ص) هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه روز در آن غار پنهان شدند. در آیه ۴۰ سوره توبه از این واقعه یاد شده است. (۵) پایین تر از غار، صخره‌ای به قدرت خداوند به صورت گنبدی بزرگ در آمده که سی نفر زیر سایه آن می‌توانند استراحت کنند. ابن جبیر آن

۱- ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، صص ۵۱۵ و ۵۱۶

۲- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۴۶ و ۴۷

۳- فاسی‌المکی، همان، ج ۱، صص ۴۴۶-۴۴۴

۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۸۶

۵- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۸۳-۸۰؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، صص ۲۲۸-۲۳۲.

ص: ۲۱

را قبه جبرائیل (ع) خوانده است. (۱) (تصاویرهای ۳ و ۴)

۴. حَجُون

حَجُون (۲)

نام کوهی است که در دامنه آن قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد. این گورستان از عصر جاهلیت تا عصر حاضر محل دفن مردگان است.

در دوران اخیر در کنار آن پلی به نام حجون ساخته‌اند که شاهره بزرگی برای اتصال المعابده به منا است.

۵. ثَبِير

کوه ثبیر که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در منا قرار دارد. از این رو به آن «ثبیر» گفته‌اند که شخصی به همین نام، از قبیله هذیل در آن فوت شده است. (۳) گویند این همان کوهی است که قوچ یا گوسفندی از سوی خداوند فرستاده شد تا در عوض اسماعیل (ع) ذبح شود. (۴)

۶. قُعَيْقَان

این کوه در مقابل کوه ابوقییس و سمت مروه؛ یعنی در شمال و شمال غربی مسجدالحرام قرار دارد که به آن کوه «جَزَل» نیز

۱- ابن جبر، الرحله، صص ۸۴ و ۸۵، سبب تسمیه این مکان به قبه جبرائیل در این کتاب بیان نشده است.

۲- حَجُون از حجن به معنای کجی و خمیدگی است (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۲۲۵).

۳- یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۷۳

۴- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۴۵۱؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت الله الحرام، ص ۴۵۲

ص: ۲۲

گفته‌اند. (۱) گویند در حادثه انشقاق القمر، نیمی از ماه بر کوه قَعِیْعان دیده شد. گفتنی است مسجدالحرام در میان این دو کوه قرار دارد.

۵) شعب‌ها (دژها)

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای دژها یا شعب‌هایی است که هر قبیله در آن، به‌طور مستقل زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: (۲) دو شعب معروف آن عبارتند از:

۱. شعب ابی دُبّ: این شعب در کنار حجون قرار دارد. ابو دُبّ نام مردی از خاندان سواد بن عامر است. بعدها در این دژ سلاح‌ها ساکن شدند. قبرستان ابوطالب در این شعب قرار دارد که در دامنه کوه حَجون واقع شده است. برخی به اشتباه آن را شعب ابی طالب گفته‌اند که پیامبر(ص) و یارانش در آن محاصره شدند.

۲. شعب ابوطالب (محل محاصره بنی‌هاشم و پیامبر خدا(ص)): این شعب در تاریخ به نام‌های ابی طالب، مولد (محل تولد پیامبر(ص)) و شعب علی(ع) معروف بوده است. در این مکان پیامبر(ص)، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالْمَطَّلِب سه سال از سوی کفار محاصره اقتصادی شدند. مکان محاصره، به خاندان ابوطالب، بنی‌هاشم و بنی‌عبدالْمَطَّلِب متعلق بود و میان دو کوه «ابوقییس و خندمه» قرار داشت.

۱- نهروانی المکی، همان، ص ۱۱

۲- یعقوبی، البلدان، ص ۷۸

ص: ۲۳

گفتنی است سه شعب ابوطالب، بنی هاشم و بنوعامر در نزدیکی مسجدالحرام واقع شده‌اند.
نقشه کوه‌های مکه

و) مساجد تاریخی مکه

۱ مسجد یا مولد النبی (ص)

عقیل بن ابی طالب، محل تولد حضرت محمد(ص)؛ یعنی خانه آمنه بنت وهب در شعب ابوطالب را هنگام هجرت پیامبر(ص) خرید.
پس از چندی،

ص: ۲۴

خیزران مادر هارون الرشید، آن را به مسجد تبدیل کرد که دری از آن به کوچه مولد (زقاق المولد) باز می‌شد. (۱) جایی که پیامبر (ص) در آن به دنیا آمد، مربع شکل و دارای یک ستون و چند در ورودی بود. هنگامی که آن جا را ساختند، در نزدیکی محراب آن، به نشانه محل تولد پیامبر خدا (ص) حفره‌ای کنده و با نقره تزئین کردند. (۲) این خانه در دوره‌های مختلف تاریخی بازسازی شد. (۳) به گفته محسن الامین، در حکومت آل سعود به سبب تبرک جستن مردم به آن، تخریب و به محلی برای نگهداری چارپایان تبدیل شد! (۴) بعدها شیخ عباس نظامی کتابخانه‌ای در ۱۳۷۰ ق. ساخت که اکنون در سمت میدان پشت صفا و مروه، در کنار خیابان و در دو طبقه با تابلوی «مکتبه المکه المکرمه» دیده می‌شود. (تصویر شماره ۵)

۲. مسجد الزابیه

پیامبر (ص) در سال هشتم هجرت عازم فتح مکه شدند و در نزدیکی مسجد الحرام رایت (پرچم سپاه اسلام) را نصب کردند. (۵) و فرمودند هر یک از مردم مکه کنار آن آید جانش در امان است. گویند پیامبر (ص) در

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۲؛ ازرقی، همان جا؛ لیب البتونی، الرحله، ص ۹۶

۲- ابن جبیر، الرحله، ص ۸۲؛ لیب البتونی، همان، ص ۹۶

۳- رفعت پاشا، مرأه الحرمین، ج ۱، صص ۱۸۸ و ۱۸۹

۴- محسن الامین، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۲۱۹

۵- بخاری، صحیح [کتاب المغازی]، حدیث ۴۲۸۰ برای اطلاع از چگونگی فتح مکه و ورود نیروهای اسلام ر. ک. به: البکری الشافعی، الدرر المکله فی فتح مکه المشرفه المبجله.

ص: ۲۵

آن مکان نماز گزار شدند. (۱) این مسجد در گذشته به جودریه معروف بود؛ زیرا در دهانه بازار جودریه که ایرانیان به اشتباه ابوسفیان می دانند قرار داشت. مسجد که در ابتدای شارع مسجدالحرام در سمت مسعی و داخل بازار قرار داشت در سال ۱۳۸۰ ش. به گونه زیبایی بازسازی و دیوارها و مناره آن از سنگ ساخته شد و مساحت آن نیز به چهارصد متر افزایش یافت. اما نام آن را پس از بازسازی تغییر داده، مسجد فهدبن عبدالعزیز گذاشتند. به سبب اجرای پروژه توسعه اطراف مسجدالحرام که اکنون در حال اجراست این مسجد به همراه بازار و ساختمان‌های اطراف تخریب شد. (تصویر شماره ۶)

۳. مسجد البیتة / مسجد الغنم

هنگامی که پیامبر(ص) به عزم فتح مکه، عازم این شهر شدند، در میان شعب بنی عامر و سوق الغنم، با مردم مکه دیدار کردند. در این دیدار کسانی که پس از هشت سال از هجرت، دل‌هایشان به اسلام گرایش یافته بود، با آن حضرت بیعت کرده و به اسلام گرویدند.

این مسجد که به یاد آن واقعه ساخته شد، در خیابان مسجدالحرام، ۵۰۰ متر بالاتر از بازار جودریه، روبه‌روی اداره پست و تلگراف و سمت راست کسی است که به سوی قبرستان ابوطالب یا پل حجون می‌رود. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. بازسازی شد و همانند سایر مساجد معروف در این خیابان، نمایی سنگی و مناره‌ای زیبا دارد. (تصویر شماره ۷)

۱- احمد بن حنبل، المسند، حدیث ۱۵۴۴۶؛ نهروانی المکی، الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام، ص ۴۵۳

۴. مسجد الجن

(قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا* يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا). (۱)

مسجد جن از مساجد مهم و تاریخی مکه است که خوشبختانه برخلاف بسیاری از آثار تاریخی، هم‌چنان پا برجا مانده است. پیامبر اکرم (ص) در حال بازگشت از طائف در این مکان به تلاوت قرآن پرداختند و تعدادی از جنیان با شنیدن تلاوت قرآن مسلمان شدند. برخی گویند سوره جن در این مکان بر رسول خدا (ص) نازل شد. بعدها به یاد آن واقعه در آن مکان مسجدی ساختند. مسجد جن کمی بالاتر از مسجدالبیعه در سمت چپ خیابان مسجدالحرام، و در دوست متری قبرستان ابوطالب قرار دارد. بنای جدید آن بسیار زیبا با گنبد طلایی و یک مناره بزرگ است که دیوارهای سنگی سفید و سیاه در داخل و خارج مسجد زیبایی آن را دوچندان کرده است. بر نمای گنبد داخلی نیز آیات سوره جن به طرز زیبایی، با خط ثلث نگاشته شده است. این مسجد امروزه یکی از مساجد پررونق مکه است. (تصویر شماره ۸)

۵. مسجد شجره

کمی بالاتر از مسجد الجن، در تقاطع شارع مسجدالحرام و شارع نونه، کنار پل الحجون مسجدی است که به یاد معجزه‌ای

۱- جن: ۱ و ۲ «بگو به من وحی شده است که گروهی از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند که ما قرآنی شگفت شنیدیم که به راه راست راه می‌نماید پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را برای خداوند خود شریک قرار ندهیم.

ص: ۲۷

از پیامبر(ص) در صدر اسلام ساخته شد و نام مسجد شجره بر خود گرفت. (۱) مسجد یاد شده که بسیار کوچک و ساده بود، در سال ۱۳۸۰ با نمایی از سنگ‌های سفید و تیره و زیبا، با مساحتی حدود ۲ برابر قبل بازسازی شد. گفتنی است این مسجد با مسجد شجره یا احرام در نزدیکی مدینه هم نام است. (تصویر شماره(ص))

۶. مسجد الاجابه

حدود یک کیلومتر بالاتر از پل حجون و کنار میدان معاوده، که از آنجا به عزیزیه می‌روند مسجدی ساخته‌اند که به سبب اجابت دعای رسول خدا به هنگام سفر به طائف آن را مسجد الاجابه نامیده‌اند. آن حضرت در این مکان نماز گزارده‌اند. این مسجد در سال ۱۳۸۰ ش. همراه با سایر مساجد یاد شده، با مساحتی دو برابر و بسیار زیبا با سنگ‌های سفید و تیره بازسازی شد. گفتنی است در مدینه نیز مسجدی به همین نام وجود دارد. (۲) (تصویر شماره ۱۰)

ز) قبرستان ابوطالب و مزار شهدای فح

۱. قبرستان ابوطالب (جَنَّةُ الْمُعَلَّى)

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف؛ چون ابوطالب، قریش، حجون، بنی‌هاشم و جَنَّةُ الْمُعَلَّى یا جَنَّةُ الْمُغَلَّاه مشهور است. (۳)

۱- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۳۰-۲۷

۲- ر. ک. به: بخش مدینه از همین کتاب.

۳- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۸۱

ص: ۲۸

این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجدالحرام - الحُجُون. بر دامنه کوه حجون و در شعب ابی‌دُب قرار دارد. (۱) مردم مکه در دوران جاهلی مردگان خود را در «درّه ابی دُب» که بخشی از حَجون است، دفن می‌کردند، (۲) بعد از آن، منطقه گورستان وسیع‌تر شد و مسلمانان نیز در آن دفن شدند که تا عصر حاضر این روند ادامه دارد.

از عبدالله بن مسعود نقل شده که گفت: پیامبر(ص) زمانی وارد این مقبره شد که قبری از مسلمانان در آن نبود و در این جا بود که فرمود: از این مکان و از حرم خداوندی هفتاد هزار نفر بدون حساب به بهشت می‌روند و هر یک هفتاد نفر را شفاعت می‌کنند. این در حالی است که صورت‌های آنان؛ چه از اولین و چه از آخرین، همانند ماه شب بدر می‌درخشد. کسانی که در مکه و حرم وفات یابند، روز قیامت ایمن برانگیخته خواهند شد. عبدالله بن مسعود افزود:

«همراه پیامبر(ص) به این قبرستان آمدیم. آن حضرت فرمودند: به زیارت قبور بروید و برای اموات خود استغفار کرده، نماز بخوانید که دیدار قبور، شما را به فکر مرگ خواهد انداخت.» (۳) برای زیارت قبور این قبرستان و هر یک از آبا و اجداد پیامبر(ص) دعا‌های خاصی ذکر شده است. (۴)

۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۴، ص ۵۰

۲- فاکهی، همان، ج ۴، ص ۵۴؛ ازرقی، اخبار مکه، ج ۲، ص ۴۷۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۸۱

۳- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۵۶-۵۱

۴- ر. ک. به: محسن الامین. مفتاح الجنات فی الادعیه و الاعمال و الصلوات و الزیارات، ج ۲، صص ۶-۸

ص: ۲۹

گرداگرد این قبرستان دیواری کشیده‌اند که تا دامنه کوه امتداد می‌یابد. قبرستان از دو ناحیه مجزا تشکیل شده است. قبور آبا و اجداد پیامبر(ص) و بنی‌هاشم در شمال قبرستان واقع است که آن را به وسیله دیوار و نرده‌های آهنی از بقیه قبرستان جدا کرده‌اند. این قبور تا قبل از حکومت آل سعود، دارای گنبد و بارگاه بوده که سفرنامه‌نویسان و سیاحان به آن اشاره کرده‌اند. قبرستان امروزه تا آن سوی خیابان حجون نیز امتداد یافته است.

در این قبرستان، بسیاری از بزرگان در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از:

الف. قُصَی بن کِلاب (جدّ چهارم پیامبر خدا(ص)): او نخستین کسی بود که در این قبرستان مدفون شد. (۱) قصی همان کسی است که قبیله قریش را به وجود آورد و برای بهتر برگزار شدن حج، مناصبی برای کعبه ایجاد کرد.

ب. عبدالمطلب بن هاشم: جدّ اعلای رسول خدا(ص) که در زمان او ابرهه، به مکه حمله کرد. او سنت‌های نیکی به عنوان آیین حنیف در مکه به اجرا درآورد و چاه زمزم را نیز احیا کرد. مدفن وی کنار ابوطالب و شمال قبر منسوب به آمنه بنت وهب است. قبر عبدالله بن زبیر نیز در کنار او، در زیر یک گنبد قرار داشته است. (۲) ج. ابوطالب بن عبدالمطلب: پدر گرامی امام علی(ع) و بزرگ‌ترین

۱- ابن قتیبه، المعارف، ص ۴۲

۲- لیب البتنونی، الرحله الحجازیه، ص ۹۶

ص: ۳۰

حامی رسول خدا که پس از اسلام از دنیا رفت. او را کنار قبر پدر گرامی‌اش به خاک سپردند. بر مقبره آن دو، گنبد و بارگاهی ساختند که در ۱۳۲۵ ق. تعمیر و بازسازی شد. (۱) د. خدیجه ۳؛ همسر گرامی رسول خدا(ص) و افضل زنان بهشت و نخستین زن مسلمانی است که در هنگام محاصره شعب ابی طالب از دنیا رفت. قبر او دارای گنبد و بارگاهی بود. (۲) ه. قاسم بن محمد(ص): فرزند رسول الله(ص) که آن حضرت به سبب نام این فرزند، کنیه‌اش «ابوالقاسم» شد. وی نخستین مولودی است که خداوند از خدیجه ۳ به پیامبر(ص) ارزانی کرد. قاسم زودتر از فرزندان دیگر پیامبر(ص) دار فانی را وداع کرد و آن حضرت او را در جایی که اکنون نزدیک قبر خدیجه ۳ است دفن کرد. (۳) هم‌چنین در این قبرستان تعدادی از صحابه، تابعان، فرزندان ائمه، نوادگان، سادات و علمای جلیل‌القدر نیز دفن شده‌اند. (تصویرهای شماره ۱۱ و ۱۲)

۲. مزار گمنام شهدای فحّ

فحّ یکی از میقات‌های حج، البته از نظر شیعه است که آن را میقات کودکان نابالغ دانسته‌اند. امام صادق(ع) قبل از ورود به حرم در مکان مذکور غسل فرموده و به آن امر می‌کرده‌اند. (۴) هنگام خلافت هادی عباسی، حسین بن علی بن حسن بن حسن بن

۱- همان، ص ۹۵

۲- همان

۳- شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۹۹

۴- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۹۹

ص: ۳۱

علی بن ابی طالب (ع) که پس از شهادت به «شهید فحّ» مشهور شد، همراه چند تن از نوادگان امام حسن (ع) و نزدیک به چهار هزار نفر از علویان، که از حکومت عباسیان به ستوه آمده بودند، در مدینه دست به قیام زدند. آنان پس از تصرف مدینه به سمت مکه حرکت کردند. در مدخل ورودی مکه، در نزدیکی مسجد تنعیم، که به «وادی فحّ» معروف است، با سپاهیان خلیفه روبه‌رو شدند. در این نبرد که در سال ۱۶ (ص) ق. رخ داد، سپاهیان عباسی فرزندان پیامبر (ص) را قتل عام و سرهای بیش از یکصد نفر از شهدا را از تن جدا کردند و همراه اسرا نزد خلیفه فرستادند. بدن‌های بی‌سر شهدای فحّ را پس از سه روز، در همان محل دفن کردند. (۱) از امام جواد (ع) نقل شده که برای ما اهل بیت بعد از کربلا قتلگاهی بزرگ‌تر از فحّ نبوده است. هم‌چنین امام باقر (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمود: در این مکان (فحّ) مردی از فرزندان من، با جماعتی دیگر کشته می‌شوند که ارواح آنان بر بدن‌هایشان به سوی بهشت سبقت خواهد گرفت و جبرئیل (ع) نیز به من خبر داده است که یکی از فرزندان تو در این جا شهید می‌شود که اجر دو شهید خواهد داشت. (۲) مزار آنان، همانند سایر قبور، مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. این محل امروزه به «حی الشهداء» معروف و در شارع الشهداء، (روبه‌روی پمپ بنزین) کنار جاده مدینه، مکه، شش کیلومتری حرم و حدود ۵۰۰ متر

۱- مسعودی، مروج الذهب، ج ۳، ص ۳۰۹، طبری، تاریخ الطبری، ج ۱۰، صص ۳۴-۲۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، صص ۳۶۴-۳۸۶.

۲- ابوالفرج اصفهانی، همان ۳۶۶-۳۶۷

ص: ۳۲

بالا تر از مسجد تنعیم- که برای عمره در آن مُحَرَّم می‌شوند- قرار دارد. در سال ۱۳۸۱ ش. دیوار قبور شهدای فنج را بازسازی و دری برای آن قرار دادند و روی آن تابلویی با نام عبدالله بن عمر بن خطاب گذاشتند که حکایت از تلاش برای محو اثر و نام شهدای فنج دارد. (۱) (تصویر شماره ۱۳)

خلاصه درس

شهر مقدس مکه، در غرب نجد واقع است و آن را جزو تهامه دانسته‌اند. این شهر از شمال به مدینه، از مشرق به ریاض، از جنوب به یمن و از مغرب به جدّه محدود می‌شود. شهر مکه میان دو رشته کوه فلق یا فلح و قَعِيقَان محصور شده است. آب و هوای مکه خشک و سوزان و گرمایش آزار دهنده است. اسامی فراوانی برای مکه گفته‌اند، از جمله:

۱. بَکّه: برای بَکّه چندین معنا آورده‌اند؛ از جمله: بَکّه، از «بَکّ» مشتق شده؛ یعنی غرور گردن‌کشان و متکبران را در هم می‌کوبد و یا گردن آنان را می‌شکند. بَکّه در جایی نیز به معنای ازدحام آمده است.
۲. مَکّه: برای مَکّه، معانی چون بسط، گسترش و ازدحام، مغز استخوان و هلاک شدن و کاستن نیز آورده‌اند.
۳. اُمُّ القُری: مَکّه را از این رو «اُمُّ القُری» خوانده‌اند که گفته شده هنگام آفرینش زمین، آب تمام سطح آن را فرا گرفت و تنها مکان کعبه،

۱- این جا، به یقین مقبره عبدالله بن عمر بن خطاب نیست زیرا وی در میان مسیر راه حج و قبرستان ابوطالب ۷ تا مسجد الحرام دفن شده است.

ص: ۳۳

خشک بود و این خشکی اندک اندک از پیرامون کعبه بر آمد تا به مقدار کنونی گسترش یافت.

۴. بلد الامین: به معنای سرزمین و حرم امن الهی و یکی دیگر از نام‌های مکه است که خداوند در قرآن از آن یاد نموده و امتیت و حرمتش را بیان کرده است.

کوه‌های مکه عبارتند از: ۱. جبل النور/ غار حرا(مهبط وحی)؛ ۲. ابوقییس یا امین که برترین کوه‌های مکه است و حجرالاسود در آن به امانت بود؛ ۳. کوه ثور که پیامبر(ص) هنگام هجرت به مدینه، همراه ابوبکر سه شبانه‌روز در آن پنهان شدند؛ ۴. الحجون: که در دامنه آن قبرستان حجون یا ابوطالب قرار دارد؛ ۵. ثبیر: که از بزرگ‌ترین کوه‌های مکه است، در نزدیکی منا؛ ۶. قعیقاع: در مقابل کوه ابوقییس و سمت مروه.

شهر مکه به سبب وجود کوه‌های فراوان، دارای دره‌ها یا شعب‌هایی است که در عصر جاهلیت و اسلام هر قبیله به‌طور مستقل در آن زندگی می‌کردند و هر شعبی به نام آن قبیله معروف بود. تعداد شعب‌ها را ۲۵ عدد دانسته‌اند: مهم‌ترین آن‌ها شعب ابی‌دب است که قبرستان ابوطالب در آن قرار دارد و دیگری شعب ابوطالب که مشرکان به مدت سه سال پیامبر و مسلمانان را در آن محاصره اقتصادی کردند.

مساجد تاریخی مکه عبارتند از:

۱. مسجد یا زادگاه ختم رسولان محمد بن عبدالله(ص)؛ ۲. مسجد الجن؛ ۳. مسجد الزایه؛ ۴. مسجد البیعه/ مسجد الغنم؛ ۵. مسجد شجره؛ ۶. مسجد الاجابه.

گورستان تاریخی مکه، به نام‌های مختلف؛ چون ابوطالب، قریش،

ص: ۳۴

حجون، بنی‌هاشم و جَنه‌المُعَلّی مشهور است. این قبرستان در شمال شرقی مکه و در دو راهی خیابان مسجدالحرام- الحِجْرُون قرار دارد. در این قبرستان، آبا و اجداد پیامبر خدا(ص) و بسیاری از صحابه آن حضرت در خاک آرمیده‌اند که مهم‌ترین آنان عبارت‌اند از: قُصَی بن کِلاب، عبدالمطّلب بن هاشم، ابوطالب بن عبدالمطّلب، خدیجه ۳، قاسم بن محمد(ص)، فرزند رسول الله. از دیگر زیارتگاه‌های مکه مزار شهدای فُخ است در نزدیکی مسجد تنعیم در محلی به همین نام که تا مسجدالحرام ۶ کیلومتر فاصله دارد.

خودآزمایی

۱. اسامی شهر مکه را نام ببرید و هر یک را توضیح دهید.
۲. کوه‌های مکه را نام برده و دلایل این نامگذاری را بیان کنید.
۳. شعب‌های مکه را نام ببرید.
۴. مساجد تاریخی مکه را نام برده و علت بنای هر یک را شرح دهید.
۵. مزار شهدای فُخ در کجا واقع شده و چه حادثه مهمی در آن‌جا روی داده است؟

ص: ۳۵

درس دوم تاریخچه کعبه و مسجدالحرام

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با از مطالعه این درس:

- سیر تاریخی احداث کعبه را بدانیم.
- با سیر بازسازی کعبه آشنا شویم.
- از تاریخچه مناصب کعبه آگاهی یابیم.
- با بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام آشنا شویم.

مدخل

اشاره

در این فصل از سیر احداث و بازسازی کعبه که از تاریخچه و اهمیت دیرینه‌ای برخوردار است به ویژه محیط پیرامون آن یعنی مسجدالحرام و نشانه‌های روشن آن از جمله مقام ابراهیم، حجرالاسود، چاه زمزم و سایر آثار مقدس آن به تفصیل سخن خواهد رفت.

الف) کعبه نخستین خانه عبادت بر روی زمین

الف) کعبه (۱) نخستین خانه عبادت بر روی زمین
 (إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ). (۲)
 همانا نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، خانه‌ای در بکّه است که مبارک گردانیده و آن هدایتی برای جهانیان است.
 روایات مذکور در کهن‌ترین منبع تاریخی؛ حاکی از آن است که کعبه پیش از آفرینش آسمان‌ها و زمین، چون حُبابی روی آب بود و اندک اندک قسمت‌های دیگر زمین از زیر آن گسترده شد و وسعت یافت. (۳) به گفته برخی از روایات، کعبه را حضرت آدم (ع) بنا کرد.
 هنگام طوفان نوح (ع) کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم (ع) پنهان بود تا آن که خداوند مکان آن را به ابراهیم (ع) نشان داد. (وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ ...)، (۴) ایشان از شام به مکه حرکت کرد و پسرش، اسماعیل (ع) و همسرش، هاجر ۳ را نیز همراه خود برد. اسماعیل (ع) در آن دوران، کودکی شیرخواره بود. ابراهیم (ع) با راهنمایی جبرئیل (ع)، آن دو را کنار حجر اسماعیل کنونی جای داد و

۱- از این رو، بیت‌الله را «کعبه» نامیده‌اند که دارای ارتفاع بوده و هر بنای مرتفع را کعبه گویند و یا به روایتی چون به شکل مربع و مکعب بوده، آن را کعبه خوانده‌اند (یا قوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۶۳).

۲- آل عمران: ۹۶

۳- ابوالولید ازرقی، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۲۲ (وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَلِكَ دَحِيهَا). (نازعات: ۳۰).

۴- حج: ۲۶

ص: ۳۷

سایه‌بانی برای آنان فراهم کرد و گفت:

(رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ). (۱)

خدایا! من ذریه خود را در این سرزمین بی کشت و زرع، در کنار خانه‌ات جای دادم.

آن‌گاه خود به سوی شام برگشت. پس از چندی ابراهیم (ع) نزد فرزند خود بازگشت و همراه او، پایه‌های کعبه را در همان جای اصلی آن، برافراشتند. (۲) حجرالأسود از کوه «ابوقیس» که به امانت از بهشت در آن قرار داشت در گوشه‌ای از کعبه نصب شد. ابراهیم (ع) در کنار کعبه برای اسماعیل سایه‌بانی از چوب‌های درخت فراهم کرد که خوابگاه گوسفندان او گردید و نیز داخل کعبه، که به صورت مکعب ساخت، گودالی حفر کرد و آن را خزانه و محل نگهداری هدایای کعبه قرار داد. چون دیوارها بالا آمد، اسماعیل (ع) از کوه ابوقیس سنگی را که اکنون مقام ابراهیم (ع) شناخته می‌شود، برای پدر آورد و ابراهیم (ع) روی آن ایستاد و کعبه را ساخت. (۳) از امام صادق (ع) نقل شده است که: «خداوند- عزوجل- زمین را از زیر کعبه گسترده تا منا، سپس آن را از منا به سوی عرفات گسترانید. پس

۱- ابراهیم: ۳۷

۲- شیخ صدوق، همان، ج ۲، صص ۱۶۲-۱۶۱

۳- ازرقی، همان، صص ۴۷-۴۲

ص: ۳۸

زمین از عرفات است و عرفات از منا است و منا از کعبه است.» (۱) نام دیگر کعبه، بیت‌الله و بیت عتیق است که در قرآن آمده است. از امام باقر(ع) پرسیدند: چرا کعبه را عتیق نامیدند؟ پاسخ داد: برای این که خانه‌ای آزاد و رها شده از مالکیت مردم است که هیچ کس مالک آن نیست. (۲)

ب) سیر بنا و بازسازی کعبه

دردوران ابراهیم ارتفاع کعبه ۹ ذراع؛ یعنی حدود ۴/۴۳ متر و طول آن ۳۰ ذراع- ۱۴/۷۹ متر- و عرض آن ۲۲ ذراع- ۱۰/۸۵ متر- بوده است. در آن زمان کعبه سقف و دری نداشت. قریش در دوره جاهلیت، ۵ سال پیش از بعثت، هنگامی که کعبه بر اثر سیل خراب شد، ۹ ذراع دیگر بر ارتفاع آن افزودند و آن را به ۱۸ ذراع- ۸/۸۷ متر- رسانیدند و آن را مسقف کردند. (۳) و دری هم برای آن که همسطح زمین بود قرار دادند. از طول آن نیز حدود ۶ ذراع و یک و جب- حدود سه متر- کاستند که حجر اسماعیل(ع) امروزی بخشی از آن است. (۴) این کار بدان سبب صورت گرفت که اموال حلال آنان برای بازسازی کعبه به اتمام رسید و قریش مال دیگری برای این کار نداشتند. بنابراین، طول کعبه از بنایی که ابراهیم(ع) ساخته بود، کمتر شد که البته بعضی معتقدند از طول کعبه هیچ گاه کم نشده است. اطراف حجر را هم

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۱۸۹

۲- همان.

۳- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۳۲۸؛ در این جا بر اساس ذرع هاشمی یعنی ۴۹/۳۳ سانتی متر محاسبه کرده‌ایم.

۴- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۷؛ مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، صص ۹۵-۹۳

ص: ۳۹

سنگ چین کردند که عده‌ای معتقدند این همان‌جایی بوده که اسماعیل پیرامون قبر مادرش را سنگ‌چین کرده بود. از آن پس، طواف‌کنندگان از پشت آن طواف می‌کردند. بنای کعبه همین‌گونه بود تا آن‌که «عبدالله بن زبیر» در زمان یزید به کعبه پناهنده شد. سپاهیان یزید برای بیرون آوردن وی، کعبه را به منجنیق بستند و بخشی از آن را تخریب کردند. ابن زبیر پس از مرگ یزید، آن را در سال ۶۵ ق. بازسازی و به همان اساس ابراهیم (ع) برگرداند؛ یعنی ۳ متر کاسته شده از سمت حجر اسماعیل را بار دیگر به کعبه ملحق ساخت. بر ارتفاع آن ۹ ذراع دیگر افزود و ارتفاع کعبه را به ۲۷ ذراع (۳۱/۱۳ متر) رسانید. و پشت کعبه، (در غرب) باب دیگری به کعبه افزود. (۱)

پس از آن‌که حجاج، عامل عبدالملک بن مروان، کعبه را با منجنیق به آتش کشید و ابن زبیر را به قتل رسانید، کعبه را در ۷۴ ق. از اساس خراب کرد. بخشی (حجر اسماعیل) را، که ابن زبیر به بنای قریش افزوده بود، ویران و آن را به همان‌گونه که قریش ساخته بودند برگرداند؛ یعنی از طول آن کم کرد و دری را که پشت کعبه گشوده بود بست و در اصلی را نیز بلندتر از زمین قرار داد. این بنا هنوز به همین وضع است اگرچه در زمان سلطان مراد عثمانی ۱۰۴۰ ق. سیل کعبه را خراب کرد و ناچار شدند آن را از اساس خراب کنند و دوباره بسازند، اما بر همان اساس قبلی دوباره بنا کردند و هیچ تغییری در آن ندادند. در مورد آخرین بازسازی که در سال ۱۴۱۷ ق. به دستور فهد بن عبدالعزیز انجام شد، زیربنا و اساس کعبه تقویت و تحکیم و شاذروان مرمت گشت و شکاف‌ها و روزنه‌های بین سنگ‌ها

۱- ابن رشید فهری، مل العیبه بما جمع بطول الغیبه، صص ۱۱۸ و ۱۱۹

ص: ۴۰

گرفته شد. سقف کعبه نیز برداشته و بازسازی گردید.

گفتنی است کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم(ع)، ۸ مرتبه به طور کلی یا جزئی توسط قبایل و افرادی بازسازی شده که عبارت‌اند از:

۱. عمالقه؛ ۲. جُرهم؛ ۳. قُصی بن کلاب؛ ۴. قریش؛ ۵. عبدالله بن زبیر؛ ۶. حجاج بن یوسف؛ ۷. سلطان مراد عثمانی؛ ۸. سعودی.

بنابراین، پس از آن بازسازی‌ها، ابعاد و اندازه‌های کعبه در حال حاضر عبارت‌اند از:

ارتفاع کعبه ۱۳ متر، طول آن از سمت ملترم رکن حجرالأسود تا رکن عراق (حجر اسماعیل) ۱۱/۷۱ متر، طول از رکن عراقی تا شامی ۹/۹۰ متر، از رکن غربی تا رکن یمانی ۱۲/۰۴ و از آنجا تا رکن اسود ۱۰/۱۸ است.

هم‌چنین ارتفاع کف تا باب کعبه ۱/۹۲ متر، ارتفاع دیوار حجر اسماعیل ۱/۱۲ متر، قطر دیوار حج اسماعیل ۱/۵۶، فاصله میان انتهای قوس دیوار حجر تا دیوار کعبه (زیر ناودان) ۸/۴۷ متر، فاصله میان دو طواف نیم دایره حجر اسماعیل ۷/۷۳ متر، ارتفاع حجرالاسود از سطح زمین ۱/۵۰ متر، طول ملترم این رکن اسود و باب کعبه ۲ متر است. (۱)

(ج) مناصب کعبه هنگام ظهور اسلام

جدّ چهارم رسول خدا(ص) قُصی بن کلاب، برای هرچه بهتر برگزار کردن مراسم حج و پذیرایی زائران، مناصبی ایجاد کرد که بعد از وی میان فرزندان او تقسیم شد. این مناصب که در طول تاریخ خود، باعث

۱- محمدطاهر کردی مکی، کعبه و مسجدالحرام در گذر تاریخ، ترجمه هادی انصاری، ص ۴۸

ص: ۴۱

تنش‌ها و برخوردهایی میان متصدیان آنها می‌شد، عبارت بودند از:

۱. سقایت؛ آب دادنِ حاجیان و زائران کعبه.
۲. رفادت؛ میهمانداری و پذیرایی زائران.
۳. عُقاب؛ پرچمداری.
۴. حجابت؛ دربانی، کلیدداری.
۵. سِدانت؛ پرده‌داری.
۷. لواء؛ پرچم.
۸. دارالندوه؛ مجلس مشورتی.
۹. قُبّه؛ انبار سلاح.
۱۰. سفارت.
۱۱. ایسار وازلام؛ بخت‌آزمایی و شرطبندی.
۱۲. قضا و داوری.
۱۳. حفاظت اموال متعلق به کعبه و بت‌ها.
۱۴. قیادت؛ سرداری و سرپرستی کاروان‌های بازرگانی.
۱۵. پرداخت دیه و غرامت.
۱۶. اعنّه؛ سرپرستی چارپایان و ستوران قریش به هنگام جنگ.
۱۷. عماره؛ نگهبانی و بازسازی مسجدالحرام. (۱)

د) آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام

اشاره

۱- ابن‌ظهيره القرشي المخزومي، الجامع اللطيف في فضل مكة و اهلها و بناء البيت الشريف، ص ۷۳

۱. حَجْرُ الْأَسْوَدِ وَ تَارِيخُهُ آن

حجرالأسود به سنگ سیاهی گویند که در رکن «اسود» یا شرقی نصب شده است. این سنگ، تاریخی پرفراز و فرود دارد. روایاتی که ابن عباس و دیگران از پیامبر(ص) نقل کرده‌اند، دلیل بر این است که حجرالأسود و مقام ابراهیم، هر دو از بهشت و از گوهرهای آن هستند و در زمین غیر از آن دو، چیزی از بهشت نیست؛ هم‌چنین از پیامبر(ص) نقل شده که حجرالأسود یاقوتی سفید از یاقوت‌های بهشت بوده و خداوند آن را به سبب گناه گناهکاران دگرگون [سیاه] کرده است. «ابوالولید ازرقی» از پدر بزرگش ... از ابن عباس نقل می‌کند که پیامبر خدا(ص) فرمود:

«در روز قیامت، حجرالأسود به سود کسانی که با حق و راستی، آن را مسح کرده‌اند گواهی می‌دهد.» (۱) در روایات آمده است: این سنگ همانند دست راست خدا در زمین است که با بندگان خود به وسیله آن مصافحه می‌کند، همان‌طور که شما با برادران خود دست می‌دهید و هر کس که محضر پیامبر(ص) را درک نکرده باشد و به این سنگ دست بکشد، مثل آن است که با خدا و پیامبرش بیعت کرده است. (۲) هم‌چنین از ابن عباس نقل شده که حجرالأسود و مقام ابراهیم(ع) همراه حضرت آدم(ع) فرود آمده‌اند؛ شبی که آدم(ع) هبوط کرد، هنگام صبح،

۱- ازرقی، همان، ص ۲۴۲؛ ابن ظهیره القرشی المخزومی، همان، ص ۲۲

۲- فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۲۷۷؛ شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۰۲

ص: ۴۳

آن دو را شناخت و با آنها انس گرفت. (۱) ابراهیم (ع) هنگام ساختن کعبه، از کوه ابوقییس ندایی شنید که ای ابراهیم، برای تو نزد من امانتی است. ابراهیم رفت و حجرالأسود را گرفت و در رکن کعبه نصب کرد. (۲) این سنگ تا قبل از اسلام چندین بار از جای خود برداشته شده و دوباره نصب گردیده است. هنگام تجدید بنای کعبه به دست قریش - در دوران جوانی پیامبر (ص) - بر سر نصب آن مشاجره‌ای جدی میان قبایل قریش پدید آمد؛ آن حضرت با تدبیری حساب شده حجرالأسود را در جای کنونی نصب کرد؛ به این شکل، از یک سو همه قبایل را در این افتخار شریک ساخت و از سوی دیگر مانع یک خونریزی حتمی شد. (۳) در قرن سوم هجری، قرامطه آن را ربوده و به شام بردند ولی یک سال طول نکشید که آن را باز گردانده و در جای خود نصب کردند. (۴) در قرن چهارم نیز دوباره آن را ربودند و ۲۲ سال بعد به وسیله خلیفه فاطمی المطیع از قرامطه خریداری و باز گردانده شد. (۵) این سنگ، که نزدیک به پنجاه تکه‌ریز است، با بست‌های فلزی و

۱- ازرقی، همان، ص ۲۴۳

۲- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۵؛ حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۸

۳- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۱۹۷؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۲۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۵ و ج ۳، ص ۳۶۲؛ حر عاملی، همان، ص ۳۲۹

۴- فاسی المکی، همان، ج ۱، صص ۳۱۳ و ۳۱۴

۵- ابن وردی، تاریخ ابن وردی، ج ۱، ص ۳۹۴؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۳۶۳

ص: ۴۴

نقره‌ای به یکدیگر متصل و در یک قاب نقره‌ای قرار دارد.

روایات بی‌شماری برای بوسیدن و استلام حجرالأسود، نقل شده‌است؛ به ویژه این که پیامبر(ص) آن را بوسیده و یا استلام می‌کردند. (۱) از ایشان نقل شده که دست کشیدن به آن، گناهان را می‌ریزد؛ لذا بسیاری از صحابه برای بوسیدن و استلام آن، خود را به زحمت می‌انداختند. روایاتی نیز از ابن عباس نقل شده، از جمله این که:

«برای استلام حجر مسلمانی را آزار مده و مورد آزار هم قرار مگیر، اگر خلوت بود، آن را ببوس یا بر آن دست بکش و گرنه برو.» (۲) پیامبر(ص) در فتح مکه و نیز حجه الوداع با چوب‌دستی خود، آن را از دور استلام کردند و دوست نداشتند مردم را از آن کنار بزنند. بسیاری از صحابه نیز پس از استلام حجر دست‌های خود را می‌بوسیدند. (۳) (تصویر شماره ۱۴)

۲. ارکان کعبه و اندازه‌های بیرونی

گوشه‌های خانه کعبه را «ارکان کعبه» گویند که هر یک به نام خاصی مشهور است.

۱/ ۲. رکن شرقی (اسود): این رکن در زاویه شرقی و همان‌جایی است که حجرالأسود در آن نصب شده است. این رکن تقریباً در جانب

۱- حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۴۰۲، شیخ طوسی، همان، ج ۵، ص ۱۰۳

۲- ابن حجر عسقلانی، همان جا.

۳- ازرقی، همان، صص ۲۶۰-۲۵۱؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۹۷؛ زیعلی الحنفی، نصب الرايه لاحادیث الهدایه، ج ۳، ص ۳۸؛ مسلم، صحیح، ج ۹، ص ۱۶

ص: ۴۵

کشورهایی چون عمان، هند، بنگلادش و ژاپن است. اندازه آن تا رکن شمالی ۸۶ / ۱۱ متر است. (۱) پیامبر(ص) هرگاه رکن اسود را می‌دید، آن را استلام می‌کرد و هرگز از آن کار غافل نمی‌شد. (۲) بدان جهت که حجرالأسود در آن واقع شده و بر اساس و قواعد حضرت ابراهیم بوده است.

۲ / ۲. رکن شمالی(عراقی): در زاویه شمال شرقی، رکن شمالی است که حجر اسماعیل از آن جا آغاز می‌شود؛ این رکن تقریباً در برابر عراق واقع شده است. بعضی از قدما این رکن را شامی می‌دانسته‌اند. این دومین رکن کعبه پس از رکن حجرالأسود بوده و فاصله آن تا رکن غربی ۹ / ۹۰ متر است. (۳) این رکن بر پایه ابراهیم(ع) نیست و قریش آن را تغییر دادند؛ لذا پیامبر(ص) آن را استلام نمی‌کردند. (۴) ۲ / ۳. رکن غربی(شامی): این رکن در زاویه غربی و در سمت دیگر حجر اسماعیل(ع) است که سومین رکن پس از رکن حجرالأسود به شمار می‌آید. رکن غربی به سوی شام، مصر و آفریقا است. لذا آن را رکن مصری هم می‌توان گفت. فاصله آن تا رکن یمانی ۱۲ / ۰۴ متر است. رکن

۱- عبید الله امین الکردی، الکعبه المعظمه والحرمان الشریفان. عماره و تاریخها، صص ۱۵۶-۱۳۶

۲- محب‌الدین طبری، القرى لقاصد ام‌القری، ص ۲۰۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۸۱؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۰۱؛ مسلم، همان، ج ۹، ص ۱۲

۳- عبیدالله الکردی، همان‌جا.

۴- همان‌جا.

ص: ۴۶

غربی نیز بر اساس بنای ابراهیم(ع) نیست و پیامبر(ص) آن را استلام نمی‌کردند. (۱) ۲/۴. رکن جنوبی(یمانی): این رکن در زاویه جنوبی، تقریباً مقابل کشور «یمن» در جنوب شبه جزیره قرار دارد و فاصله آن تا رکن اسود ۱۸/۱۰ متر است. پیامبر(ص) همواره رکن یمانی را استلام می‌کردند؛ چون بر پایه بنای ابراهیم(ع) قرار دارد. (۲) مستجار در گوشه این رکن است. از امام صادق(ع) نقل شده است رکن یمانی دری از درهای بهشت است و از روزی که گشوده شد بسته نشده است. (۳)

۱- رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، ص ۳۶۳

۲- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۲۷۹؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۳۶؛ رفعت پاشا ضلع جنوبی را ۲۵/۱۰ متر ذکر کرده است(همان جا).

۳- کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۰۹

۳. شاذروان

شاذروان برآمدگی کوتاهی است که دیوار کعبه را از بیرون احاطه کرده است. این برآمدگی که امروزه از سنگ سفید است، باقی مانده یا نشانه محل دیوار قبلی خانه خداست که به هنگام بازسازی کعبه در زمان ابن زبیر بیرون از خانه واقع و به عنوان پایه برای محکم کردن دیوار کعبه استفاده گردید، لذا از محیط داخلی کعبه کاسته شد. ارتفاع آن در سمت شمال، ۵۰ و عرض ۳۹ سانتی متر، در غرب، ارتفاع ۲۸ و عرض ۸۰ سانتی متر، در جنوب، ارتفاع ۲۴ و عرض ۸۷ سانتی متر، و در شرق، ارتفاع ۲۲ و عرض ۶۶ سانتی متر است. (۱)

شایان ذکر است شاذروان همه اطراف کعبه، جز حجر اسماعیل را در بر گرفته است. در طول این دوران حلقه‌هایی نیز در آن تعبیه شده تا پرده کعبه به آن وصل گردد. طواف بر شاذروان از آن رو صحیح نیست که جزو کعبه است. خداوند امر کرده است که به خانه طواف کنید نه «در خانه» طاف بالبیت و لا فی البیت (۲) از روی شاذروان و از درون حجر اسماعیل طواف کردن، مانند آن است که طواف فی البیت باشد، نه بالبیت. تصویر شماره ۵۱)

۴. ناودان طلا (میزاب)

۱- رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۲۶۳

۲- ویطوفوا بالبیت العتیق (حج / ۲۹).

ص: ۴۸

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل (ع) هدایت کند. کعبه تا ۳۵ سال بعد از ولادت حضرت رسول (ص) ناودان نداشت و نخستین ناودان را قریش در آن سال از چوب تراشیدند و بر بام آن نصب کردند. در طول سال‌ها، حکام و امرا ناودان‌هایی از نقره و در سال ۱۰۲۱ ق. نیز از طلا ساختند. ناودان طلای کنونی را «سلطان عبدالحمید عثمانی» به طول ۲/۵۳ متر و عرض ۲۶ سانتی‌متر در سال ۱۲۷۳ ق. به خانه کعبه هدیه کرد. (۱) در روایات آمده است: دعای کسی در زیر این ناودان رد نمی‌شود؛ از این رو، نسبت به آن سفارش زیاد شده است. (تصویر شماره ۱۶)

۵. باب کعبه

نخستین کسی که برای خانه‌خدا دربی تعبیه کرد تبع سوم یکی از پادشاهان یمن بود. وقتی قریش کعبه را بازسازی کردند دو لنگه در نصب کردند. ابن زبیر نیز از همان استفاده کرد. حجاج در دیگری بر باب کعبه نصب کرد. آخرین دری که قبل از دوران سعودی نصب شد را سلطان مراد عثمانی ساخت. در سال ۱۳۶۳ ق. ملک عبدالعزیز دری ساخت و پس از وی ملک خالد در ۱۳۹۸ ق. آن را تعویض کرد که اکنون نیز بر کعبه قرار دارد. این در دارای دو جدار یا دو قسمت خارجی و داخلی است. باب داخلی آن،

۱- رفعت پاشا، همان، ج ۱، صص ۲۶۷ و ۲۷۵

ص: ۴۹

به «باب التوبه» معروف است و از لحاظ شکل و نوع تزئین، با باب خارجی یکسان و مشابه است. وزن باب کعبه ۲۸۰ کیلوگرم می‌باشد که از طلای عیار ۱۰۰٪ تهیه شده و مبلغ ۱۳/۴۲۰/۰۰۰ ریال سعودی برای آن هزینه شده است. طول باب کعبه ۳/۱۰ متر، عرض آن ۱/۹۰ متر، پهنای آن ۵۰ سانتی‌متر، است. روی در کعبه به طرز بسیار زیبایی آیات قرآن در چهار دایره و شش مربع مستطیل به خط ثلث منقوش شده است. این در به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد. قفل قبلی که هفتاد سال قدمت داشته، اکنون در موزه مکه نگهداری می‌شود. گفتنی است در عصر جاهلی، کلیدداری کعبه، از منصب‌های مهم بود. هنگام فتح مکه، کلید کعبه در اختیار «عثمان بن ابی طلحه عبدی» بود و پیامبر(ص) آن را از وی گرفتند و با ورود به کعبه، تمامی بت‌ها را شکستند. (تصویر شماره ۱۷)

۶. درون کعبه

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع)، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. نخستین هدایا که درون آن آویزان گردید، دو «شاخ گوسفند» یا قوچ بود که گفته می‌شد همان شاخ‌های ذبیح ابراهیم(ع) است. این دو شاخ در دوران عبدالله بن زبیر به سبب پوسیدگی از میان رفت. (۱) در دوران

۱- ازرقی، همان، ص ۱۷۶. پیامبر ۹ هنگامی که وارد کعبه شدند به بانویی از بنی‌سلیم فرمودند این دو شاخ را بپوشان زیرا شایسته نیست در کعبه چیزی باشد که حواس نمازگزار را به خود جلب کند. محمد بن یحیی گوید: در دوران ابن زبیر که وی کعبه را خراب کرد آن دو شاخ را دیده‌اند در حالی که بر آن دو گل سرخ مالیده بودند، ابن زبیر آن را به دست گرفت، همین که به آن دو شاخ دست خورد از یکدیگر پاشیده شد. (ازرقی، همان جا)

ص: ۵۰

اسلامی، تقدیم هدایا افزایش یافت و عمر بن خطاب، خلیفه وقت پس از فتح مداین، دو نیم ماه زرین را که برای او فرستاده بودند، در کعبه آویخت. پس از وی، خلفای اموی و عباسی نیز هدایایی تقدیم داشتند (۱) که طی سالیان دراز، همواره زینت بخش کعبه بوده است.

هم‌اکنون در درون کعبه جز سه ستون چوبی متبیت کاری شده از چوب عود که به موازات هم قرار گرفته و قطر هر یک ۲۵ سانتی‌متر است، و نیز چندین قندیل فلزی که آویزان شده است، چیز دیگری وجود ندارد. این سه ستون، سقف کعبه را نگه داشته است.

در داخل کعبه پلکانی وجود دارد که به بام می‌رسد. این پلکان در داخل اتاقکی بدون پنجره قرار گرفته است. هنگامی که از پله‌ها بالا بروید تقریباً به اندازه یک قدم مانده به سقف دری کوچک در سمت روبرو و دری دیگر همانند آن در سمت چپ دیده می‌شود. این دو در، به فضای میان سقف تحتانی و سقف فوقانی کعبه که با همدیگر ۲ متر فاصله دارند راه می‌گشاید. (۲) کف کعبه با سنگ‌های مرمر که بخش عمده آن سفید و باقی مانده‌اش رنگی است فرش شده است. دیوار داخل نیز تا نیمه آن با

۱- ازرقی، همان ص ۱۹۱؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۷۸

۲- عییدالله محمد امین کردی، همان، ص ۱۲۱.

ص: ۵۱

سنگ مرمر روکش شده و این سنگ‌ها دارای نقش و نگارهای ظریفی است. در داخل کعبه نه لوح مرمر وجود دارد که بر هشت تای آن‌ها با خط ثلث و بر یکی دیگر با خط کوفی برجسته، متنی کنده کاری شده است. این لوح‌ها جز یکی که یادمان توسعه دوران ملک فهد است، در سده ششم هجری نوشته شده است. شایان ذکر است در سال ۱۳۱۵ ق. داخل کعبه به طور کلی مرمت گردید. (۱) نیمی از دیوارهای داخل با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده است. گفتنی است همه ساله در روز هشتم ذی‌حجه درون کعبه را با آب زمزم و گلاب قمصر کاشان می‌شویند و پرده خانه را نیز تعویض می‌کنند. پیامبر(ص) برای نخستین بار به هنگام فتح مکه، پس از

۱- همان، ص ۱۲۱.

ص: ۵۲

شکستن بت‌ها و از میان بردن تصاویر نقش شده بر دیوار، داخل خانه را با آب زمزم شستند (۱) که این رسم تاکنون پابرجاست. کعبه دو سقف دارد؛ یکی در زیر، که از زمین مطاف تا آن ۱۱/۳۰ متر و از کف کعبه ۹/۵۰ متر ارتفاع دارد. سقف دوم حدود ۲/۲۰ متر بر روی سقف اول است که روزنه‌هایی برای روشن ساختن آن وجود دارد. بر پشت بام کعبه یک نیم دیواره به ارتفاع ۸۰ سانتی متر ساخته‌اند تا آب باران در آن جمع شود و به وسیله ناودان به داخل حجر اسماعیل بریزد. برای روشنایی کعبه در زمان ابن زبیر چهار روزنه تعبیه و با سنگ‌هایی که از یمن برای وی آورده بودند، تزیین شده بود، اما این روزنه‌ها در عصر عثمانی به سبب ورود آب از طریق آن به داخل کعبه بسته شد.

ورود به کعبه و خواندن نماز در آن، فضیلت فراوان دارد و در این مورد، پیامبر(ص) و ائمه اطهار: سفارش‌های فراوان کرده‌اند. (۲) (تصویر شماره ۱۸)

۷. مُسْتَجَار

مستجار به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی گفته می‌شود. در شفاءالغرام آمده است: از این رو به این مکان مستجار گفته‌اند که پناه گیرنده به آن، «مستجارٌ من ذُنوب» است و گناهانش ریخته می‌شود. چون بعضی از صحابه به این مکان الترام می‌جستند به «مُلْتَمِّمٌ» و «مُتَعَوِّذٌ» نیز معروف

۱- متقی الهندی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۵، ص ۲۹۹

۲- زیعلی الحنفی، نصب الرایه لاحادیث الهدایه، ج ۲، ص ۳۱۹

ص: ۵۳

است. (۱) این مکان بر اساس اتفاق منابع شیعی و برخی از منابع اهل سنت، شاهد حادثه‌ای عظیم بوده و به عظمت و قدرت الهی برای ورود فاطمه بنت اسد، مادر مولود کعبه (علی (ع)) شکافته شد. (۲) خداوند متعال این افتخار بزرگ را تنها نصیب او ساخت که در بهترین مکان در عالم، متولد شد. شایان یادآوری است در این قسمت، آثار ترمیم و بندکشی دیده می‌شود که البته ارتباطی به شکاف یادشده ندارد؛ زیرا کعبه در عصر حجاج، از پایه خراب و دوباره ساخته شد و آثاری از مکان ورود فاطمه بنت اسد بر آن وجود ندارد.

۸. مُلتَزَم

بر اساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است. اما اهل سنت به فاصله میان حجرالأسود و در کعبه را ملتزم می‌دانند. (۳) گویند هیچ بنده‌ای در این مکان التجا و پناه نمی‌گیرد جز آن که خداوند حاجتش را برآورده می‌کند. چون پیامبر (ص)، ائمه اطهار و اصحاب، سر و صورت، دست‌ها و سینه خود را به این مکان چسبانده و دعا می‌کردند؛ (۴) لذا به آن «ملتزم» گفته‌اند. (۵)

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، صص ۳۱۷ و ۳۱۸؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الأحادیث و الآثار، ج ۴، ص ۳۱۸

۲- ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه فی مناقب الائمة، ص ۱۲؛ سبط بن جوزی، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمة، ص ۱۰

۳- فاکهی، همان، ج ۱، ص ۱۶۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۷

۴- فاکهی، همان، ج ۱، صص ۱۶۸-۱۶۳؛ فاکهی احادیث زیادی در الترام پیامبر ۹ به این مکان و دعای آن حضرت ذکر کرده است. (ج ۱، ص ۱۶۲)

۵- ر. ک: محمّد رضا نعمتی: «پژوهشی درباره ملتزم»، میقات حج، شماره ۴۳.

ص: ۵۴

۹. مَعْبَدَه

گودالی است بر روی زمین به عمق ۳۰ سانتی‌متر و عرض ۱/۵ متر، نزدیک «شاذروان» مقابل درِ کعبه و حجرالأسود. گویند که ابراهیم(ع) «يَعْبُدُ فِيهِ الْمَلَأَط» یعنی در این گودال، آب و خاک را با هم مخلوط می‌کرد تا برای ساخت کعبه به کار گیرد. گفته‌اند: جبرئیل(ع) با پیامبر(ص) در این مکان نماز گزارده‌اند. بعدها این گودال را پوشانیدند.

۱۰. حَطِيم

در محدوده حطیم اختلاف است؛ اهل سنت حجر اسماعیل و شیعه میان حجر اسماعیل، مقام ابراهیم و چاه زمزم را حطیم می‌دانند. حطیم به معنای شکسته شده است؛ چون در زمان قریش که کعبه را می‌ساختند به علت آن که مال حلالشان به اندازه کافی برای بازسازی کعبه نبود لذا به اندازه شش و نیم ذراع از طول کعبه کاستند و آن را شکستند. البته برخی از بزرگان شیعه و نیز اهل سنت معتقدند از کعبه هیچ مقداری، حتی یک وجب کاسته نشده است و آن‌جا قبر هاجر، مادر اسماعیل بوده که وی دور آن‌را سنگ‌چین کرده بود تا مبادا کسی هنگام طواف بر روی قبر مادرش پا گذارد. در دوران جاهلیت، در این مکان مظلومان در حق ظالمان نفرین می‌کردند، لذا این امر موجب می‌شد مردم نسبت به یکدیگر ستم نکنند. (۱)

۱- ازرقی، همان، صص ۳۲۱-۳۲۰؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۱۹

ص: ۵۵

از پیامبر(ص) نقل شده است: بهترین و پاک‌ترین مکان‌های روی زمین نزد خداوند، فاصله میان رکن اسود و مقام ابراهیم(ع) است که این مکان باغی است از باغ‌های بهشت، پس کسی که چهار رکعت در آن نماز گزارد، از عرش ندا می‌رسد «ای بنده من، گناهان گذشته‌ات بخشیده شد». هم‌چنین گویند در محدوده حطیم؛ یعنی میان رکن، مقام تا زمزم و حجر اسماعیل(ع)، ۹۹ تن از پیامبران الهی؛ از جمله حضرت آدم، نوح، (۱) صالح، شعیب، اسحاق، یوسف، اسماعیل: و نیز دختران وی مدفونند. (۲)

۱۱. پوشش کعبه (الکسوه)

پوشانیدن کعبه از سنت‌هایی است که پیشینه‌ای طولانی در تاریخ بیت‌الله دارد. اهمیت آن به اندازه‌ای است که یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. بیشتر منابع، ابراهیم یا اسماعیل ۸ را نخستین کسی می‌دانند که خانه کعبه را پوشانید (۳) و روایتی نیز از امام صادق(ع) در این باره آن را تأیید می‌کند. (۴)

۱- بر اساس روایاتی، قبر حضرت آدم ۷ و نوح ۷ در نجف اشرف در محل قبر حضرت علی ۷ قرار دارد.

۲- کلینی، انووع، ج ۴، ص ۲۱۴؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۲۰؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۳۰۵

۳- ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه، ج ۳، ص ۳۵۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۴؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴

۴- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۴۹

ص: ۵۶

بعضی، «تُبَع» پادشاه حُمَیر (۱) را، که همان «اسعد بن معدی کرب» باشد، نخستین کس دانسته‌اند که بر کعبه پرده پوشانید. گفته‌اند که وی در خواب دید کعبه را جامه می‌پوشاند؛ پس ابتدا بر آن پوششی چرمی انداخت و بعد با پارچه‌های حَبری بافت یمن پوشانید و برای کعبه نیز دری قرار داد. (۲) در روزگار جاهلی، پرده کعبه، که از جنس‌های گوناگون؛ مانند پشم، مو، کرک، خز، چرم و بردهای یمانی و جامه‌های پشمین بافته می‌شد، به وسیله شترانی که برای قربانی می‌آوردند، حمل و قسمتی یا تمام خانه را با آن می‌پوشاندند و مقداری را نیز ذخیره می‌کردند تا پس از کهنه شدن پوشش‌ها، آن را تعویض کنند. (۳) ابن اسحاق گوید: در عصر پیامبر(ص)، کعبه را با پارچه سفید رنگِ بافتِ مصر، مشهور به «قُباطی» می‌پوشاندند و سپس از بردهای یمانی برای آن استفاده می‌کردند. نخستین کسی که آن را با دیباج پوشانید ابن زبیر بود. (۴) پیامبر خدا(ص) در هشتم ذی‌حجه برای مردم خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: امروز، روزی است که جامه بیت‌الله تعویض می‌شود. از ابن

۱- حمیریان در سده‌های قبل از اسلام در جنوب عربستان پس از انقراض سبائیان حکومت می‌کردند. پادشاهان آنان را «تُبَع» یا «تَباعه» خوانده‌اند.

۲- ازرقی، همان، ص ۱۹۳؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۱، ص ۳۶۳؛ دینوری، الاخبار الطوال، ص ۴۵

۳- ازرقی، همان، ص ۱۹۴

۴- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۱۹۸ کلام آخر به نقل از روض الانف سهیلی، در پاورقی همان صفحه است.

ص: ۵۷

جریح روایت کرده‌اند که در عصر جاهلیت معمول بوده که پس از رفتن حجاج از مکه در ابتدای محرم بر کعبه پرده نو می‌آویختند، اما به روزگار اسلام، معمولاً روز هشتم ذی‌حجه پوشش‌های دیا بر آن می‌انداختند که مردم شکوه و زیبایی آن را ببینند و سپس در محرم با پرده اصلی پوشش می‌دادند.

هم‌چنین پیامبر(ص) بر خانه خدا پرده و جامه یمانی می‌پوشاند و حال آن‌که در دوره جاهلی بر آن چرم می‌آویختند.

ص: ۵۸

امام علی(ع) در دوران خلافت خود هر سال برای کعبه پوششی از عراق می‌فرستادند. (۱) در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس همه ساله برای کعبه پوشش‌های متنوعی ارسال می‌شد؛ از جمله سلاطین مصر نیز همه ساله دو پرده؛ یکی برای کعبه به رنگ قرمز و دیگری برای مرقد پیامبر(ص) به رنگ سبز ارسال می‌کردند که بر حاشیه آن‌ها شعار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» و آیات دیگر بافته شده بود.

سلاطین عثمانی نیز برای کعبه پرده‌هایی می‌فرستادند. (۲) در دوران حاضر پرده‌هایی از نقاط مختلف برای کعبه ارسال می‌شود که در روز نهم ذی‌حجه هر سال تعویض می‌شود. تزیین آن به دست هنرمندان شهر مکه صورت می‌گیرد و آیات قرآن و اسامی جلاله به صورتی بسیار زیبا و زرّین بر روی آن بافته می‌شود. کارگاه پرده‌بافی کعبه در منطقه حدیبیه و آغاز حرم قرار دارد که کارگران به صورتی سنتی پرده کعبه را در آن‌جا خطاطی، بافندگی و زردوزی می‌کنند، این کارگاه در سال ۱۳۹۷ ق. افتتاح شد. پرده داخلی کعبه نیز در همین کارگاه بافته می‌شود.

ارتفاع پرده چهارده متر و نواری که پیرامون پرده و بالای آن را فرا گرفته و بر آن آیات قرآنی نوشته شده ۹۵ سانتی‌متر و طول آن ۴۷ متر است که از شانزده قطعه تشکیل شده و هزینه بافت و تزیین آن با طلا و زخارف دیگر به ۱۷ میلیون ریال سعودی می‌رسد.

۱- حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۲۴

۲- نهروانی المکی، همان، صص ۷۰-۶۹؛ ابراهیم رفعت پاشا، مرآه الحرمین، ج ۱، صص ۱۸۳ و ۱۸۴

ص: ۵۹

در هر جامه حدود ۶۷۰ کیلوگرم ابریشم خالص مصرف می‌شود که از آن ۴۷ طاقه پارچه، برای دوخت پرده تهیه می‌شود. پرده داخلی نیز به رنگ قرمز و سبز تهیه می‌شود این پرده هر سه تا پنج سال یکبار تعویض می‌گردد. برای نخستین بار در سال ۸۱۰ ق. پرده‌ای نقش دار بر در کعبه آویخته شد و از آن زمان تاکنون جز در فاصله سال‌های ۸۱۶ تا ۸۱۸ ق. همواره پرده آویخته بر در کعبه نقش دار بوده است. (۱) (تصویر شماره ۱۹)

۱۲. مقام ابراهیم (ع)

(... فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ... (۲))

مقام ابراهیم (ع) که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است. رنگ این سنگ میان زردی و سرخی و با ابعاد ۳۸*۳۶ سانتی‌متر، به صورت مکعب است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، از ابن عباس نقل شده که چیزی از بهشت در زمین، جز حجرالأسود و مقام ابراهیم (ع) نیست و آن دو، از گوهرهای بهشت‌اند و اگر مشرکان آن دو را لمس نکرده بودند، هیچ دردمندی به آن‌ها دست نمی‌کشید مگر آن که خداوند وی را شفا می‌داد. (۳) بعضی از مفسران در تفسیر آیه (... فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ ...) گفته‌اند: مقصود از نشانه‌های

۱- عیبدالله محمد امین کردی، مکه و مدینه، تصویری از توسعه و نوسازی. ترجمه حسین صابری، ص ۱۱۲

۲- آل عمران: ۹۷. «در آن نشانه‌های روشن از جمله مقام ابراهیم است و هر کس داخل مکه شود در امان است ...»

۳- ازرقی، همان، ص ۳۲۴؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۳؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۳۸. برای اطلاع از احادیث وارده در خصوص فضیلت مقام ابراهیم، ر. ک. به: سائد بکلاش، فضل الحجرالأسود و مقام ابراهیم.

ص: ۶۰

روشن، جای پای ابراهیم (ع) بر مقام است. (۱) در حقیقت این مقام سنگی از بهشت بوده که ایشان بر آن ایستاده و مردم را برای حج فرا می‌خواندند: «هَلِّمُوا إِلَى الْحَجِّ» (۲) و نیز گفته‌اند: کسانی که در این روزگار عازم حج می‌شوند، ندای ابراهیم (ع) را در آن روز لبیک گفته‌اند. (وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلْ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ). (۳)

هم‌چنین خداوند می‌فرماید:

(وَاتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى ...). (۴)

و مقام ابراهیم (ع) را نمازگاه قرار دهید.

مفسران با استناد به روایاتی، می‌گویند: مردم فرمان یافته‌اند که در کنار

۱- شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۳۶؛ فاکهی، همان، ج ۱، صص ۴۵۰ و ۴۵۱. اکنون بر قالب مسی که بر روی مقام گذاشته شده به اندازه دو جای پای انسان فرورفتگی قرار داده‌اند که به عنوان نشانه‌ای از جای پای ابراهیم ۷ باشد. بر اساس روایتی از امام صادق ۷ منظور از آیات بینات، مقام ابراهیم ۷، حجر الأسود و حجر اسماعیل ۷ است. (کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳).

۲- فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۴۶؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۰۶؛ شیخ صدوق، همان، ج ۲، ص ۱۵۰

۳- حج: ۲۷. «و در میان مردمان آنان را به حج فراخوان تا به صورت پیاده یا سواره بر شتران لاغر از راه‌های دور به سوی تو آیند.»

۴- بقره: ۱۲۵

ص: ۶۱

این مقام نماز گزارند؛ (۱) از این رو، نباید نماز طواف را جلوتر از مقام خوانند.

ابراهیم (ع) فرمان یافت که آن سنگ را جایگاه عبادت خود قرار دهد. لذا آن را کنار باب کعبه گذاشت. پس از او، اسماعیل (ع) هم به جانب آن یعنی رو به روی درب کعبه عبادت می کرد. پیامبر (ص) مأمور شدند تا به سمت بیت المقدس نماز بگزارند؛ دیری نپایید که خداوند متعال آن چه را برای خود و پیامبرش برگزیده بود، قبله قرار داد. آن حضرت وقتی در مدینه نماز می گزاردند، رو بروی شمال کعبه، سمت حجر اسماعیل (ع) قرار می گرفتند و چون در مکه حضور می یافتند رو به روی مقام می ایستادند. (۲) از بررسی منابع تاریخی چنین برداشت می شود که مقام ابراهیم (ع) پس از آن حضرت تاکنون به جز یک مورد جابه جا نشده و آن نیز دوران خلیفه دوم بوده است که سیل عظیمی وارد مسجد الحرام شد. این سیل به نام «ام نهشل» مشهور شد، چرا که وی در این سیل غرق گردید. در این زمان مقام ابراهیم (ع) از جای خود کنده و به محلات پایین کعبه برده شد. این رخداد را برای خلیفه دوم نوشتند، وی دستور داد تا پایه‌ای ساخته و مقام را در آن قرار دادند و آن را در فاصله ای از کعبه نصب کنند که تا امروز هم چنان در همان جا باقی است. (۳) در دوران «مهدی عباسی» برای محافظت بیشتر، پایین و بخش بالای

۱- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۴۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۳، ص ۳۴۴

۲- ازرقی، همان، ص ۳۲۵

۳- پیشین، صص ۳۲۷ و ۳۲۸؛ فاکهی، همان، ج ۱، ص ۴۵۵؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۲۳

ص: ۶۲

مقام را زران‌دود و در سال ۲۰۶ هجری نیز مجدداً آن را مطلقاً کردند. (۱) بعدها مقصوره و بنایی بر فراز آن قرار دادند که البته مسیر مطوفین را تنگ می‌کرد. لذا در ۱۳۸۷ ق. آن را در میان طوقی زرین قرار دادند و محفظه‌ای از جنس کریستال بر روی آن قرار دادند. این محفظه ۱۸*۱۳۰ سانتی‌متر (به جز پایه) ارتفاع دارد و قطر آن ۸۰ سانتی‌متر است. بر روی آن، قالب دو جای پا، به عنوان جای پای ابراهیم (ع) تعبیه شده است. فاصله آن تا حجرالأسود ۱۴/۵ متر، تا رکن شامی ۱۴ متر، تا شاذروان و دیوار کعبه ۱۳/۲۵ متر است. (تصاویر شماره ۲۰ و ۲۱)

۱۳. حجّر اسماعیل

(ع)

حجر اسماعیل (ع) میان رکن شمالی و رکن غربی کعبه قرار دارد. «حجر» به معنای پناه و دامن است و از این رو به اسماعیل (ع) منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه برافراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و کنار این دیوار می‌نشست و یا این که کنار آن سایبانی برای خود ساخت و در آن پناه گرفت؛ چون اسماعیل (ع) در گذشت، او را در همان مکان دفن کردند. قریش در بازسازی کعبه، به خاطر نداشتن مال حلال به اندازه لازم در بازسازی کامل، بخشی از طول کعبه کاستند؛ یعنی حدود سه متر و نیم. بنابراین، از دیوار کعبه تا این مقدار، جزو کعبه است. طول حجر ۶/۸۰ متر است. عبدالله بن زبیر، هنگام تجدید بنای کعبه، حجر را حفر کرد و در آن سنگی به رنگ سبز یافت؛

ص: ۶۳

از قریش در این باره پرسید، عبدالله بن صفوان گفت: گور اسماعیل (ع) است؛ لذا ابن زبیر آن را به حال خود رها کرد. او در این حفریات پایه‌های کعبه در زمان ابراهیم (ع) را کشف کرد و آن را بر همان اساس بازسازی کرد. بنابراین، حجر اسماعیل کنونی، در دوران وی داخل بیت شد که بعد از کشته شدن وی، حجاج خانه را تخریب و دیوار سمت حجر را به اندازه زمان قریش عقب برد و حجر را از کعبه بیرون گذاشت.

پیامبر (ص) به عایشه فرمودند: هرگاه خواستی در کعبه نماز بگذاری، در حجر نماز گزار که بخشی از کعبه است، لیکن قوم تو آن‌گاه که کعبه را می‌ساختند، از طول آن کاستند و آن را بیرون کعبه قرار دادند. این گفته پیامبر (ص) نیز سندی است برای این که طواف در داخل حجر جایز نیست. البته برخی معتقدند از طول کعبه حتی یک وجب هم کاسته نشده و حجر جزو کعبه نبوده است بلکه این جا محل دفن مادر اسماعیل بوده که وی آن را سنگ‌چین کرده بود تا کسی روی آن راه نرود.

حجر که اکنون با نیم دایره‌ای کوتاه محصور شده، دارای دیواری به ارتفاع $1/32$ و عرض $1/5$ متر با دو ورودی شرقی و غربی است. طول آن از دیوار کعبه (زیر ناودان طلا) تا دیوار حجر، حدود $6/80$ متر و عرض آن میان دو در شرقی و غربی $8/77$ متر است. از این مقدار سه متر آن، که از دیوار کعبه آغاز می‌شود، در طول، جزو کعبه و بنای اصلی است. در دوره منصور عباسی (۱۴۰ ق)، زمین آن برای نخستین بار با سنگ مرمر پوشیده شد و در دوره‌های بعد نیز همواره سنگ‌های حجر را تعویض و ترمیم می‌کرده‌اند و اکنون نیز با سنگ مرمر سفید مفروش است. اما آنچه مشهور است این که در حجر، دختر، همسر و مادر اسماعیل (هاجر) و نیز

ص: ۶۴

چند تن از انبیای الهی مدفون‌اند، (۱) که البته باید در انتهای حجر اسماعیل کنونی به سمت دیوار حجر دفن شده باشند؛ زیرا تا سه متر از کعبه در صورت پذیرش آن روایات که قبلاً از آن در موضوع حطیم سخن گفتیم در زمان قریش جزو کعبه بود و کسی را داخل کعبه دفن نمی‌کردند.

۱۳. چاه زمزم، تاریخچه و فضیلت آن

هنگامی که ابراهیم(ع)، هاجر و تنها فرزندش اسماعیل را به وادی خشک و سوزان مکه آورد، همراه مادر اسماعیل مشک آبی بود و هیچ‌گونه زاد و توشه‌ای غیر از آن نداشت. حضرت ابراهیم آن دو را کنار درختچه‌ای نشان داد و سپس از مکه خارج شد و آنان را به خدا سپرد (رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ). (۲) پس از اندک زمانی آب همراه هاجر تمام و شیرش نیز خشک شد. هاجر در پی آب، فاصله میان کوه صفا و مروه را دوان دوان، هفت بار پیمود. جبرئیل(ع) بر زمین کوبید و به قدرت الهی آب از همان‌جا به روی زمین فوران زد. مادر اسماعیل(ع) با مشاهده آن آب روان گفت: «زَمْرَمُ»؛ یعنی بایست. خود نیز مقداری خاک و شن اطراف آن ریخت تا مبادا پیش از آن که آب را در مشک بریزد، به زمین فرو رود. گویند اگر هاجر چنین نمی‌کرد، شاید زمزم رود روانی می‌شد. هاجر مشک را پر کرد و به

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰

۲- ابراهیم: ۳۷

ص: ۶۵

فرزندش نوشانید. (۱) خبر پیدایش آب در این منطقه سوزان و لم یزرع، قبایل جرهم را به آنجا کشانید که در کنار چاه زمزم سکونت گزیدند.

چون جرهمیان حرمت کعبه و حرم را شکستند و به فسق و فجور پرداختند، خداوند پس از چندی آب زمزم را از جوشش انداخت و خشک کرد؛ به طوری که حتی مکان آن نیز محو شد. عمرو بن حارث مضاغ جرهمی، دو مجسمه زرین آهو و شمشیرهای مرصع را، که در کعبه بود، از بیم آن که سرقت نکنند، شبانه برداشت و در محل چاه زمزم زیر خاک پنهان کرد. (۲) چاه زمزم هم‌چنان تا دوران عبدالمطلب بن هاشم، پدر بزرگ پیامبر(ص)، مخفی بود. او شبی در خواب دید که نوری از کنار کعبه به آسمان برخاست. وی به رغم سرزنش و آزار رقبا، با کمک فرزندش حارث همان نقطه را حفر کرد و بر مجسمه‌ها و شمشیرها دست یافت و هم‌چنان کند تا آب فوران زد. (۳) هنگام ظهور اسلام، سقایت حاجیان از آب زمزم که یکی از مناصب مهم کعبه بود، در دست عباس بن عبدالمطلب قرار داشت. برای زمزم

۱- فاکهی، همان، ج ۲، صص ۹-۶؛ فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۳۹۷؛ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۱۲ ابن علان الشافعی، دلیل الفالحین ل طرق ریاض الصالحین، ج ۴، صص ۷۱۶ و ۷۱۷

۲- مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، صص ۶۱-۶۳؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۹

۳- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، صص ۱۱۰-۱۱۵؛ ازرقی، همان، صص ۲۳۱-۲۴۰؛ نهروانی المکی، الاعلام بأعلام بیت الله الحرام، صص ۳۷-۳۰؛ محمود یاسین، رحله الحج والعمره، ص ۱۱۵

ص: ۶۶

اسامی زیادی است؛ از جمله: برکه، سَیِّدَه، نَافِعَه، مَضْمُونَه، عَوْنَه، بُشْرَى، صَافِیَه، بَرَّه، عَصِیْمَه، سَالِمَه، مِیْمُونَه، مُبَارَكَه، کَافِیَه، عَافِیَه، طَاحِرَه، طَعَامِ طُعْم، شَفَاءِ سُقْم و ... (۱) درباره اهمیت آب زمزم و فضیلت نوشیدن آن، روایات بسیاری نقل شده است. پیامبر(ص) فرموده‌اند: «زمزم بهترین چاه‌های دنیا است». گفته‌اند هرگز از آب چاه زمزم کاسته و خشک نخواهد د. بهترین خوراک (۲) و مایه سلامت از هر درد است. مستحب است پس از نوشیدن آن بگویی: «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عَلِمًا نَافِعًا وَرِزْقًا وَاسِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ». (۳)

این آب همواره نزد مردم مکه قَدَاسَت و اهمیت فراوانی داشته است. آنان مردگان خود را با آب زمزم غسل می‌دادند و خود مقید به استفاده و نوشیدن از آن بودند. پیامبر(ص) بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. (۴) آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات

۱- فاکهی، همان، ج ۲، ص ۶۸؛ حرّ عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۵۱؛ سائد بکداهش، فضل ماء زمزم، ص ۶۰ به بعد.

۲- در جاهلیت به آب زمزم «الشبعه» یعنی سیر کننده نیز گفته می‌شد. (فاکهی، همان، ج ۲، ص ۳۲)؛ گویند ابوذر غفاری به مدت سه روز گرسنگی خود را تنها با آب زمزم برطرف می‌کرده است. (بکداهش، همان ص ۶۹).

۳- ازرقی، همان، صص ۳۴۴-۳۴۰؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۴۳۰؛ نهروانی المکی، همان، ص ۳۴؛ فاکهی، همان، ج ۲، ص ۴۳؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، ص ۳۵۸

۴- فاکهی، همان، ج ۲، صص ۵۸-۵۱

ص: ۶۷

خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند. (۱) عرض چاه ۴ متر، عمق آن سی متر و فاصله‌اش تا کعبه ۲۱ متر است. در ۱۵ متری این عمق دو دهانه تونل وجود دارد که یکی از سمت کعبه و دیگری از سمت اجیاد می‌آید و پایین‌تر از آن تا عمق ۱۷/۲۰ سانتی متر در داخل سنگ حفر شده است. امروزه متوسط مصرف آب زمزم به وسیله زائران بیت الله، حدود ده هزار متر مکعب در روز و به عبارتی حدود ۴۰ هزار لیتر است. در دوران سعودی به سال ۱۳۸۸ ق. قبه‌ای که بر فراز چاه زمزم بود، خراب و بنای جدیدی در زیر زمین ساختند که در آنجا از آب چاه استفاده می‌کردند. اکنون برای استفاده بیشتر از مطاف، آن مدخل را نیز پوشانیده و در اطراف صحن مسجدالحرام به وسیله لوله کشی، آب را به شیرها هدایت کرده‌اند تا زائران از آن‌ها بنوشند. (تصاویر شماره ۲۲ و ۲۳)

۱۴. صفا و مروه (مَنْسَعِي) و حوادث تاریخی آن

(إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ). (۲)
گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صفی‌الله(ع) از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت‌الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا»

۱- ر. ک. به: سائد بکدش، همان، صص ۵۶-۶۴

۲- بقره: ۱۵۸، «همانا صفا و مروه از شعائر خداست. پس کسی که حج خانه(خدا) یا عمره به‌جا می‌آورد مانعی نیست که بر آن دو طواف کنند و کسی که فرمان خدا را در انجام کارهای نیک اطاعت کند، خداوند شکر گزار و(از افعال او) آگاه است.

ص: ۶۸

نامیدند؛ که بنا به گفته خداوند، (إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا) (۱) از نام «آدم المصطفی» گرفته شده است. حوا ۳ نیز بر کوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛ (زن) نامیدند. جبرئیل (ع) بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت‌الله پرداختند. (۲) هاجر فاصله میان کوه صفا و مروه را، که حدود ۷۶۶/۵ ذراع برابر با ۳۷۷/۵ متر بود، هفت بار در جستجوی آب طی کرد؛ قسمتی از این مسیر (۵۵ متر) را که در دوران عثمانی با کاشی‌های سبزمشخص و امروزه با چراغ سبز روشن است، با اضطراب شدیدی، که ناشی از نگرانی نسبت به وضع فرزند خود بود، سریع‌تر پیمود و در اصطلاح «هَرَوَلَه» کرد. در علت نامگذاری هروله، سخنان دیگری نیز هست؛ از جمله این که در این مکان شیطان بر ابراهیم (ع) ظاهر شد و ایشان این قسمت را تندتر پیمود. در هر حال حاجیان به یاد شداید و سختی‌های هاجر ۳، آن بانوی فداکار، در این مکان هروله می‌کنند؛ یعنی به گونه‌ای گام برمی‌دارند که شانه‌ها و تمامی بدن به حرکت درآید. گفتنی است هروله برای زنان لازم نیست.

از امام صادق (ع) روایت شده که فلسفه سعی میان صفا و مروه، جز برای شکستن غرور و نخوت متکبران نیست. این عده، باید دوش به دوش نژادهای مختلف؛ اعم از سیاه و سفید، توانا و ناتوان، بی‌نیاز و نیازمند و ... تکبر و فخرفروشی را پایمال گام‌هایشان کنند. کوه صفا، هم‌چنین مکانی است که پیامبر (ص) نخستین بار، رسالت الهی

۱- آل عمران: ۳۳

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۲؛ کلینی، همان، ج ۴، صص ۱۹۰ و ۱۹۱

ص: ۶۹

خود را از فراز آن، با این عبارت اعلان کرد: «قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا»، هنگامی که آیه: (وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ) نازل شد و خداوند فرمود نزدیکان خود را بیم و انذار ده، پیامبر(ص) اقوام و نزدیکان خود را در منزلی کنار این کوه انذار داد. (۱) خانه «ارقم بن ابی ارقم»؛ یعنی نخستین پایگاه مخفی توحیدی در دامنه آن قرار داشت. در روز فتح مکه نیز بر فراز این کوه رفت و پایان کار مشرکان را اعلام کرد و مهاجران و انصار را به اتحاد و یکپارچگی و صفا و صمیمیت در سایه توحید فراخواند. (۲) کوه صفا که سعی از آن آغاز می‌شود، در سمت جنوب شرقی کعبه قرار دارد و در فاصله ۱۳۰ متری آن واقع شده است.

کوه مروه، که در برابر رکن شامی و در ۲۰۰ متری شمال شرقی کعبه واقع است نیز همانند کوه صفا نکته‌هایی دارد؛ بر فراز همین کوه بود که خداوند به حضرت ابراهیم(ع) فرمان داد تا بهترین ثمره جاننش؛ یعنی اسماعیل را در راه او قربانی کند. هم‌چنین گویند هنگام فتح مکه، ۳۶ بت بر روی این دو کوه قرار داشت و بت‌های زیادی نیز در میان آن دو بود که همه را پیامبر(ص) شکستند. پیامبر خدا(ص) هنگام سعی، ابتدا مقداری از کوه صفا بالا می‌رفت و سپس به حرکتش ادامه می‌داد و در پایین درّه، که آغاز محل هروله بود، راه را مقداری سریع‌تر می‌پیمود. در دوره منصور، خلیفه عباسی، برای کوه صفا پانزده پله و بر کوه مروه ۹ پله

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۶۲؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۶۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۱۵

۲- البکری الشافعی المصری، الدرّة المکّله فی فتح مکه المشرفه المَبَجَّله، ص ۱۴۹

ص: ۷۰

ساخته شد. (۱) مَسْجِدِ؛ فاصله میان صفا و مروه، در توسعه دوم سعودی، در دو طبقه ساخته شد که تا سال ۱۳۴۱ ق. بدون سقف بود. حاجیانِ اهل سنت از طبقه بالا نیز سعی می‌کنند که البته امکان انجام سعی و طواف بر روی پشت بام هم برای آنان فراهم است. در پروژه جدید مسعی به ۳ طبقه افزایش یافته است که یک طبقه هم در زیر زمین برای حرکت و سعی افراد ناتوان و از پا افتاده احداث گردیده که آنان به وسیله نوار و نقاله‌ای با برق حرکت داده شوند. این طبقات در مراسم حج تمتع اسماال بهره‌داری خواهد شد. مَسْجِدِ در شرق مسجدالحرام و دارای شانزده در ورودی است. معروف‌ترین و قدیمی‌ترین آن‌ها، باب بنی شیبه، باب علی، باب عباس و باب السلام است. طول مسعی در توسعه سعودی به ۵/۳۹۴ و عرض آن به بیست متر رسید. ارتفاع طبقه اول دوازده متر و طبقه دوم ۸/۵ متر است. بنابراین بخش اعظمی از کوه صفا و مروه تراشیده شد. که در پروژه توسعه جدید قرار است بقایای کوه صفا نیز به کلی تخریب شود.

در توسعه‌های سعودی، پشت و اطراف مسعی تا شعاع پانصد متری تخریب و فضای سطح پیرامون گسترش زیادی یافته است. در دوران‌های گذشته مسعی در وسط بازاری قرار داشت که پیرامون آن را دکان‌ها احاطه کرده بودند. اکنون مسعی به مسجدالحرام متصل شده است. در تغییراتی که مقدمات آن آغاز شده است بخش‌های بزرگی از اطراف مسعی اعم از هتل‌ها، بازارها و خانه‌ها تخریب شده و دامنه آن تا بعد از

ص: ۷۱

بازار جودریه و یا ابوسفیان اقتدار یافته است. (تصویر شماره ۲۴)

ه) مسجدالحرام و سیر تاریخی آن

مسجدالحرام بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا(ص)، نخستین مسجد بر روی زمین است. (۱) فضیلت یک رکعت نماز در آن، برابر با یکصد هزار رکعت در دیگر مساجد جز مسجد النبی است؛

«... وَ صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ تَعْدِلُ مِائَةَ أَلْفِ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ» (۲).

بسیاری از محدثان، مسجدالحرام را بر دیگر اماکن و بقاع، جز مکان دفن پیامبر(ص)، که به اجماع، بهترین مکانها است، برتری داده‌اند و در مورد فضائل و ویژگی‌های آن سخن‌ها گفته‌اند. (۳)

۱- مسلم، صحیح، باب المساجد، حدیث ۱۱۶۱

۲- حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲

۳- ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن حزم اندلسی، المحلی بالاثار، ج ۵، ص ۳۳۵.

ص: ۷۲

مسجدالحرام در گذشته، به کعبه و مطاف پیرامون آن اطلاق می‌شد لیکن به مرور بر وسعت آن افزوده شد. طبق روایتی از امام صادق(ع)، ابراهیم و اسماعیل ۸، حدّ مسجدالحرام را تا میان صفا و مروه قرار داده بودند. (۱) در دوران جاهلی؛ یعنی تا قبل از سلطه «قُصی بن کلاب»، جدّ چهارم رسول‌الله(ص)، مردم در پیرامون کعبه، خانه و عمارتی نداشتند و بیشتر قبایل، برای احترام و بزرگداشت کعبه، از سکونت و ساختن خانه در کنار آن پرهیز می‌کردند و بیشتر در درّه‌های مکه سکونت می‌گزیدند. با تسلط قصی بر مکه، وی از مردم خواست تا پیرامون کعبه ساکن شوند و خانه‌هایی بنا کنند تا به امنیت بهتری دست یابند.

وی نخستین خانه را در سمت شمالی کعبه به نام «دارالندوه» که مجلسی مشورتی بود ساخت. بدین گونه، قریش پیرامون کعبه خانه‌هایی ساختند و درهایی به سوی کعبه گشودند و مقداری از اطراف کعبه را برای طواف زائران باز گذاشتند. آنان برای احترام به کعبه، خانه‌ها را کوتاه‌تر از آن، به شکل دایره، و نه مربع، ساختند. (۲) مسلمانانی که از مدینه و سایر سرزمین‌ها برای حج می‌آمدند، راهی جز داخل شدن در این خانه‌ها و ورود به مسجدالحرام نداشتند. (۳)

۱- کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۰

۲- نهروانی المکی، همان ص ۷۳؛ حسین بن عبدالله باسلامه. تاریخ عماره المسجد الحرام، صص ۶ و ۷

۳- فاکهی، همان، ج ۲، ص ۱۵۸؛ نهروانی المکی، همان، ص ۷۴

ص: ۷۳

در آن دوران، تنها محدوده طواف مطرح بود و اعراب چیزی به نام مسجدالحرام نمی‌شناختند تا این که خداوند آیات سوره اسرا را نازل و در آن از مسجدالحرام یاد کرد. (۱) مسجدالحرام در دوره‌های متعدد از زمان خلیفه دوم (۱۷ هجری) تا عصر حاضر ۹ مرتبه توسعه یافته است که بر اساس جدول پیوستی میزان آن توسعه‌ها که با تخریب اماکن و خانه‌های اطراف صورت پذیرفته روشن است. بیشترین توسعه در دو مرحله توسط آل سعود انجام پذیرفته است که مجموع مساحت مسجدالحرام را به ۳۶۶/۰۰۰ متر مربع رسانیده است. اکنون همزمان بیش از یک میلیون نفر می‌توانند در آن اقامه نماز کنند.

در پروژه عظیمی که مرحله اولیه آن در حال اجرا است قرار است تا شعاع ۱۵۰ متری اطراف مسجد از دو جهت توسعه یابد لذا بسیاری از هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف که حتی تازه احداث شده‌اند تخریب خواهند شده. قرار است گنجایش حجم نمازگزاران در مسجدالحرام از ۶۰۰ هزار نفر به ۱ میلیون نفر افزایش یابد. (تصاویر شماره ۲۵ تا ۳۱)

(و) درهای مسجدالحرام از ابتدا تا کنون

مسجدالحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی (۱۶۰ هجری) دارای

۱- (سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى ...) (اسراء: ۱).

ص: ۷۴

۱۹ در بود که از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان به «باب بنی‌شیبه» اشاره کرد. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی (۱۳۴۴ ق.) این تعداد به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبدالعزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آن‌ها وجود دارد و به همراه راه‌پله‌های ورودی به ۹۲ در می‌رسد. در میان آن‌ها چهار در اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یافته و بر فراز هر یک دو مناره، به ارتفاع ۲۹ و مساحت ۷/۷۷ متر ساخته شده است. این درها عبارت‌اند از:

۱. باب ملک عبدالعزیز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ۳. باب العمره؛ ۴. باب فتح.

ص: ۷۷

خلاصه درس

بر اساس برخی از روایات، کعبه را حضرت آدم(ع) بنا کرد. هنگام طوفان نوح(ع) کعبه از دیده‌ها پنهان شد و از آن دوران تا زمان حضرت ابراهیم(ع) پنهان بود تا آن که خداوند مکان آن را به ابراهیم(ع) نشان داد.

کعبه در دوران حضرت ابراهیم سقف نداشت. قریش در دوره جاهلیت آن را مسقف کردند. کعبه در طول تاریخ پس از بنای ابراهیم(ع)، ۸ مرتبه به طور کامل یا بخشی از آن توسط قبایل و افراد بازسازی شده است.

آثار مقدس کعبه و مسجدالحرام عبارتند از حَجْر الْأَسْوَد یا سنگ سیاهی که در رکن «اسود» یا «شرقی» نصب شده است. و نیز «ارکان کعبه» که چهار گوشه بیت الله و هر یک به نام خاصی مشهور است. از جمله رکن شرقی(اسود)، رکن شمالی(عراقی)، رکن غربی(شامی)، رکن جنوبی(یمانی). در دوران ابن زبیر برای محکم ساختن پایه‌های کعبه، برآمدگی کوچکی دیوار کعبه را احاطه کرد که جزو کعبه بود و آن را شاذروان گویند.

برای خارج ساختن آب باران از بام کعبه، میان شمال و غرب بام، ناودانی از نصب شد که آب را به داخل حجر اسماعیل(ع) هدایت کند.

کعبه در زمان ابن زبیر دارای دو باب بود که یکی از آن‌ها را حجاج بست. ابن زبیر دری چوبین بر روی آن قرار داده بود که در طول تاریخ با درهای جدیدتر تعویض شده و هم اکنون از طلای خالص

ص: ۷۸

است.

باب الكعبه به وسیله قفلی که آیات قرآن بر آن نقش بسته، قفل می‌گردد.

از آغاز ساخت کعبه به دست حضرت ابراهیم(ع)، قبایل، طوایف و پادشاهان، هدایایی را برای نصب در داخل کعبه ارسال می‌کردند. امروزه دیوارهای داخلی کعبه با حریر سبز و سقف آن با پرده‌های زیبا پوشیده شده و روی آن‌ها اسامی پروردگار و عباراتی چون: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» نوشته شده است.

به بخشی از دیوار پشت کعبه و کنار رکن یمانی مستجار گفته می‌شود.

بر اساس نظر شیعه ملتزم پشت کعبه یعنی همان جایی است که مستجار و رکن یمانی واقع شده است.

در دوران جاهلیت، بین حجرالاسود، باب کعبه و مقام و حجر اسماعیل، نفرین مظلومان در حق ظالمان مستجاب می‌شده و ظالمان به هلاکت می‌رسیدند آن‌جا را حطیم گویند.

به روایتی دیگر حطیم سمت حجر اسماعیل است که جزو کعبه بوده و قریش آن را از طول کعبه کاسته‌اند.

یکی از مناصب مهم در دوره جاهلی، «پرده‌داری کعبه» بوده است. که هر سال با پرده‌های جدید بر کعبه پوشانیده می‌شود.

مقام ابراهیم(ع) که در قرآن کریم از آن به عنوان یکی از نشانه‌های روشن یاد شده، از کهن‌ترین آثار موجود در مسجدالحرام است.

ص: ۷۹

حجر اسماعیل(ع) را از این رو به اسماعیل(ع) منسوب کرده‌اند که وقتی دیوارهای کعبه برافراشته شد، او برای پناه بردن از گرمای خورشید، در سایه و پناه(حجر) این دیوار می‌نشست.

چاه زمزم، همواره نزد مردم مکه قداست و اهمیت فراوانی داشته است. پیامبر(ص) بیشتر از آب زمزم می‌نوشیدند و در هر جا که بودند، از اصحاب می‌خواستند آن را برای آشامیدن و وضو ساختن ایشان فراهم آورند. آن حضرت زمزم را از چشمه‌های بهشت و از آیات خداوندی در حرم الله و بهترین آب روی زمین دانسته‌اند.

گفته‌اند هنگامی که حضرت آدم صلی‌الله(ع) از بهشت رانده شد، نخست بر کوهی کنار بیت‌الله الحرام فرود آمد، لذا آن کوه را «صفا» نامیدند. حوا ۳ نیز بر کوهی مقابل صفا فرود آمد و لذا آن را «مروه»؛(زن) نامیدند. جبرئیل(ع) بر آنان نازل شد و اعمال حج را آموخت و آن دو به طواف بیت‌الله پرداختند. حاجیان فاصله این دو کوه را که نزدیک ۳۷۷ متر است باید هفت مرتبه طی کنند که به محل آن سعی گفته می‌شود.

مسجدالحرام بر اساس روایت ابوذر از پیامبر خدا(ص)، نخستین مسجد بر روی زمین است. بر اساس روایات ثواب یک رکعت نماز در مسجدالحرام، به اندازه یکصد هزار رکعت در مساجد دیگر است.

مسجدالحرام در عصر خلیفه مهدی عباسی دارای ۱۹ در بود. در دوران ملک عبدالعزیز سعودی به ۲۶ در افزایش یافت. در دوران فهد بن عبدالعزیز، در توسعه اول ۵۱ در اصلی و فرعی گشوده شد و در توسعه

ص: ۸۰

دوم به ۶۲ در رسید، که اکنون نیز همه آنها وجود دارد. در میان آنها چهار در اصلی و بزرگ وجود دارد که در چهار جهت اصلی قرار یافته که این درها عبارت‌اند از:

۱. باب ملک عبدالعزیز؛ ۲. باب فهد بن عبدالعزیز؛ ۳. باب العمره؛ ۴. باب فتح.

خودآزمایی

۱. سیر تاریخی احداث کعبه را شرح دهید.
۲. سیر بازسازی کعبه را بیان کنید.
۳. مناصب کعبه را نام برده و توضیح دهید.
۴. بخش‌های مختلف کعبه و مسجدالحرام را نام برده و شرح دهید.
۵. روایاتی را که در مورد حجر الاسود وجود دارد بیان کنید.
۶. ارکان مختلف کعبه را نام برده و شرح دهید.
۷. مستجار چیست و چه حادثه‌ای در آن رخ داده است؟
۸. کوه صفا و مروه شاهد چه حوادثی بوده است؟
۹. سیر تاریخی مسجد الحرام را شرح دهید.
۱۰. درهای اصلی مسجد الحرام را نام ببرید.

ص: ۸۱

درس سوم میقات‌های حج و حدود حرم و مشاعر مقدسه (عرفات، مشعرالحرام و منی)**اشاره**

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با میقات‌های حج آشنا شویم.
 - محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف آن بشناسیم.
 - علت تحریم در محدوده حرم را بدانیم.
 - با اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده آشنا شویم.
 - با مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند آشنا شویم.
 - با تاریخچه وادی محسر آشنا شویم.
 - وقایع سرزمین منا را بدانیم.
 - با فلسفه پیدایش جمرات سه گانه آشنا شویم.
 - مساجد موجود در منا را بشناسیم.
- دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹. درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره ؛ ؛ ص ۸۱

مدخل**اشاره**

ص: ۸۲

حاجیان برای ورود به سرزمین حرم باید در نقاطی محرم شوند تا بتوانند وارد حرم گردند. شناخت این مکان‌ها که به میقات معروف هستند به زائران کمک خواهد کرد تا در آن نقاط احرام ببندند و وارد حرم امن الهی شوند. زائران به هنگام انجام حج باید سه روز پی در پی در اماکن و مشاعر متبرکه عرفات، منی و مشعر و قوف و حضور یابند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند تا حج خود را به پایان رسانند. لذا در این درس به توضیح و تشریح میقات‌های حج، حدود حرم و علت تحریم آن، مساجد منطقه آغازین حرم و مناطق عرفات، مشعر و منا و ویژگی‌های هر یک پرداخته می‌شود.

الف) میقات‌های حج

اشاره

میقات‌ها به تناسب مسیر ورود حجاج متفاوت‌اند. پیامبر(ص) برای مردم و ساکنان شهر مدینه، ذوالحلیفه (مسجد شجره)، برای مردم شام، جحفه، برای اهل نجد و یمن، قرن المنازل و برای اهل یمن، یلملم را میقات قرار داد، (۱) که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار

۱- بخاری، صحیح، [الحج]، حدیث ۱۵۲۴. مردم برای انجام حج و عمره به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. اهل حرم، که در مکه و داخل حدود حرم ساکن هستند و باید برای حج در مکان خود و برای عمره در یکی از مکان‌های حد حرم محرم شوند؛ اهل حلّ، به کسانی گفته می‌شود که محل سکونتشان در داخل محدوده میقات‌ها یا بین میقات‌ها و حد حرم است که باید برای حج و عمره از سکونت‌گاه‌های خود محرم شوند؛ ۳. آفاقیون، به کسانی گفته می‌شود که خارج میقات‌ها زندگی می‌کنند که باید برای حج و عمره بر حسب مسیر خود در یکی از میقات‌ها محرم شوند.

ص: ۸۳

دارند:

۱. ذوالخليفة (مسجد شجره / آبار علی (ع))

این مسجد که در بخش مدینه از آن سخن خواهیم گفت، در هشت کیلومتری جنوب غربی شهر مدینه قرار دارد و میقات کسانی است که از مدینه به مکه می‌روند. پیامبر(ص) در سه سفر عمره و یک سفر حج تمتع، در این میقات محرم شدند.

۲. جحفه

«جحفه» در ۱۸۹ کیلومتری شمال غربی مکه و ۱۷ کیلومتری جنوب شرق شهرک رابغ واقع است و میقات اهل شام، مصر و سرزمین‌های دیگری است که از این مسیر وارد مکه می‌شوند. امروزه کسانی که ابتدا از جدّه به مکه می‌آیند، در مسجد جدید الاحداثی که به جحفه معروف است، محرم می‌شوند. این مسجد ۹۰۰ متر مساحت دارد. منطقه «غدیر خم» در نزدیکی جحفه (حدود چهار کیلومتری آن) قرار دارد. چون این منطقه به وسیله سیل تخریب شد، آن را جحفه نامیده‌اند. (۱) امروزه از مسجد غدیر خم اثری باقی نمانده است.

۱- بنگرید: زبیدی، تاج العروس، ماده جحف.

ص: ۸۴

۳. وادی عقیق

وادی (۱) عقیق

این وادی در ۹۴ کیلومتری شمال شرقی مکه بوده و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

۴. قَرْنِ الْمَنَازِل

در ۹۴ کیلومتری جنوب شرقی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از نجد و طائف (جنوب مکه)، از جاده ریاض - طائف به حرم وارد می‌شوند. «قَرْن» به کوه کوچکی گفته می‌شود که از کوهی بزرگ جدا افتاده باشد. در این منطقه دومسجد در سال ۱۴۰۲ ق. ساخته شده است. یکی «السیل الکبیر» و دیگری «مسجد وادی محرم».

۵. یَلْمَلَمَ

کوهی است از کوه‌های «تهامه» که در ۱۰۰ کیلومتری جنوب غربی مکه واقع شده و میقات کسانی است که از یمن (جنوب شبه جزیره) وارد این شهر می‌شوند. (۲) امروزه این مکان به سعدیه معروف است. مسجد یلملم با مساحت ۶۳۵ متر مربع، محل محرم شدن حاجیان یمنی است.

۶. وادی فَخّ

سرزمین شهدای واقعه خونین فَخّ، که پیشتر به آن اشاره شد، از میقات‌های مورد نظر شیعه است که در ۶ کیلومتری مکه بوده و میقات

۱- وادی به معنای درّه یا میان دو کوه است که آب در آن جاری می‌شود.

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۴۴۱

ص: ۸۵

کودکان و افراد نابالغ است. (۱) این مکان حدود ۵۰۰ متری مسجد تنعیم در سمت راست شارع الشهداء قرار دارد. (۲)

۱- در ارتباط با مواقیت شش گانه و آداب و اعمال آن ر. ک حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، صص ۲۲۱ و ۲۲۲؛ طباطبایی حکیم، مستمسک العروه الوثقی، ج ۱۱، ص ۲۵۰ به بعد، شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۵۱

۲- در این مورد بنگرید به مبحث مزار شهدای فتح در همین کتاب.

ب) حدود حرم و علت تحریم**اشاره**

پیامبر(ص) فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ حَرَّمَ مَكَّةَ وَ لَمْ يُحَرِّمْهَا النَّاسُ وَ لَا يَحِلُّ لِمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يَسْفِكَ بِهَا دَمًا وَ لَا يُعْضِدُ بِهَا شَجَرًا». (۱)

[خداوند سبحان، مکه را حرم قرار داد و مردم آن را حرم قرار ندادند. برای کسی که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال و روا نیست که خونی در آن سرزمین بریزد و یا درختی را در آن قطع کند.]

در قرآن کریم آمده است:

(... وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ...). (۲)

هر کس در آن داخل شود، ایمن گردد.

این به دعای حضرت ابراهیم بود که از خداوند خواست (رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا) و حضرت حق به وسیله جبرئیل محدوده حرم را به ابراهیم(ع) نشان داد. او نیز علایمی را در حد و مرز حرم نصب کرد. در دوران پس از پیامبر(ص) و خلفا، این علامت‌ها به ۹۴۳ عدد رسید که بر فراز تپه‌ها و ارتفاعات و سطوح قرار داشت. امروزه جز اندکی از آن‌ها باقی نیست. این محدوده، دوزنقه‌ای شکل و به طول ۱۲۷ کیلومتر است که مساحتی حدود ۵۵۰ کیلومتر مربع را در

۱- مسلم، صحیح، بشرح النووی، ج ۹، صص ۱۲۳ و ۱۲۴؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۱، ص ۲۵۹؛ بخاری، صحیح، ج ۲، ص ۲۱۳

۲- آل عمران: ۹۰

ص: ۸۸

برمی‌گیرد. (تصویر شماره ۳۲)

محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرده‌اند:

۱. سمت طائف وادی عُرْنَه (عرفات)

از راه عرفات و در میان «نَمِرَه» در عرفات است که آن را از ۲۲ تا ۳۲ کیلومتر گفته‌اند. (۱) بنابراین، بخشی از سرزمین عرفات از حد حرم خارج است که با علایمی؛ به ویژه در داخل مسجد نَمِرَه (محل وقوف پیامبر (ص)) مشخص شده است.

۲. وادی نخله

مکانی است میان مکه و طائف در سمت شمال شرقی حرم و در ۴۵ کیلومتری مکه.

۳. جِعْرانَه

منطقه جِعْرانَه میان ۱۸ یا ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه است. در این مکان مسجدی به نام جِعْرانَه وجود دارد. رسول الله (ص) هنگام برگشت از غزوه حُئین، در این مکان مُحْرَم شدند.

۴. تَنْعِیم

تَنْعِیم در شمال مکه و در ۷/۵ کیلومتری مسجد الحرام است. این مکان، میان دو کوه «ناعم و منعم» و در راه مدینه به مکه واقع است و نام این منطقه نیز نعمان یا تَنْعِیم است. (۲)

۱- فاسی المکی، همان، ج ۱، ص ۸۷؛ ابن خردادبه، المسالك والممالک، ص ۱۱۶

۲- فاکهی، همان، ج ۵، صص ۶۰-۵۹

ص: ۸۹

پیامبر(ص) در حَجَّه‌الوداع در این مکان مُحَرَّم شدند. گفتنی است دو علامت، در دو طرف جاده اصلی، مرز حرم را نشان می‌دهند. کسانی که از مکه می‌خواهند برای عمره محرم شوند چه؛ ساکن باشند یا مسافر، می‌توانند در این جا که نزدیک‌ترین محدوده حرم است مُحَرَّم شوند.

۵. حُدُوبَةُ

منطقه حدیبیه آغاز حرم در سمت جدّه است که در ۲۰ کیلومتری مکه قرار دارد. در سال ششم هجری، پیمان صلح معروف حدیبیه و بیعت رضوان در این مکان بسته شد؛ به همین مناسبت بعدها در آن جا مسجدی به نام «رضوان» ساختند.

۶. اِضَاءَةُ لَبْنٍ

«اضاءَةُ لَبْنٍ» محدوده حرم در سمت یمن(جنوب شبه جزیره) است، که در ۱۶ کیلومتری مکه قرار دارد. (۱) اِضَاءَةُ لَبْنٍ به معنای «مَسِیل» یا درّه و «لَبْن» نیز به سبب رنگ مایل به سفیدی کوه مجاور آن است.

ج) مساجد منطقه آغازین حرم

۱. مسجد تَنْعِیم

همان گونه که پیشتر اشاره شد، تنعیم یکی از نقاط آغازین حرم و در

۱- یاقوت حموی، همان، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ابن خرداد به، المسالک والممالک، ص ۱۱۶

ص: ۹۰

۷/۵ کیلومتری شمال مسجدالحرام است. در مکان احرام پیامبر(ص) در حَجَّه‌الوداع، مسجدی ساختند که نام آن را «تنعیم» گذاشتند. نام دیگر آن عایشه است؛ زیرا وی همراه آن حضرت در این مکان برای انجام عمره مفرده محرم شد. امروزه این مسجد بیشتر به «العمره» مشهور است.

والی مکه در سال ۲۴۰ ق. مسجد تنعیم را ترمیم و بر چاهی که داخل آن بود گنبدی بنا کرد. پس از آن نیز بارها مسجد بازسازی شد. (۱) در دوران فهدبن عبدالعزیز این مسجد را از نو ساختند و مساحت آن را به ۶۰۰۰ مترمربع رسانیدند که پانزده هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. (۲) در پانصد متری این مسجد، یعنی در شارع شهدا، قبرستان شهدای فخر قرار دارد. (تصویر شماره ۳۳)

۲. مسجد حُدیبیه / آل شُمَیسی

پیامبر خدا(ص) در ذی‌قعدة سال ششم هجرت، همراه گروهی از مسلمانان، برای انجام فریضه حج، از مدینه خارج و راهی مکه شدند. در نزدیکی مکه، کفار قریش به هراس افتاده و با اعزام سپاهیان مسلح، تصمیم گرفتند تا از ورود آن حضرت جلوگیری کنند. با این که پیامبر(ص) به نمایندگان مشرکان اطمینان دادند که قصد جنگ ندارند و تنها برای انجام حج آمده‌اند، لیکن آنان نپذیرفتند و مانع ورود مسلمانان به مکه

۱- رفعت پاشا، مرآة‌الحرمین، ج ۱، صص ۳۴۲ و ۳۴۳

۲- حامد عباس، قصه التوسعة الکبری، ص ۵۶

ص: ۹۱

شدند. پیامبر(ص) عثمان بن عفان را به عنوان نماینده خود برای گفتگو با سران مکه فرستاد، اما تا سه روز از وی خبری نشد و مسلمانان گمان کردند که کفار قریش او را کشته‌اند. چون صحابه به نیت مشرکان واقف نبودند، در کنار درختی با پیامبر(ص) پیمان بستند که تا پای جان ایستادگی کنند. پیامبر(ص) فرمودند: «هیچ یک از کسانی که در کنار این درخت با من پیمان بستند به آتش جهنم نخواهند سوخت». در این هنگام خداوند نیز با نزول آیاتی بر پیمان مسلمانان صَحّه گذاشت و از کسانی که در آن حضور داشتند، اظهار رضایت کرد:

(لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ ...). (۱)

بدین سبب بود که این پیمان «بیعت رضوان» نام گرفت. سرانجام قریش با آن حضرت پیمان صلحی بستند؛ بدان شرط که امسال بازگردند و در سال دیگر برای انجام حج به مکه بیایند؛ لذا پیامبر(ص) و همراهان ایشان نیز، به مدینه بازگشتند. (۲) از آنجا که این صلح در منطقه حدیبیه به وقوع پیوست، به همان نام مشهور شد. یکی از نتایج پرثمر آن، فتح مکه بود که خداوند آن را وعده داد. بعدها در مکان درخت مذکور مسجدی ساختند که به نام رضوان معروف شد. هم‌اکنون بقایای آن باقی است. در دوره سعودی، مسجد دیگری کنار آن ساختند که حدود ۲۰۰ متر مربع مساحت دارد و دارای

۱- فتح: ۱۸

۲- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۷۴ و ۷۵

ص: ۹۲

دیوارهای سفید و یک مناره است. امروزه تابلویی بر بالای آن، با عنوان مسجد آل شمیسی دیده می‌شود که نام خاندان یا چاهی در منطقه است. کمی پایین تر از حدیبیه، حدود دو کیلومتری آن، موزه حرم مطهر و نیز کارگاه‌های بافت پرده کعبه قرار دارد. (تصویر شماره ۳۴)

۳. مسجد جِعْرَانَه

یکی دیگر از مساجدی است که در آغاز حدّ حرم و در ۲۴ کیلومتری شمال شرقی مکه واقع شده است. (۱) کسانی که می‌خواهند عمره مفرده انجام دهند، از این جا نیز می‌توانند محرم شوند و به این فضیلت نایل آیند.

در جعرانه آیه (وَأْتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ ...) (۲) نازل شده است.

روایات زیادی در فضیلت این مکان نقل شده است. گویند سی پیامبر از جمله رسول خدا(ص) در این مکان مُحرم شده‌اند. رسول خدا(ص) پس از غزوه حُنین. در این جا غنیمت‌های جنگ را تقسیم کردند.

در هر حال، مسجدی که در مکان احرام پیامبر(ص) ساختند، بسیار ساده بود و ابن زبیر در تکمیل بنای آن کوشید. (۳) در دوران‌های بعد نیز ترمیم و توسعه یافت. در زمان فهدبن عبدالعزیز مساحت مسجد به

۱- این نام را جِعْرَانَه نیز خوانده‌اند. که نام زنی ساکن در این مکان بوده است.

۲- بقره: ۱۱۶

۳- فاکهی، ج ۵، ص ۶۶

ص: ۹۳

۴۳۰ متر مربع رسید که اکنون گنجایش هزار نمازگزار را دارد. (۱)

۱- حامد عباس، همان، ۵۶

ص: ۹۴

د) سرزمین عرفات

اشاره

(... فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَاذْكُرُوا كَمَا هَدَاكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمَنِ الضَّالِّينَ). (۱)

عرفات، نام صحرائی است وسیع و هموار، که در ۲۲ کیلومتری جنوب شرقی مکه قرار دارد. (۲) طول تقریبی این صحرا، ۱۲ و عرض آن ۶/۵ کیلومتر است. شایان گفتن است که بخش بسیاری از عرفات از حرم خارج است. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند و برای چنین نامگذاری نیز ریشه‌های تاریخی قائل شده‌اند؛ از جمله آن که حضرت آدم و حوا(ع) پس از هبوط به زمین و بعد از جدایی طولانی، در این صحرا به یکدیگر رسیده و با هم آشنا شده‌اند.

گروهی نیز گفته‌اند عرفات (به معنای آشنایی) به آن علت است که حضرت ابراهیم(ع) در این جا برای قربانی کردن اسماعیل(ع) خواب دید و لذا نسبت به وظیفه خود آشنا و عارف شد. یا این که جبرئیل(ع) در روز عرفه بر ابراهیم(ع) وارد شد و مناسک حج را به او آموخت و با اعمال این

۱- بقره: ۱۹۸

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۷۹؛ ابن ابی شیبه، المصنف فی الاحادیث والآثار، ج ۴، صص ۳۷۵ و ۳۵۸

ص: ۹۵

روز آشنا کرد. (۱) چنان‌که از روایات بر می‌آید، وقوف در عرفات نه تنها از ارکان اصلی حج است و حج بدون عرفه حج نیست، بلکه این وقوف دارای فضایل بسیار ارزشمندی است. خداوند سرزمین مقدس عرفات را، که حوادث مهمی در طول تاریخ به خود دیده، برای ضیافت و پذیرایی از میهمانان خود مقرر و سفره خاص انعام و اکرامش را در دامنه «جبل الرّحمة» گسترانیده و از عموم میهمانان و زائران بیت‌الله دعوت کرده تا در ساعت و روز معین، همه با هم، گرد خوان نعمت بی‌دریغش بنشینند و از لطف و رحمت بی‌کرانش برخوردار شوند. این وقوف از ظهر شرعی تا غروب آفتاب روز نهم ذی‌حجه است و پس از آن می‌توان از عرفات به سوی مزدلفه خارج شد.

امروزه برای راحتی و آسایش حجاج و تسهیل امور مربوط به وقوف در عرفات، کارهای چشم‌گیری انجام گرفته است. خیابان‌های وسیع، جاده‌های پهن با چندین باندها، پل‌های هوایی روگذر و زیرگذر در مسیر عرفات، مشعر، کاشت یکصد هزار درخت برای تلطیف هوا و ایجاد سایه و نیز استفاده از پمپ‌های قوی برای پخش قطرات آب در فضا و خنک کردن هوا، ایجاد مراکز بزرگ درمانی، خدماتی و همه این‌ها، بیابان خشک و سوزان عرفات را که فلسفه اصلی وقوف در آن، یادآوری گرما

۱- فاکهی، اخبار مکه، ج ۵، ص ۹؛ یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۰۴، در علل الشرایع آمده است که امام صادق ۷ در وجه تسمیه عرفات چنین فرموده‌اند که جبرائیل ۷ روز عرفه بر ابراهیم فرود آمد و به او گفت به گناهانت اعتراف کن و مناسک را بشناس و لذا آن‌جا را عرفات نامیدند. (صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶).

ص: ۹۶

و سرگردانی در روز قیامت است، به سرزمینی نسبتاً مطلوب مبدل ساخته است و کسی از وقوف در آن چندان احساس سختی و ناراحتی نمی‌کند.

پیامبر خدا(ص) روز عرفه را در «نَمْرَه»، نزدیکی عرفات، کنار سنگ بزرگی فرود می‌آمدند. این سنگ، صخره‌ای در سمت راست عرفات بود. بعدها «مسجد نَمْرَه» را در مکان مورد نظر ساختند. محل وقوف رسول خدا(ص)، همان محل وقوف حضرت ابراهیم(ع) بوده است. قبیله قریش در دوران جاهلی و آغاز اسلام در عرفات وقوف نمی‌کردند؛ زیرا معتقد بودند اهل حرم هستند و باید بر خلاف سایر مردم در داخل حرم وقوف کنند. خداوند در قرآن کریم این امتیازات جاهلی را مطرود دانسته و آنان را مأمور ساخت تا هر جا که همه مسلمانان وقوف می‌کنند، وقوف داشته باشند. (تُمْ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ ...). (۱) صحرای با عظمت و مقدس عرفات در سال دهم هجری شاهد آخرین حج پیامبر(ص) (حَجَّه الْوَدَاع) بود که یکی از حوادث مهم در تاریخ اسلام است. رسول خدا(ص) خطبه مهم و تعیین‌کننده حَجَّه الْوَدَاع را که به حق «منشور حقوق بین‌المللی اسلام» نام نهاده‌اند، در این مکان ایراد کردند. (تصویر شماره ۳۵)

۱. مسجد نمره / جامع ابراهیم (ع)

نمره نام کوهی در عرفات است که در نزدیکی آن؛ یعنی محلی که پیامبر(ص) وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به نام نَمْرَه یا «عَرَفَه» بنا

ص: ۹۷

شده است. بعضی نیز آن را مسجد ابراهیم(ع) خوانده‌اند. به روایتی، حضرت ابراهیم(ع) در این مکان وقوف کرده و به نماز و عبادت ایستاده‌اند. از عبدالله بن عمر نقل شده است که پیامبر(ص) روز عرفه را در وادی نمره نزول می‌کردند. در این مکان غاری(شکافی) بوده و ایشان کنار آن می‌نشستند. (۱) مسجد در ابتدای عرفات و در غرب آن قرار دارد که البته سمت جنوبی آن، خارج از عرفات واقع شده است. آن را در سال ۱۵۰ ق. به روزگار خلافت عباسیان ساخته‌اند. مساحت کنونی مسجد که در دوران سعودی افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته، به ۱۲۴۰۰۰ متر مربع می‌رسد و حدود ۱۳۰ هزار نمازگزار را در خود جا می‌دهد. یک گنبد و چهارمناره و ده در اصلی نیز برای آن ساخته‌اند. خواندن نماز در این مسجد استحباب زیادی دارد.(تصویر شماره ۳۶)

۲. جبل الرّمّه

این کوه کوچک تقریباً در انتها و شرق عرفات است و از کوه‌های اطراف مستقل و مجزا است. بر بالای آن، نمازگاه ابراهیم(ع) و پیامبر مکرم اسلام(ص) بوده است. برخی گفته‌اند رسول خدا(ص) بر تخته سنگی از آن

۱- فاکهی، همان، ج ۴، ص ۳۲۷؛ ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۵۷

ص: ۹۸

ایستاده و خطبه معروف عرفات را ایراد کردند. (۱) از آنجا که جبل الرحمه شاهد دعای امام حسین (ع) در روز عرفه بود، مستحب است این دعا کنار آن کوه خوانده شود. بعضی نیز نماز خواندن در نمازگاه ابراهیم (ع) بر جبل الرّحمه را مستحب دانسته‌اند. اکنون بالای کوه، استوانه‌ای به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱/۸۰ متر قرار دارد که از دور دیده می‌شود. در مراسم عرفات چراغ و قندیل بر آن آویزان می‌کردند تا راهنمای زائران و کاروان‌ها باشد. (۲) وقوف و حضور بر بالای کوه کراهت دارد و بهتر است در دامنه و سمت چپ کوه به دعا و تضرع پرداخته شود. (تصویر شماره ۳۷)

هـ) مَشْعَرِالْحَرَامِ / مُزْدَلِفَه

اشاره

(... فَإِذَا أَفْضَيْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ...). (۳)

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مُذَمِّين» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه - همان روز - اعمال مخصوص

۱- صاحب مرآه الحرمین، مسأله نماز خواندن پیامبر ۹ بر جبل الرحمه را صحیح نمی‌داند. او می‌افزاید در مکان نماز ابراهیم مسجدی به نام او در قرن ششم ساخته شد. (همان، ج ۱، ص ۴۴)

۲- رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۴؛ ابن جبیر، الرحله، صص ۱۳۵ و ۱۳۶

۳- بقره: ۱۹۸

ص: ۹۹

این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است.

قریش قبل از اسلام در مشعر بیتوته نمی کردند. خداوند بر اساس آیه یاد شده فرمان داد تا آنان نیز همانند سایر حجاج در مشعر حاضر شوند. (۱) در وجه تسمیه آن، مطالب فراوانی گفته شده؛ از جمله این که: مَشْعَر اسم مکان شعور است و در این سرزمین باید پس از شناخت در عرفات به شعور و آگاهی رسید. مزدلفه که نام دیگر آن است، اسم فاعل از ازدلاف، به معنای تقدم یا نزدیکی و برگرفته از «زُلف» است؛ زیرا مردم در این مکان به خدا تقرب پیدا می کنند یا حجاج در این مکان اجتماع کرده و به هم نزدیک می شوند. (۲)

از امام صادق (ع) نقل شده است: جبرئیل پس از پایان وقوف در عرفات، به ابراهیم گفت: «

يَا اِبْرَاهِيمُ اِزْدَلِفُ اِلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ

...» و به همین علت این مکان را مزدلفه نامیدند. (۳) مشعر در محدوده حرم واقع شده و به همین علت آن را مشعر الحرام گویند. طول آن حدود ۴۰۰۰ متر مربع و مساحت آن ۱۲/۵ کیلومتر مربع است. این محدوده از وادی مئذمین آغاز و به وادی مُحَسَّر منتهی می شود. (۴) در این مکان ضمن بیتوته و عبادت در شب، می توان سنگ ریزه‌هایی را که به لحاظ شکل و نوع، تنها در این منطقه یافت می شود برای رمی

۱- بخاری، صحیح، [باب الوقوف بعرفه]، ج ۲، ص ۱۷۰

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۶۸

۳- صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۶

۴- ابن رشید الفهری، ملء العیبه ص ۱۰۳

ص: ۱۰۰

جمرات در منا جمع آوری کرد. اخیراً امکانات بهداشتی و مراکز درمانی و ... برای راحتی حجاج در آن جا فراهم آمده است. (تصویر شماره ۳۸)

۱. مسجد مُزْدَلِفَه / مشعرالحرام

مسجد مزدلفه مربع شکل است که اکنون ۵۵۰۰ متر مربع مساحت دارد و حدود پنج هزار نمازگزار در آن جای می گیرند. قبله آن، همان جایی است که پیامبر خدا (ص) بیتوته می کرد. گفته شده است: در این مکان جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) نازل شد و در مورد مشعرالحرام و اهمیت و اعمال آن دستورات و آیاتی به ایشان ابلاغ کرد.

(و) وادی مُحَسَّر

جایی است میان مزدلفه و منا که طبق روایات تاریخی، اصحاب فیل و سپاهیان ابرهه در همین نقطه به هلاکت رسیدند و چون یاران ابرهه به سبب این شکست حسرت خوردند، این وادی به «مُحَسَّر» مشهور گشت. (۱) مُحَسَّر اسم فاعل از حَسَرَ به معنای از پا افتادن است. وادی نیز به معنای دره یا مکان جاری شدن رود است. (۲) این وادی، نه جزو منا است و نه جزو مزدلفه. حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۹۴؛ ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴؛ فاسی المکی، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، ج ۱، ص ۴۹۹؛ ابن رشید الفهری، همان ص ۱۰۱

۲- عاتق بن غیث بلادی، معجم معالم حجاز، ص ۲۴۸

ص: ۱۰۱

وارد منا می‌شوند. مستحب است این مکان را سریع پشت سر بگذارند یا در آن بدونند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. طول محسّر ۳۸۱۲ متر و نقطه پایانی آن، ابتدای منا است. شایان گفتن است که چون وقوف در مشعرالحرام بین فجر و طلوع آفتاب است، لذا نباید تا قبل از طلوع آفتاب از این وادی گذشت و به منا وارد شد.

(ز) سرزمین منا**اشاره**

(وَأَتَمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَخْلِقُوا رُؤُوسَكُمْ حَتَّى يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ). (۱)

منا در لغت از ریشه امنیه و به معنای آرزوست. محدوده سرزمین منا از آخر وادی مُحَسَّر تا جمره عقبه است. گویند وقتی حضرت آدم (ع) به زمین هبوط کرد، در این مکان فرود آمد؛ از او در این جا پرسیدند: آیا منیه یا آرزویی داری؟ از این رو، این سرزمین به منا معروف شد. (۲) از محتوای دعایی که امام صادق (ع) در منا خوانده‌اند برمی‌آید که ریشه منا از مَنَّت است؛ زیرا خداوند بر مردم مَنَّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. (۳) حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعرالحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام

۱- بقره: ۱۹۶

۲- ازرقی، همان، ج ۲، ص ۴۴۶؛ صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۵

۳- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۴۶۱ «اللَّهُمَّ هِدْهِ مِنِّي وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهَا عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ...».

ص: ۱۰۲

دهند.

منا میان مکه و مزدلفه و در ۷ کیلومتری شمال شرق مسجدالحرام است که البته از طریق تونل منا، فقط ۴ کیلومتر با مسجدالحرام فاصله دارد و در این طرف تونل نیز منطقه عزیزیه است که پیاده می‌توان از عزیزیه به منا رفت. بر این اساس منا داخل مکه واقع شده است.

طول این سرزمین را بیش از ۳۵۰۰ متر ذکر کرده‌اند. سرزمین منا شاهد وقایع مهمی بوده و پیش از اسلام یکی از مراکز مهم تجاری و بازرگانی محسوب می‌شده است. پیمان‌های عقبه اول و عقبه دوم برای دعوت پیامبر(ص) به مدینه در این جا بسته شد. (۱) از وقایع مهم دیگر این سرزمین بسیج و سازماندهی و استقرار سپاه اسلام برای فتح مکه در سال هشتم هجری بود. پیامبر(ص) پس از فتح مکه در مکان مسجد خَیْف عِلل پیروزی و فتح مکه را تشریح ساختند. (تصویرهای شماره ۳۹، ۴۰، ۴۱)

۱. جَمَرَات سه‌گانه

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، (۲) رمی جمرات است. گویند ابلیس نخستین بار برای فریب و سست کردن اراده ابراهیم خلیل(ع) جهت قربانی

۱- ر. ک. به: مبحث مساجد موجود در منا از همین کتاب.

۲- روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجه که حاجیان در منا باید حضور داشته باشند را ایام تشریق گفته‌اند.

ص: ۱۰۳

کردن فرزندش در محلّ جمره عُقبی خود را بر او ۷ نمایاند و آن حضرت با سنگریزه‌هایی او را راند. بار دیگر در محل جمره وسطی و بار سوم در جای جمره اولی ظاهر شد و او در هر مرتبه، شیطان را با پرتاب سنگریزه دور کرد. ابلیس هنگام پرتاب این سنگریزه‌ها به سرعت می‌گریخت؛ جمره و اجمار نیز به معنای شتاب کردن و راندن است. فاصله جمره عقبه و وسطی ۲۵۰ متر و میان وسطی و اولی ۲۰۰ متر است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند. جمرات سه‌گانه در گذشته به علت ازدحام و شلوغی، تلفاتی را شاهد بوده است؛ در ۱۳۴۱ ش. پلی بر روی آن‌ها ساخته شد تا حاجیان بتوانند از بالای پل نیز رمی کنند. لذا بر ارتفاع جمرات افزودند. در سال ۱۳۸۳ ش. جمرات سه‌گانه که به صورت استوانه کوچک چهار ضلعی بود، به شکل دیوار بزرگی به طول ۱۰ متر و ارتفاع ۴ متر در آمد تا حاجیان راحت‌تر بتوانند بر آن سنگ بزنند و مجبور نباشند برای سنگ زدن به یک استوانه کوچک، گرفتار مشکل شوند. این افزودگی‌ها بر جمرات، عمدتاً در کناره‌ها صورت گرفت و جای اصلی جمرات، تقریباً در وسط این دیوار جدید بوده است. اخیراً منطقه جمرات را توسعه داده‌اند و در حال اجرای طرحی بزرگ برای هفت طبقه کردن آن هستند که اکنون بخشی از آن در حال بهره‌برداری است. (تصویرهای شماره ۴۲ و ۴۲/۱)

۲. مساجد موجود در منا**۱-۲. مسجد خَیْف**

از مساجد بزرگ و با اهمیت در منا، است. خیف به زمینی گویند که میان دو کوه واقع شده و یا از زمین مرتفع باشد. (۱) به روایتی، هفتاد پیامبر؛ از جمله حضرت آدم(ع) در آنجا مدفون هستند. (۲) پیامبر(ص) به هنگام حج در این مکان حضور می‌یافتند و نماز می‌گزاردند. نماز گزاردن در این مسجد فضیلت فراوان دارد و در آن خصوص سفارش‌های زیادی شده است. بر اساس روایات وارده بسیاری از پیامبران الهی نیز در آنجا نماز گزارده‌اند.

در دوران‌های مختلف بر طول و عرض این مسجد افزوده شد که اکنون مساحت آن به ۲۵ هزار متر مربع می‌رسد و حدود سی هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. چهار مناره آن، که از یکدیگر فاصله زیادی دارند، در کنار کوه، در مسیر جمرات سه‌گانه جلوه زیبایی به مسجد بخشیده‌اند. (تصویر شماره ۴۳)

۲-۲. مسجد البیعه

این مسجد در مکان بیعت عقبه دوم ساخته شد، تا یادآور آن خاطره

۱- صدوق، همان، ج ۲، ص ۴۳۶؛ یاقوت حموی، همان، ج ۲، ص ۴۱۲

۲- فاکهی، همان، ج ۴، صص ۲۶۶ و ۲۶۷؛ کلینی، همان، ج ۴، ص ۲۱۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳۶؛ ابن حجر عسقلانی، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمانیه، ج ۱، ص ۳۷۴

ص: ۱۰۵

عظیم باشد؛ (۱) به همین مناسبت، آن را مسجد البیعه نام نهادند. (۲) مسجد یاد شده حدود ۵۰۰ متر پایین‌تر از جمره عقبه، در سمت راست کسی است که در جهت جنوب جمرات به سوی مکه می‌رود. این مسجد که داخل دره کوچکی در معرض دید قرار نداشت و متأسفانه سال‌ها به زباله‌دانی تبدیل شده بود، اکنون در طرح توسعه جمرات در معرض دید قرار گرفته و احتمالاً در این توسعه تخریب خواهد شد. شایان ذکر است که سه مسجد دیگر به نام‌های مسجد الکبش (جایگاه قوچ و قربانی ابراهیم) مسجد الصفائح و مسجد الکوثر در توسعه‌های مختلف دوران سعودی تخریب شده‌اند. (تصویر شماره ۴۴)

۱- ر. ک. به: بخش مدینه از همین کتاب و همچنین فاکهی، همان، ج ۴، صص ۲۳۸-۲۳۲

۲- ابن جیر، همان، ص ۱۲۱

ح) اماکن تاریخی بین مکه و مدینه

در بین راه مکه و مدینه چند مکان تاریخی وجود دارد که البته امکان دسترسی بر آن برای همه مقدور نیست.

۱. مزار شهدای بدر: در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غربی مدینه و در نزدیکی شهرک رابغ که امروز یک شهرک صنعتی است. در بدر، مسجدی به نام عریش ساخته‌اند که جایگاه حضور پیامبر(ص) در نبرد بدر را نشان می‌دهد. این هم‌چنان پای برجاست.
۲. ربنده: زادگاه و موطن ابوذر غفاری، در شرق مدینه در نزدیکی ذلت عرق یکی از میقات‌های حرام است.
۳. غدیر خم: در ۱۵۶ کیلومتری شمال غربی مکه در نزدیکی میقات جُحفه که در آن‌جا به یاد حادثه معروف غدیر خم مسجدی ساختند، به همین نام که البته چندی پیش تخریب شد.
۴. ابواء: مقبره آمنه مادر گرامی رسول خدا، در ۴۵ کیلومتری راه جحفه از سمت مدینه. (تصاویر شماره ۴۵، ۴۶ و ۴۷)

خلاصه درس

ص: ۱۰۷

برای ورود به حرم امن الهی و انجام حج مکان‌هایی برای احرام حاجیان با عنوان میقات وجود دارد. این میقات‌ها به تناسب مسیر ورود آنان متفاوت‌اند که به شرح زیر در مسیرهای ورودی مکه قرار دارند:

۱. ذوالحلیفه (مسجد شجره / آبار علی (ع))؛ ۲. جُحْفَه؛ ۳. وادی عقیق؛ ۴. قَرْنِ الْمَنَازِل؛ ۵. يَلْمَلَم؛ ۶. فَخ.

حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواست تا مکه را برای او حرم امن قرار دهد، لذا جبرئیل محدوده حرم را در شش جهت، این چنین معین کرد: ۱. وادی عُرْنَه (عرفات)؛ ۲. وادی نخله؛ ۳. جِغْرَانَه؛ ۴. تَنْعِيم؛ ۵. حُدَیْبِیَه؛ ۶. اِضَاءَةُ لَيْلِن.

مساجد منطقه آغازین حرم عبارتند از: ۱. مسجد تَنْعِيم یا عایشه در مکان احرام پیامبر (ص) در حَجَّه الْوَدَاع؛ ۲. مسجد حُدَیْبِیَه / رِضْوَان / آل شَمِیْسِی؛ ۳. مسجد جِغْرَانَه.

عرفات، نام صحرائی است وسیع و هموار. در نامگذاری آن به «عرفات» اقوال مختلفی است. بعضی آن را جمع عَرَفَه و به معنای کوه و بلندی ذکر کرده‌اند؛ بعضی نیز از عرفان، معرفت و شناخت دانسته‌اند. بدان معنا که ابراهیم (ع) در این محل نسبت به قربانی کردن فرزندش و نیز انجام مناسک حج آشنا و عارف شد.

در عرفات کوهی است به نام نمره که در نزدیکی آن؛ یعنی محلّی که پیامبر (ص) وقوف کرده و نماز خوانده‌اند، مسجدی به آن نام بنا شده است.

در انتها و شرق عرفات نیز کوه کوچک و مستقلی است که بر بالای

ص: ۱۰۸

آن، نماز گاه ابراهیم(ع) و پیامبر(ص) بوده است. آن را جبل الرحمه نامیده‌اند زیرا در روز عرفه در دامنه آن حاجیان از رحمت الهی برخوردار می‌شوند.

مشعرالحرام یا مزدلفه، محلی است میان عرفات و منا که پس از وادی یا درّه «مُذَمِّین» قرار دارد. حجاج باید بعد از غروب شرعی روز عرفه؛ یعنی پس از پایان وقوف در عرفات، به این سمت حرکت کنند تا از آن هنگام تا طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه- همان روز-، اعمال مخصوص این مکان را انجام دهند. وقوف در این مدت از ارکان حج است.

حاجیان پس از گذشتن از مزدلفه، به محسر رسیده و سپس وارد منا می‌شوند. مستحب است آنان این مکان را سریع پشت سر بگذارند و جایز نیست که در آن بمانند و توقف کنند. سرزمین مقدس منا که محل قربانی کردن آرزوهاست پس از وادی محسر آغاز و به جمره عقبی منتهی می‌شود.

منا در لغت از ریشه امنیه و به معنای آرزوست و یا از مَنَّت است؛ زیرا خداوند بر مردم مَنَّت گذاشت و در این مکان اعمال حج را به آنان یاد داد. حاجیان باید پس از طلوع آفتاب صبح روز دهم ذی‌حجه، از مشعرالحرام به سمت منا حرکت کنند و شب‌های یازدهم و دوازدهم را نیز در منا وقوف داشته باشند و اعمال مخصوص آن را انجام دهند.

از مهم‌ترین اعمال «ایام تشریق»، رمی جمرات است. حاجیان باید در روز دهم ذی‌حجه، جمره عقبی را رمی کنند و سپس در دو روز بعد؛ یعنی یازدهم و دوازدهم نیز بر هر سه جمره سنگ بزنند.

ص: ۱۰۹

مساجد موجود در منا عبارتند از: ۱. مسجد خَیْف؛ ۲. مسجد البیعه. در فاصله بین مکه و مدینه چند منطقه مهم و تاریخی وجود دارد که اگرچه در مسیر حرکت کاروان‌ها نیست اما یاد آن‌ها می‌تواند در حفظ و پاسداشت جایگاه آن در تاریخ اسلام موثر باشد. این اماکن عبارتند از:

۱. مزار شهدای بدر؛ ۲. ریزه (تبعیدگاه ابوذر)؛ ۳. غدیر خم؛ ۴. ابواء (محل دفن آمنه مادر گرامی پیامبر (ص)).

خودآزمایی

۱. میقات‌های مسیر ورودی مکه را نام برده و توضیح دهید.
۲. محدوده حرم را با توجه به جهات مختلف شرح دهید.
۳. علت تحریم در محدوده حرم را بیان کنید.
۴. مساجد منطقه آغازین حرم کدام‌اند؟
۵. اقوالی که در نامگذاری سرزمین عرفات بیان شده را شرح دهید.
۶. زمان وقوف در عرفات چه زمانی است؟
۷. کوه‌های منطقه عرفات را نام برده و وجه تسمیه هر یک را بیان کنید.
۸. مکان‌هایی که حاجیان بعد از محرم شدن به ترتیب در آن وارد می‌شوند را نام ببرید.
۹. زمان وقوف در مشعرالحرام چه زمانی است؟
۱۰. دلیل نامگذاری منطقه مشعرالحرام به مزدلفه را بیان نمایید.
۱۱. وادی محسر شاهد چه حادثه تاریخی بوده است؟
۱۲. اعمال سرزمین منا و زمان وقوف در آن را بیان کنید.

ص: ۱۱۰

۱۳. جمرات سه گانه را توضیح دهید.

۱۴. مساجد موجود در منا را نام ببرید.

۱۵. ایام تشریق چه ایامی است، آن را تشریح کنید.

ص: ۱۱۱

بخش دوم مدینه منوره سرزمین و حرم خاتم النبیین (ص)

اشاره

ص: ۱۱۲

مدینه منوره سرزمین و حرم خاتم النبیین (ص)

ص: ۱۱۳

درس چهارم موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (ویژگی‌ها و اماکن)

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با موقعیت جغرافیایی مدینه آشنا شویم.
- اهمیت و فضایل هر یک از کوه‌های مدینه را بدانیم.
- با وادی‌های مدینه و احادیث و روایات وارد شده در فصل آن‌ها آشنا شویم.
- با مقابر و زیارتگاه‌های مدینه آشنا شویم.
- تاریخچه و فضائل قبرستان بقیع را بدانیم.
- دفن شدگان قبرستان بقیع را بشناسیم.
- از سیر شکل‌گیری زیارتگاه شهدای احد آگاه شویم.

مدخل

شناخت وضعیت جغرافیایی مدینه به سبب وجود کوهها و موانع

ص: ۱۱۴

طبیعی، دره‌ها و دروازه‌های تاریخی به منظور آگاهی از موقعیت ژئوپولیتیک مدینه و نیز آشنایی با زیارتگاه‌ها و اماکن مقدسی که صحابه، ائمه شیعه و بزرگان اسلام در آن‌ها دفن شده‌اند دارای اهمیت است، لذا در این فصل به توضیح موقعیت جغرافیایی، کوه‌ها، وادی‌ها، ثنایا و مقابر و زیارتگاه‌های مدینه پرداخته می‌شود.

موقعیت جغرافیایی مدینه منوره (یثرب)

اشاره

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده و فاصله آن، از طریق بزرگراه هجرت، تا جده ۳۹۵ کیلومتر و تا مکه ۴۲۵ کیلومتر است. این شهر از دو سو؛ یعنی غرب و شرق، به وسیله «حَرّه‌ها» (۱) محصور شده است. این حَرّه‌ها از مسجد ذوقبلتین به سوی جنوب و سپس به سوی شرق و شمال امتداد می‌یابد و مردم مدینه معمولاً آن‌ها را حَرّه شرقی و حَرّه غربی می‌خوانند؛ با این که آن دو حَرّه یکی هستند. (۲) مدینه به وسیله چندین کوه محاصره شده است؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب. (۳) در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان و قناه. (۴)

۱- «حَرّه» به معنای «سنگلاخ» است که این زمین‌ها به علت وجود سنگ‌ها و صخره‌های آتشفشانی بزرگ غیر قابل نفوذ بوده و هم‌چون دژی طبیعی مدینه را در محاصره خود گرفته است. (ابن منظور، لسان العرب، ماده حَرّه).

۲- سعید بن سلام. المدینه المنوره فی القرن الرابع عشر الهجری، ص ۱۳

۳- ر. ک. به: بخش کوه‌های مدینه، در همین کتاب.

۴- ر. ک. به: بخش وادی‌های مدینه، در همین کتاب.

ص: ۱۱۵

مدینه در تقسیمات جغرافیایی در منطقه حجاز واقع شده است. آب و هوای آن در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد و بارانی است و درجه حرارت آن در زمستان نسبت به مکه و جدّه پایین تر است؛ در دی ماه پایین ترین دما ۲ درجه و بالاترین آن ۶/۲۴ درجه سانتی گراد است و در تیرماه پایین ترین دما ۲/۱۷ درجه و بالاترین دمای آن ۴۴ درجه سانتی گراد است. بالاترین میزان بارندگی در دی ماه به ۳/۸ میلی متر می رسد و پایین ترین میزان آن، در آذرماه ۲ میلی متر است.

مدینه برخلاف مکه به لحاظ این بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی برد و در منطقه حجاز، پس از طائف، مطلوب ترین آب و هوا و مناسب ترین زمین را برای کشاورزی دارد.

اراضی زراعی آن در جنوب شهر واقع شده که محصول آن عمدتاً خرما و بعضی میوه‌ها است و در شمال آن نیز البته اندکی خرما، حبوبات، میوه و سایر نباتات به عمل می آید. زمین های زراعی در مدینه از آب چاه مشروب می شود.

۱. کوه‌ها، وادی‌ها و ثنایای مدینه

۱-۱. کوه‌ها

۱. احد: از کوه‌های مشهور و مهم مدینه است که در شمال شرقی شهر و چهار کیلومتری مسجدالنبی (ص) قرار دارد. چون این کوه تنها کوه

ص: ۱۱۶

جدا و مستقل است، آن را «اُحد» نامیده‌اند. (۱) طول آن هفت کیلومتر (از شرق به غرب) و عرض آن بین یک تا سه کیلومتر است و ۱۹ کیلومتر مساحت دارد. از این رو طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره به حساب می‌آید. ارتفاع آن از سطح زمین ۳۰۰ متر و از سطح دریا ۱۰۰۰ متر فاصله دارد. رنگ کوه متمایل به قرمز است.

احادیث فراوانی از پیامبر (ص) در مورد فضل و اهمیت این کوه نقل شده است. از جمله: «کوه احد ما را دوست دارد و ما نیز آن را دوست داریم.» (۲) در روایتی دیگر، از پیامبر (ص) نقل شده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.» در برابر کوه غیر که پیامبر (ص) آن را شوم می‌داشتند و می‌فرمودند: «کوه احد دری است از درهای بهشت و کوه غیر دری است از درهای جهنم. او ما را دوست نمی‌دارد ما نیز آن را دوست نمی‌داریم.» (۳) گویند هارون، برادر موسی (ع)، هنگام عزیمت به حج، در این کوه وفات یافته و قبرش آن‌جا است. (۴)

۱- فیروز آبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۰

۲- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۸۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، ص ۳۰۲

۳- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دارالمصطفی، ج ۲، ص ۱۰۸؛ فیروز آبادی، همان‌جا.

۴- فیروز آبادی، همان، ص ۱۱؛ ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۸۵. در یکی از کوه‌های شهر پترا در اردن نیز قبری از هارون وجود دارد که از سوی یهودیان اسرائیل زیارت می‌شود.

ص: ۱۱۷

یکی از غزوات مهم پیامبر(ص) به نام این کوه مشهور است که در سال سوم هجری رخ داد و کوه احد پناهگاه مهمی برای لشکریان اسلام و به ویژه پیامبر خدا(ص) گردید.

امروزه از طریق بزرگراه فهد بن عبدالعزیز می‌توان به کوه و مزار شهدای احد رفت، که البته از شارع سیدالشهدا نیز می‌توان به آنجا راه یافت.

۲. جبل عینین / الزّماه: کوه کوچکی است در جنوب قبور شهدای جنگ احد که در کنار وادی قنات، به صورت مستقل و در فاصله تقریباً یک کیلومتری جنوب کوه احد قرار دارد. طول آن ۱۷۵ و عرض آن ۵۵ متر است و ۲۰ متر ارتفاع و ۳۸۰ متر مربع مساحت دارد. در نبرد مهم احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است؛ پیامبر(ص) برای این که نیروهای دشمن از پشت سر به سپاه اسلام هجوم نیاورند، تعداد پنجاه تیرانداز را به فرماندهی عبدالله بن جبیر بر این کوه گمارد تا از تنگه محافظت کنند، لذا به سبب استقرار این نیروها، تپه یاد شده به «جبل الزّماه» معروف شد. نام قبلی آن جبل عینین بود که گویی چون دو چشم بر منطقه اشراف دارد.

در طول قرون متمادی، بر روی این تپه خانه‌هایی ساخته شده که به مرور زمان رو به خرابی رفته‌اند. بر اساس تصاویر موجود، طول و ارتفاع این تپه از اندازه کنونی آن بسیار بزرگ‌تر و بیشتر بوده است. (تصویر شماره ۴۸)

ص: ۱۱۸

۳. کوه سلع: این کوه نیز یکی از کوه‌های مهم و استراتژیک شمال غرب مدینه است که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. کوه سلع به عنوان یک استحکام طبیعی پشت سر سپاه اسلام قرار گرفت و خندق نیز در مقابل دشمن حفر گردید. در دامنه آن، قبیله بنی حرام می‌زیستند. در صخره‌های غربی آن، غار و کهف بنی حرام بوده که از میان رفته است. مساجد هفتگانه که محل فرماندهی یا عبادت چند تن از صحابه سپاه اسلام در غزوه خندق بوده بر دامنه این کوه ساخته شده است.

۴. شیلع: کوه کوچکی در جنوب کوه سلع است که به آن «عثث» نیز گفته‌اند. در دوران عثمانی قلعه فرمانروای مدینه بر آن ساخته شده بود. (۱) بر فراز آن، یکی از برج‌های قلعه باب شامی مدینه بوده که آثار این قلعه و برج هم‌چنان بر جای مانده است. موقعیت این کوه در نزدیکی کتابخانه «ملک عبدالعزیز» (سمت باب السلام) است و به سبب احداث بناها و برج‌های بزرگ، تنها بخشی از آن دیده می‌شود.

۵. عَیْر: کوه بزرگی است در جنوب مدینه و شرق وادی عقیق، نزدیک مسجد شجره. از پیامبر (ص) نقل شده که «کوه عیر» یکی از درهای جهنم است؛ این کوه بر ما خشمگین است و ما نیز بر آن. (۲) «عَیْر» در لغت به معنای خَرِ چموش و وحشی است. (۳) این خر از آن «مویلع» کافر بوده

۱- فیروز آبادی، همان، ص ۱۸۵

۲- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۸۳

۳- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۱۷۳.

ص: ۱۱۹

که خداوند بر قنات یا ملک او آتشی زده و آن را سوزانده است. در حقیقت وی مورد غضب خداوند قرار گرفته است. (۱) بر این اساس رسول خدا(ص) از این کوه تنفر داشته‌اند.

۶. ثور: کوه کوچک و سرخی است در پشت کوه احد، در شمال مدینه. پیامبر اکرم(ص) میان «عیر» تا «ثور» را حرم(مدینه) قرار داد. (۲) ۷. ذُباب (۳): این کوه در مشرق کوه سلع(مساجد سبعه) است «ذُباب» نام پرنده و یا سمت برنده شمشیر است و در بعضی از جاها به معنای زنبور عسل نیز آمده است. برخی گویند نام کسی است که در دوران اموی بر این کوه گردن زده شد. پیامبر(ص) هنگام غزوه خندق، پرچم فرماندهی را بر آن استوار ساخت. در محل استقرار پرچم سپاه، بعدها مسجدی ساختند که «مسجد الرایه» نام گرفت، ولی بعدها آن را ذُباب نامیدند.

۱- ۲. وادی‌ها «۴»

۱. عَقیق: این وادی به سه بخش صغیر، کبیر و اکبر تقسیم شده است. (۴) قسمت اکبر آن در اختیار حضرت علی(ع) بوده که ۲۳ چاه در آن

۱- فیروز آبادی، همان، ص ۲۸۸

۲- پیشین، ص ۸۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۹۲

۳- این کوه را «ذُباب» نیز خوانده‌اند.

۴- یعقوبی، البلدان، ص ۷۶

ص: ۱۲۰

کنده بودند. این چاه‌ها در منطقه مسجد شجره کنونی بوده و به همین جهت هنوز مسجد شجره به «مسجد ایبار» یا «آبار علی» معروف است. از پیامبر (ص) احادیث زیادی در فضل این وادی نقل شده و آن حضرت آن را مبارک خوانده‌اند. (۱) از ایشان نقل شده است که جبرئیل (ع) در شبی نازل شد و از جانب خداوند فرمود: در این وادی مبارک نمازبگزار. (۲) گفتنی است وادی عقیق طولانی‌ترین وادی‌های حجاز است. (۳) به سبب آب این وادی، مناطق پیرامونی آن حاصل‌خیز و دارای آب و هوایی خوب هستند. قصر عروه بن زبیر، سعید بن عاص و مروان بن حکم در کنار این وادی ساخته شده بود.

۲. بَطْحَان (۴): این وادی به «ابی جیده» نیز مشهور است. آغاز آن، از نزدیکی شرق قبا و پایان آن، نزدیک مساجد سبعة بوده که به وادی عقیق می‌پیوسته است. پیامبر (ص) فرموده‌اند: «بطحان برکه‌ای از برکه‌های بهشت است». (۵) ۳. رَأُونَاء: مسجد جمعه در نزدیکی قبا که پیامبر (ص) نخستین نماز جمعه را در آن برگزار کرده‌اند، در میان این وادی قرار داشته است. وادی‌های دیگر مدینه عبارت‌اند از:

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۴۸؛ فیروزآبادی، همان، ص ۲۷۰

۲- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶

۳- الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۱۲۰

۴- آن را «بَطْحَان» و بَطْحَان نیز ثبت کرده‌اند. (یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۴۴۶) به معنای انبساط و سرور.

۵- پیشین، همان‌جا.

ص: ۱۲۱

۴. وادی مُذَنَّب: در جنوب شرق مدینه و محل سکونت بنی نضیر.
۵. وادی مَهْزُور: در شرق مدینه و محل سکونت بنی قریظه.
۶. وادی قناه: در منطقه احد و کنار تپه جبل الرماه و قبور شهدای احد. برای استفاده از آب این وادی‌ها چندین سد ساخته شده است.

۱- ۳. ثنیه‌ها «۱»

۱. ثنیه الوداع: این ثنیه در خارج باب شامی؛ میان «مسجدالرایه» (۱) و محل دفن «محمد نفس زکیه» است و امروزه در تقاطع شارع سیدالشهدا و شارع ابوبکر واقع شده و سمت راست کسی است که از تونل زیر گذر مناخه خارج می‌شود. از مسجدالنبی (ص) تا آن‌جا، ۷۰۰ متر فاصله است. قبل از اسلام، این محل به «ثنیه‌الرکاب» شهرت داشت. (۲) پیامبر (ص) هنگام عزیمت برای غزوه تبوک در آن‌جا اردو زدند و به سازماندهی سپاه پرداختند. ثنیه‌الوداع مکان وداع و خروج لشکریان و خارج‌شوندگان از مدینه بوده است. هنگام غزوه خیبر، زنان پیامبر (ص) در این ثنیه با ایشان وداع کردند. مسجدی نیز در این مکان به نام ثنیه‌الوداع ساختند که در سال ۱۳۶۵ در توسعه خیابان تخریب شد.
۲. العُتْعَث: این ثنیه بر کوهی به نام عتعث میان کوه سُلَیْع و کوه سلع

۱- چنان که پیشتر گفته شد «مسجدالرایه» بر فراز کوه ذباب، در نزدیکی مساجد سبعة است.

۲- یاسین الخیاری، معالم المدینه المنوره، ص ۲۱۷

ص: ۱۲۲

در مدینه قرار داشته و به سلیع نزدیک تر بوده است. (۱)

۲. حصار و دروازه‌های مدینه

در دوران گذشته، برای حفاظت از هجوم دشمنان و تأمین امنیت، دیوارهایی پیرامون شهرها می‌ساختند و در پشت این دیوارها گاهی خندقی می‌کنند تا دشمن نتواند به راحتی وارد شهر شود. پیرامون مدینه یا یثرب نیز دیواری مرتفع ساخته بودند که در طول تاریخ از سوی حکمرانان و امرای شهر بازسازی و مرمت شده است. سلطان محمود عثمانی، در سال ۱۱۶۲ ق. این دیوار را تعمیر و ارتفاع آن را به ۲۵ متر رسانید؛ برای آن، چهل برج ساخت که بر شهر مشرف بود. در سال ۱۳۰۵ ق. سلطان عبدالحمید عثمانی از ناحیه باب العنبریه بر این دیوار افزود و پس از آن که دروازه یاد شده را تجدید بنا کرد، آن را «باب الحمیدی» نامید. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند؛ از جمله:

۱. باب الشامی (در شرق قلعه شامی)؛ ۲. باب المجیدی (کنار حرم مطهر)؛ ۳. باب الجمعة یا باب البقیع (پشت بقیع)؛ ۴. باب المصری؛ ۵. باب الحمام؛ ۶. باب صبری پاشا.
- دروازه‌های حصار خارجی شهر نیز عبارت بود از: ۱. باب العوالی

۱- یاقوت حموی آن را همان سلیع دانسته است. (معجم البلدان، ج ۴، ص ۸۵).

ص: ۱۲۳

(متصل به دیوار جنوبی بقیع)؛ ۲. باب قبا (نزدیک مسجد عمر بن خطاب)؛ ۳. باب العنبریه (وردی غرب شهر)؛ ۴. باب الکومه یا باب الجبل (غرب قلعه شامی)؛ ۵. باب الصیدقات (در شرق شهر). (۱) پس از توسعه مدینه، این حصار و دروازه‌ها برداشته شده است. (تصویر شماره ۴۹)

۳. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه

الف) قبرستان بقیع

اشاره

قبرستان عمومی مدینه را، که زمینی مملو از درختان غرقد بوده «بقیع الغرقد» نامیده‌اند. برخی نیز بقیع را از بقعه گرفته‌اند؛ (۲) زیرا قبور آن دارای بقعه بوده است. شمال غربی این قبرستان، که عمه‌های پیامبر (ص) در آن مدفون‌اند «بقیع العمات» نامیده می‌شود. جنوب شرقی بقیع، که محل دفن مردگان یهود و غیر مسلمان بوده «حش کوب» خوانده‌اند. بعدها در دوران اموی، دیوار آن را خراب و به بقیع ملحق کردند. بقیع الغرقد تاریخچه‌ای دیرینه در دل شبه جزیره دارد؛ زیرا تاریخ‌نگاران، پیشینه آن را به دوران جاهلیت بازگردانده‌اند. در ابتدا این مکان قبرستان مردم یثرب بوده که قبل از اسلام اموات خود را در آن به

۱- احمد سعید بن سلم، همان، ص ۱۷۱-۱۷۳

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۶۳؛ دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۲؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، صص ۶۱ و ۶۲

ص: ۱۲۴

خاک می‌سپردند. پس از اسلام، تنها به دفن مسلمانان اختصاص یافت و یهودیان و غیر مسلمانان را در حش کوكب به خاک می‌سپردند. برخی نیز خانه‌هایی در آن ساخته بودند مثل عقیل که تعدادی از مردگان را در خانه او یا کنار آن دفن می‌کردند. قبرستان بقیع، که به صورت مستطیل شکل و بسیار کوچک بوده، بیرون از دیوار شهر قرار داشته (۱) و در گذشته مساحت آن ۳۴۹۳ متر مربع بوده است. (تصویر شماره ۵۰)

فضایل بقیع

قبرستان تاریک و خاموش بقیع، آرامگاه چهار امام معصوم شیعه، فرزندان و همسران رسول خدا(ص) و بسیاری از صحابه بزرگوار، یاران ائمه اطهار: و شهدای گرانقدر صدر اسلام است. در این قبرستان، بیش از ۱۰۰۰ و به روایتی ۱۰۰۰۰ نفر از صحابه گرامی پیامبر(ص)، تابعان، قاریان، سادات بنی‌هاشم و ... مدفون‌اند. بیشتر قبور آنان جز چند تن، گمنام و ناشناخته است. از ام‌قیس نقل شده که همراه پیامبر(ص) به بقیع آمدم، فرمود: «ام‌قیس، از این قبرستان در آخرت ۷۰۰۰۰ نفر برانگیخته شده و بدون حساب به بهشت می‌روند، در حالی که صورت‌های آنان مانند ماه شب بدر می‌درخشد.» (۲)

۱- دائره‌المعارف الاسلامیه، ج ۷، ص ۴۶۳

۲- مسلم، صحیح، ج ۴، ص ۴۰، نسائی، سنن، ج ۴، ص ۹۱؛ ابن ماجه، سنن، ج ۱، ص ۴۹۳ (با اندکی اختلاف در عبارت)؛ ابن شهبه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۹۲؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۳، ص ۸۸۸ و ج ۳، ص ۹۱۶

ص: ۱۲۵

هم‌چنین از رسول گرامی اسلام روایت شده که از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. روایت دیگری است که آن حضرت در بقیع ایستاد و فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ» (۱)

مویهبه، غلام حضرت رسول (ص) گوید:

پیامبر خدا (ص) مرا در دل شب از خواب بیدار کرد و فرمود: مأمورم تا برای اهل بقیع استغفار کنم، پس همراه من بیا. همراه ایشان رفتم، وقتی رو به روی قبور بقیع ایستاد، فرمود:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الْمَقَابِرِ، لَيْسَ لَكُمْ مَا أَصِيبَحْتُمْ فِيهِ مِمَّا أَصْبَحَ النَّاسُ فِيهِ أَقْبَلَتِ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَتَّبِعُ آخِرُهَا أَوْلَهَا الْآخِرَةُ شَرٌّ مِنَ الْأُولَى».

پس مدتی طولانی برای آنان به استغفار پرداخت.

یکی از همسران پیامبر (ص) نیز نقل کرده است که آن حضرت هر شب به زیارت قبور بقیع می‌رفتند. (۲) در کتب زیارات و ادعیه آمده است هنگام زیارت بقیع، به سبب قداست آن مکان، که روزی قدم‌های مبارک پیامبر (ص) بر آن نهاده شده و بهترین اولیای خدا در آن مدفون شده‌اند، با پاهای برهنه وارد شوید. پیامبر خدا (ص) فرمودند: کسی که در مقبره ما (بقیع) مدفون شود، از شفاعت

۱- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، ص ۵۶۶؛ متن کامل زیارت بقیع در فروع کافی آمده است (ج ۴، ص ۵۵۹).

۲- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۹۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۲، ص ۲۰۳

ص: ۱۲۶

من برخوردار گردد؛ (۱) لذا شایسته است بر کسانی که مورد شفاعت پیامبر(ص) قرار خواهند گرفت، کمال احترام و خضوع را رعایت کرد.

گنبد و بارگاه‌های بقیع

طبق تصاویری که جهانگردان، سفرنامه‌نویسان و ... ارائه کرده‌اند، بیشتر قبور بقیع تا دوران سعودی دارای گنبد و ضریح آهنین، مسی یا نقره‌ای بوده و کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌هایی نیز داشته‌اند که نام و نشان صاحب قبر بر آن ثبت شده بود. متأسفانه با تسلط تفکر وهابیت در سرزمین حجاز، بسیاری از آثار تاریخی، که در اعتقادات آنان جایگاهی نداشت. از جمله بقعه‌های بقیع، شهدای احد، محمد نفس زکیه، عبدالله، پدر گرامی پیامبر(ص) و ... نیز بقاع مکه و سایر نقاط را تحت عنوان شرک و بدعت تخریب کردند. (تصویر شماره ۵۱)

پیش از آن که بر فراز قبور امامان شیعه؛ یعنی امام حسن(ع)، امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) گنبد و بارگاهی ساخته شود، سنگ نبشته‌ای بر آن قبور بوده که بعضی از جهانگردان و مورخان آن را دیده‌اند. قدیمی‌ترین مورخی که از این سنگ نبشته گزارش می‌دهد، مسعودی است. او که در قرن چهارم فوت کرده است، می‌گوید:

بر قبور ایشان سنگ نبشته‌ای دیدم که بر آن نوشته بود:

ص: ۱۲۷

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ مُبِيدِ الْأُمَمِّ وَ مُحْيِي الرُّمَمِّ، هَذَا قَبْرُ فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ وَ قَبْرِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) وَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (ع) وَ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع)». (۱)

ابن نجار (متوفای ۶۴۳ ق.) از بنای گنبد و بقعه‌ای در ابتدای بقیع یاد می‌کند که هر روز صبح، درهای آن برای زیارت باز می‌شده است. مطری گوید: گنبد آن را خلیفه الناصر عباسی ساخته است. (۲) ابن جبیر و ابن بطوطه، دو جهانگرد مسلمان نیز از گنبد مرتفعی که بر قبر عباس و امام حسن (ع) بوده، گزارش کرده‌اند. (۳) میرزا حسین فراهانی، از سیاحان عصر قاجار نیز در سفرنامه خود می‌نویسد:

«چهار ائمه اثنی عشر، در بقعه بزرگی که به‌طور هشت ضلعی ساخته شده واقع‌اند و گنبد اندرون آن سفیدکاری است. بنای این بقعه معلوم نیست که از چه وقت بوده است.» (۴) علی بن موسی، از دیگر سفرنامه‌نویسان عصر عثمانی، قبه و بارگاه اهل بیت را بزرگ‌ترین قبه‌های بقیع ذکر کرده است که بعضی از سادات علوی و بزرگان و امرای مدینه کنار آن به خاک سپرده شده‌اند. (۵) (تصویر شماره ۵۲)

۱- مسعودی، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۲۸۸

۲- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۴۵

۳- الرحله، ص ۱۵۵؛ سفرنامه ابن بطوطه، ص ۱۱۳

۴- فراهانی، میرزا حسین، سفرنامه، ص ۲۸۱

۵- علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه المنوره، ص ۷

ص: ۱۲۸

قبور دیگری که منابع از گنبد و بارگاه آن‌ها گزارش کرده‌اند، عبارت‌اند از:

۱. دختران و همسران پیامبر(ص)؛ ۲. عقیل و مالک بن انس؛ ۳. ابراهیم فرزند پیامبر(ص)؛ ۴. فاطمه بنت اسد؛ ۵. عثمان بن عفان؛ ۶. عثمان بن مظعون و ...

به خاک آرمیدگان بقیع

۱. عثمان بن مظعون

نخستین کسی که به دستور پیامبر(ص) در قبرستان بقیع دفن شد، عثمان بن مظعون، صحابه بزرگوار ایشان بود. پیامبر(ص) سنگی بالا- و پایین قبر وی قرار داده، فرمودند: «اهل بیت مرا در این جا دفن کنید.» (۱) هنگامی که مروان، والی مدینه شد، آن سنگ‌ها را برداشت و سوگند یاد کرد که نمی‌گذارد بر قبر عثمان بن مظعون سنگی باشد و به این وسیله شناخته شود. (۲) برخی از شیعیان، قبری را که در انتهای محدوده نخستین بقیع واقع شده و اهل سنت آن را از آن خلیفه سوم، عثمان بن عفان می‌دانند- به اشتباه گفته‌اند که آن قبر عثمان بن مظعون است، در حالی که وی در وسط محدوده نخستین بقیع دفن شده است.

۱- ابی محمد عبدالرحمان رازی، علل الحدیث، ج ۱، ص ۳۴۸؛ بیهقی، السنن الکبری، ج ۳، ص ۴۱۲

۲- ابن شبه، همان، ج ۱، صص ۱۰۰ و ۱۰۱، سمهودی گوید: مروان، خود بر قبر عثمان بن عفان سنگی گذاشت (ج ۳، ص ۸۹۴).

ص: ۱۲۹

۲. ابراهیم فرزند پیامبر

(ص)

ابراهیم، که مادرش «ماریه قبطیه» بود، در ذی حجه سال هفتم هجری به دنیا آمد. اما بسیار زود؛ یعنی در هیجده ماهگی از دنیا رفت. پیامبر(ص) فرمود: او را در بقیع، کنار عثمان بن مظعون دفن کنند. پیامبر(ص) چهار تکبیر بر او گفت و بر روی قبر وی آب پاشید. ابراهیم نخستین کسی بود که بر قبرش آب پاشیدند. (۱)

۳. رقیه

رقیه، دختر پیامبر(ص) ابتدا همسر عتبه بن ابی لهب بود، که بعد از اسلام، از همسرش جدا شد و به عقد عثمان بن عفان درآمد. (۲) روایت شده که فاطمه ۳ کنار قبر رقیه می‌گریست و پیامبر(ص) با جامه خود اشک چشمان او را پاک می‌کردند. (۳) گفتنی است رقیه هنگام جنگ بدر از دنیا رفت و عثمان بن عفان، همسر وی، که به سبب مریضی رقیه از جنگ بازمانده بود، او را به خاک سپرد. (۴) پیامبر(ص) فرمود: او را کنار عثمان بن مظعون به خاک بسپارید.

۱- ابن شهبه، همان، ج ۱، ص ۹۸، مرگ ابراهیم فرزند پیامبر ۹ بر آن حضرت بسیار سنگین و گران بود. در هنگام مرگ وی خسوفی رخ داد و باعث شد تا مردم تصور کنند خورشید در مرگ او گرفته شده است! لذا پیامبر ۹ به شدت این اعتقادات را نکوهش کرد و فرمود: خورشید و ماه در مرگ کسی کسوف یا خسوف نمی‌کنند.

۲- مصعب زبیری، کتاب نسب قریش، ص ۲۲

۳- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۷

۴- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۳۴

ص: ۱۳۰

۴. امّ کلثوم

هنگامی که امّ کلثوم دختر پیامبر(ص) وفات یافت، در کنار خواهرش رقیه مدفون شد. امّ کلثوم نیز همسر عتبه بن ابی لهب بود که بعد از اسلام از همسرش جدا شد و پس از فوت رقیه به عقد عثمان بن عفّان درآمد. (۱)

۵. زینب

زینب، بزرگ‌ترین فرزند رسول‌الله(ص) بود که پیش از اسلام به ازدواج ابوالعاص بن ربیع درآمد. همسر وی که در مکه مانده بود در جنگ بدر به اسارت مسلمانان درآمد و پس از چندی مسلمان شد و به زینب پیوست. دختر گرامی پیامبر(ص) در سال هشتم هجرت از دنیا رفت و پیامبر(ص) نیز بر او نماز گزارد و کنار دو خواهر دیگرش؛ یعنی در جوار عثمان بن مظعون به خاکش سپرد.

(۲)

۶. فاطمه بنت اسد

مادر بزرگوار علی بن ابی طالب(ع) و همسر فداکار ابوطالب، به منزله مادر پیامبر(ص) بود. به روایت طبرانی در معجم و ابن حبان در الثقات، وقتی او وفات یافت، پیامبر(ص) بر جنازه‌اش حاضر شدند و داخل قبر او خوابیدند و قرآن خواندند؛ آن‌گاه پیراهن خود که از بُرد یمانی بافته شده بود را کف قبر پهن کرده و فاطمه بنت اسد را بر

۱- مصعب زبیری، همان، ص ۲۲

۲- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۳۱۳؛ ابن عبد البرّ، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، ج ۴، ص ۳۱۱

ص: ۱۳۱

آن خوابانیدند، سپس بر او نماز گزارده، فرمودند: هیچ کس جز فاطمه بنت اسد از فشار قبر در امان نمی ماند. آن گاه دست به دعا برداشته و فرمودند:

«الله الذی یحیی و یمیت و هو حی لا یموت، اغفر لامی فاطمه بنت اسد ووسع علیها مدخلها بحق نبیک والانبیاء من قبلی فإنک ارحم الراحمین» (۱).

رسول خدا(ص) برای گشایش قبر فاطمه و آمرزش او، خود و پیامبران قبل از خود را وسیله و واسطه نزد خداوند قرار دادند. این روایت که مورد نقل بسیاری از محدثان اهل سنت است نخستین دلیل برای ردّ ادعای وهابیت در خصوص وسیله قرار دادن اشخاص برای آمرزش و مغفرت است.

پیامبر(ص) در وفات مادر گرامی حضرت علی(ع) بی تابی فراوان می کردند. وقتی دلیل آن را پرسیدند، فرمود: «او به راستی مادرم بود؛ چرا که کودکان خود را گرسنه می داشت و مرا سیر می کرد، آنان را خاک آلود می گذاشت و مرا شسته و آراسته می داشت، به راستی که او مادرم بود.» (۲) شایان یادآوری است که فاطمه بنت اسد در سال سوم هجرت از دنیا رفت. قبر مادر گرامی علی بن ابی طالب(ع)، در کنار قبر عباس بن عبدالمطلب و ائمه بزرگوار شیعه است. بعضی از تاریخ نگاران و

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۹۸؛ ابن عبد البرّ، همان، ج ۴، ص ۳۸۲

۲- یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ص ۳۶۸

ص: ۱۳۲

پژوهشگران، قبه و بارگاه فاطمه بنت اسد را در شمال شرقی؛ آخرین حدّ کنونی بقیع دانسته‌اند و بیشتر اهل سنت نیز بر همین نظریه‌اند. (۱) کسانی که بر این باورند، این قبر را از آن فاطمه ۳ دختر پیامبر (ص) می‌دانند. (۲) اما با توجه به شدت علاقه رسول خدا (ص) به فاطمه بنت اسد بعید می‌نماید او را در آخرین نقطه بقیع به خاک سپرده باشند، ضمناً آن‌جا در آن عصر خارج از محدوده بقیع بوده است.

۷. امام حسن مجتبی

(ع)

از قبرهای بسیار محترم و عزیز بقیع، قبر نواده رسول خدا (ص) حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) دوّمین امام شیعه است. آن امام همام در سال سوم هجرت متولد و در سال ۵۰ هجرت مسموم شد. از نوفل بن فرات نقل شده که حسن بن علی (ع) به برادر خود حسین (ع) وصیت کرد که در کنار قبر جدش پیامبر (ص) دفن شود؛ اگر بنی‌امیه مانع شدند، او را در بقیع به خاک بسپارد. هنگامی که امام حسن (ع) وفات یافتند، مروان گفت نمی‌گذارم فرزند علی را در جایی دفن کنند که فرزند عفان را نگذاشتند. امام حسین (ع) نیز ایشان را در بقیع و در مقابر بنی‌هاشم دفن کردند. (۳)

۱- ابن عماد حنبلی، شذرات الذهب، ج ۱، ص ۱۵

۲- ر. ک. به: بحث بیت و مرقد فاطمه ۳ در قسمت مسجد النبی.

۳- ابن شبه، همان، ج ۱، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۷۴؛ مسعودی گوید: او را در بقیع، کنار قبر مادرش فاطمه ۳ مدفون ساختند. (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

ص: ۱۳۳

قبر شریف آن حضرت(ع) در ابتدای بقیع و بالای قبر عباس بن عبدالمطلب است که سه امام دیگر نیز بعدها کنار ایشان به خاک سپرده شدند.

۸. امام زین‌العابدین

(ع)

علی بن الحسین(ع)، چهارمین امام بزرگوار شیعه است. او در سال ۳۸ هجری در مدینه متولد و در سال ۹۵ ق. مسموم و کنار عمویش حسن(ع) به خاک سپرده شد.

۹. امام باقر

(ع)

پیشوای پنجم شیعیان، در سال ۵۷ ق. به دنیا آمد و سال ۱۱۴ ق. از دنیا رفت. آن حضرت را کنار پدر گرامی‌اش به خاک سپردند.

۱۰. امام صادق(ع)

ششمین پیشوای بزرگ شیعیان، در سال ۸۳ ق. به دنیا آمد و در سال ۱۴۸ ق. از دنیا رفت. او را کنار پدرش دفن کردند. قبور ائمه: به این ترتیب است که: اول قبر امام حسن(ع)، دوم قبر امام سجاد(ع)، سوم قبر امام باقر(ع) و چهارم قبر امام صادق(ع) است.

۱۱. عباس بن عبدالمطلب

اشاره

عباس، عموی پیامبر(ص) سه سال پیش از عام الفیل به دنیا آمد (۱) و در

۱- سن او سه سال از پیامبر ۹ بیشتر بود.

ص: ۱۳۴

سال ۳۲ ق. در گذشت. قبر او کمی جلوتر از قبور چهار امام شیعه واقع شده است. (۱) (تصویر شماره ۵۳)

۲۰-۱۲. قبور همسران رسول الله

(ص)

این قبرها در «خانه عقیل» بوده و بعدها در این مکان سنگ قبرهای آن یافت شده است. غیر از میمونه و خدیجه (ع)، دیگر همسران پیامبر (ص) در این محل مدفون‌اند که عبارت‌اند از: امّ سلمه، امّ حبیبه، عایشه، سوده، جویریّه، حفصه، صفیّه، زینب و ماریّه قبطیه. این قبرها، همگی در کنار هم و کمی بالاتر از قبور دختران پیامبر (ص) قرار دارند.

۲۳-۲۱. عمه‌های رسول خدا

(ص)

عمه‌های گرامی حضرت رسول (ص) در کنار دیوار شرقی بقیع دفن شدند. این قسمت در گذشته از بقیع جدا بوده و به سبب وجود قبر صفیه و عاتکه و جمانه دختران عبدالمطلب، عمه‌های پیامبر (ص) به «بقیع العمات» مشهور شده است. در کنار قبور عمات الرسول، قبر ام‌البنین ۳ مادر گرامی ابوالفضل العباس (ع) نیز قرار دارد.

۳۰-۲۴. قبور صحابه و تابعین

خانه عقیل در وسط بقیع، علاوه بر آن که محل دفن او گردید، برخی

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۱۲۷، بسیاری از سیاحان و مورخان، از بنای قبه بزرگ و باشکوهی بر قبر وی و چهار امام شیعه که هم‌اکنون آثار پایه‌های دیواره آن نیز دیده می‌شود، خبر داده‌اند.

ص: ۱۳۵

از صحابه و تابعین نیز در داخل یا اطراف آن مدفون شدند که قبرشان کمی بالاتر از قبور همسران پیامبر(ص) زیارت می‌شود. آنان عبارتند از عبدالله بن جعفر(همسر زینب ۳ ف ۸۰)، محمد بن زید(نواده امام سجاد(ع))، سفیان بن حارث(ف ۲۰)، عبدالله بن مسعود(ف ۳۲)، عثمان بن عفان، مالک بن انس، ابوعبدالله نافع الفقیه. هم‌چنین در انتهای قبرستان بقیع در کنار دیوار کنونی جنوب غربی، قبر ابوسعید خدری صحابی و سعد بن معاذ و نیز حلیمه سعیده مادر رضاعی رسول خدا(ص) قرار دارد که بقعه و بارگاهی بر فراز قبر آنان بوده است.

برخی از شهیدان احد

پس از نبرد احد، برخی از مجروحان پس از چندی در مدینه به شهادت رسیدند و در قبرستان بقیع دفن شدند. این شهدا، که تعداد دقیق آنان مشخص نیست، در شمال شرقی بقیع، حدود بیست متر بالاتر از قبر ابراهیم فرزند پیامبر(ص) و سمت چپ آن، به خاک سپرده شده‌اند.

شهدای واقعه حَرّه

در سال ۶۳ هجری به دستور یزید، مسلم بن عقبه مُزی برای سرکوبی مردم مدینه، که بر ضدّ حکومت یزید قیام کرده بودند، عازم این شهر شد و در «حَرّه واقم» (۱) به قتل عام مردم مدینه پرداخت. در این قتل عام، حدود

۱- مدینه میان دو حَرّه واقع شده که یکی از آن‌ها حره واقم است و پیامبر ۹ میان این دو حَرّه را حرم قرار دادند. (ر. ک. به: الجندی المکی، فضائل المدینه، ترجمه نگارنده این سطور، فصلنامه میقات حج، شماره ۵).

ص: ۱۳۶

هفت هزار نفر از ساکنان شهر مدینه، که بیشترشان از انصار، مهاجر، سادات و شیعیان بودند، کشته شدند و نوامیس مردم مورد تجاوز سپاه بنی‌امیه قرار گرفت. (۱) قبور شهدای حرّه کمی بالاتر از قبور مجروحان احد است. در کنار قبور این شهدا، اسماعیل بن جعفر بن محمد صادق (ع) مدفون است.

سایر قبور بقیع

همان‌گونه که پیشتر گفتیم، بیش از ده هزار نفر از صحابه، تابعان، قاریان، سادات، بنی‌هاشم، نوادگان ائمه و ... در بقیع مدفون‌اند. (۲) که مکان دفن آن‌ها روشن نیست. معروف‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۳۳. ابی بن کعب؛ احتمالاً ایشان در منزل خود، که بعدها به مسجد تبدیل شد، دفن شده‌اند. موقعیت مسجد ابی بن کعب روبه‌روی قبور ائمه و سمت راست در ورودی بقیع بوده است.

۳۴. مقداد بن اسود؛ ۳۵. خالد بن سعید؛ ۳۶. مالک بن حارث؛ ۳۷. ابوالهیشم التیهان؛ ۳۸. جابر بن عبدالله انصاری؛ ۳۹. خزیمه ذوالشهادتین؛ ۴۰. ابودجانه انصاری؛ ۴۱. سعد بن عباد خزرجی؛ ۴۲. زید بن ارقم؛ ۴۳. حسان بن ثابت؛ ۴۴ و ۴۵. حمیده و رقیه همسران مسلم و عبدالرحمان بن عقیل؛ ۴۶. حسن مثنی؛ ۴۷. جعفر بن حسن (ع)؛ ۴۸. خنیس بن حذافه؛ ۴۹. صهیب بن سنان؛ ۵۰. ابوطلحه انصاری؛ ۵۱. اسید بن خضیر؛ ۵۲. معاذ بن جبل؛ ۵۳. قتاده بن نعمان؛ ۵۴. ارقم بن

۱- ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۱۴؛ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۱۲۳

۲- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۹۱۶

ص: ۱۳۷

ابی ارقم؛ ۵۵. مسطح بن اثاثه؛ ۵۶. زید بن ثابت؛ ۵۷. محمد بن مسلمه؛ ۵۸. سالم، غلام ابوحنیفه؛ ۵۹. عبدالرحمن بن عوف؛ ۶۰. اسعد بن زراره.

ضمناً تعدادی از نوادگان امام کاظم (ع)، امام سجاد (ع)، امام صادق (ع) و عباس بن علی (ع) نیز در بقیع مدفون هستند.
«رَحِمَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ دُفِنَ فِي الْبَقِيعِ. اللَّهُمَّ احْشُرْنَا مَعَهُمْ».

بیت الاحزان

فاطمه زهرا، دختر گرامی و معصوم پیامبر خدا (ص)، در فراق پدر بزرگوار خود و شکوه از اوضاع زمانه، به گفته برخی روایات، در گوشه‌ای از بقیع به گریه و زاری می‌پرداخت. این محل، که چونان خانه‌ای بدون سقف بود، بعدها مقبره او نام گرفت و سپس به «مسجد فاطمه» مشهور شد. مکان آن، کنار قبر عباس و ائمه شیعه بوده است.

آنجا که بعدها «بیت‌الاحزان» نامیده شد، در دوران عثمانی ضریحی کوچک از آهن داشت که زائران آن را زیارت می‌کردند. در دوران سعودی، همراه با تخریب گنبد و بارگاه‌های بقیع، آن ضریح را نیز برداشتند.

ص: ۱۳۸

(ب) زیارتگاه شهدای احد

در سال سوم هجری، مشرکان برای انتقام از شکست بدر به بسیج نیرو پرداختند و با سپاهی متشکل از پنج هزار نیروی جنگ‌جو، به فرماندهی ابوسفیان، به سوی مدینه روان گشتند و در شمال شهر، کنار کوه احد استقرار یافتند.

ص: ۱۳۹

نیروهای سپاه اسلام، که تعداد آنان هفتصد نفر بود، پیشقدم شده و در دامنه احد مستقر شدند و آن را چون یک دژ مستحکم طبیعی، پشت سر سپاه خود قرار دادند.

در سمت چپ استقرار نیروهای اسلام، تپه یا کوه کوچکی است به نام «جبل العینین». از این تپه تا نخلستان‌های درهم تنیده و غیر قابل عبور، مَعْبَر یا تنگه کوچکی بود که پیامبر(ص) برای تأمین عقبه سپاه، پنجاه تیرانداز را به فرماندهی «عبدالله بن جبیر» بر این تپه گمارد تا به حفاظت از آن گذرگاه بپردازند؛ لذا این تپه به «جبل الرّمّاه» معروف شد.

تپه یاد شده، که هم‌چنان موجود است، روبه‌رو و سمت جنوب مقبره شهدای احد و کوه احد واقع شده و امروزه زائران بالای آن رفته و خاطره آن نبرد بزرگ را در ذهن خود مجسم می‌سازند.

در این جنگ، به سبب رها کردن تنگه، ضایعات جبران‌ناپذیری به سپاه اسلام وارد شد؛ از جمله: شهادت یکی از بهترین حامیان پیامبر خدا(ص)؛ یعنی حضرت حمزه سیدالشهدا به همراه پرچمدار اسلام، مُضْعَب بن عُمَیر، عبدالله بن جحش و فرمانده تیراندازان و نگهبانان تنگه؛ یعنی عبدالله بن جبیر و بیش از هفتاد تن از بهترین صحابه پیامبر خدا(ص).

پیامبر(ص) میان انبوه دشمن تنها ماند و جز علی(ع) و معدود یاران پایدار و مقاوم وی، که همواره کنار آن حضرت حضور داشتند و شجاعانه از جان ایشان حفاظت می‌کردند، بقیه صحابه گریختند و به دامنه احد

ص: ۱۴۰

عقب‌نشینی کردند. در این درگیری، پیشانی و دندان آن حضرت شکست. علی (ع) ناگزیر ایشان را به سمت احد برد و در شکافی جراحات ایشان را مداوا کردند. این غار یا شکاف، امروزه در شمال مقابر شهدا و در دامنه احد است. (تصویر شماره ۵۴)

به دستور پیامبر (ص) حمزه (ع) و دیگر شهدا را، که همه مُثله شده بودند، پس از اقامه نماز، در همان معركة جنگ و با لباس‌های خود به خاک سپردند. (۱) عموی گرانقدر رسول‌الله (ص) ابتدا به وسیله زوبین وحشی، غلام جبیر بن مطعم، کنار جبل الرّمّاه مجروح شد و خود را تا دامنه این تپه کشانید و سپس به دیدار خدا شتافت. پیامبر (ص) بر جنازه او، که گوش و بینی‌اش بریده و سینه‌اش دریده شده بود، با تأثر و خشم ایستادند (۲) و فرمودند: هرگز چنین مصیبتی به من نرسیده است و تاکنون جایی نایستاده‌ام که از جایگاه کنونی خشمگین‌تر باشم. (۳) آن‌گاه فرمان دادند جسدش را با پارچه‌ای کفن کرده و آن‌گاه هفتاد تکبیر بر وی گفتند. سید و سالار شهدای احد را همراه مصعب بن عمیر در یک قبر دفن کردند. بعضی گفته‌اند

۱- برای آگاهی بیشتر از واقعه جنگ احد، ر. ک. به: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۳، ص ۱۲۰-۶۰؛ واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۹۹ به بعد؛ زهری، المغازی، ص ۶۰ به بعد و همچنین مقاله نگارنده این سطور، با عنوان «احد در بستر تاریخ» (مجله میقات حج، شماره ۸).

۲- ابن ابی حاتم رازی، علل الحدیث، ج ۱، ص ۳۵۲

۳- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ عساف احمد بن محمد، خلاصه الأثر فی سیره سید البشر، ص ۱۷۴

ص: ۱۴۱

عبدالله بن جحش نیز که خواهرزاده حمزه(ع) بود، همراه آنان به خاک سپرده شد. کسانی نیز گفته‌اند: هیچ کس همراه ایشان در قبر دفن نشد. (۱) قبور این سه بزرگوار روبه‌رو و شمال تپه جبل‌الرماء، کمی جلوتر (حدود پنجاه متر) از دیگر شهدا قرار دارد. در دوران عثمانی، بر مقبره عموی پیامبر(ص)، گنبد و بارگاه زیبایی وجود داشت.

در دوران سعودی، به اعتراف نویسنده‌ای سعودی؛ یعنی یاسین الخیاری، مردم، کنار این مقبره که به «مسجد حمزه(ع)» معروف بود، نذر می‌پختند و قبور را لمس و مسح می‌کردند، لذا مسؤولان برای جلوگیری از این اعمال خلاف شرع گنبد و بارگاه وی را تخریب کردند. سرانجام در سال ۱۳۸۳ ق. برای عدم دسترسی زائران، در اطراف قبور شهدای احد دیواری کشیدند و آن را محصور کردند. (۲) اکنون این دیوار با دری آهنین مانع تماس و نزدیکی زائران با قبور محترم شهدای احد است. (تصویر شماره ۵۵)

۱- ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۹۸؛ به دستور پیامبر ۹ بعضاً هر سه نفر را داخل یک قبر دفن کردند. (محمد بن جریر طبری، تهذیب الآثار، السفر الثانی، صص ۵۲۴ و ۵۲۵).

۲- یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه، ص ۱۳۷

ص: ۱۴۳

ج. سایر آرامگاه‌ها و مقابر تخریب شده (دوران سعودی)

زیارتگاه‌های دیگری هم در مدینه وجود داشت که در سال‌های اخیر توسط سعودی‌ها تخریب شده‌اند، مانند قبر عبدالله پدر گرامی رسول خدا(ص) در ۲۰۰ متری جنوب غربی مسجدالنبی(ص) در شارع مناخه، قبر محمد نفس زکیه نواده امام حسن(ع)، که در سال ۱۴۵ ق شهید شد در پشت کوه سلع(پشت مساجد سبعة)، زیارتگاه علی عَزِیضی برادر امام کاظم(ع) در شش کیلومتری مدینه در سمت فرودگاه، در قریه عَزِیض.

ص: ۱۴۴

۱. مسجد شریف نبوی؛
۲. مسجد قبا در شارع قبا؛
۳. مسجد ذو قبلتین در شارع سلطانیه؛
۴. مسجد فتح: احزاب؛
۵. مسجد سلمان فارسی؛
۶. مسجد ابی بکر؛
۷. مسجد عمر بن خطاب؛
۸. مسجد فاطمه ۳؛
۹. مسجد علی بن ابی طالب(ع)؛
۱۰. مسجد جمعه: بنی سالم در شارع قبا؛
۱۱. مسجد شجره در شارع عروه به سوی جده؛
۱۲. مسجد سقیا میدان عنبریه؛
۱۳. مسجد غمامه: مصلی اعیاد؛
۱۴. مسجد ابی بکر: مصلی اعیاد؛
۱۵. مسجد علی(ع): مصلی اعیاد؛
۱۶. مسجد عمر بن خطاب: مصلی اعیاد؛
۱۷. مسجد فضیخ: شمس در شارع عوالی؛
۱۸. مسجد ابوذر غفاری در شارع ابوذر؛
۱۹. مسجد بنی ساعده و سقیفه بنی ساعده؛
۲۰. بقیع الغرقد؛
۲۱. مکان قبلی قبر اسماعیل بن جعفر الصادق(ع)؛
۲۲. قبر ابی سعید خدری در پایان بقیع؛
۲۳. مقبره محمد نفس زکیه نوه امام حسن؛
۲۴. مقبره حمزه و شهدای احد؛
۲۵. چاه قضاعه، تخریب شده است؛
۲۶. چاه حاء، تخریب شده است؛
۲۷. چاه بصبه، تخریب شده است؛
۲۸. چاه اریس، تخریب شده است؛
۲۹. چاه سقیا، تخریب شده است؛
۳۰. هیأت امر به معروف؛
۳۱. محکمه شرعی؛
۳۲. کتابخانه عمومی مدینه؛

۳۳. جبل الرايه، مسجد ذباب؛

۳۴. میدان عنبریه.

ص: ۱۴۷

خلاصه درس

شهر مدینه در شمال غربی شبه جزیره العرب و شمال مکه مکرمه واقع شده است. مدینه در احاطه چندین کوه قرار دارد؛ کوه احد در شمال، کوه عیر در جنوب و کوه جماوات در غرب.

در مدینه سه وادی یا درّه وجود دارد: عقیق، بطحان و قناه. مدینه برخلاف مکه به لحاظ بارندگی نسبتاً منظم، از کم آبی رنج نمی‌برد.

کوه‌های مدینه عبارتند از: احد؛ در روایتی، از پیامبر(ص) آمده است: «کوه احد از کوه‌های بهشت است.»

کوه عَینین یا الرُّماه که در نبرد مهم احد، این تپه نقش مهم و مؤثری به عنوان یک گذرگاه استراتژیک ایفا کرده است.

کوه سلع در شمال غرب مدینه که شاهد یکی از جنگ‌های پیروزی آفرین سپاه اسلام؛ یعنی نبرد بزرگ «احزاب» یا «خندق» بوده است. از دیگر کوه‌های مدینه می‌توان به سُلَیع، ثُور و ذَباب اشاره کرد.

در مدینه برای استقبال یا بدرقه سپاهیان ثنیه‌هایی وجود داشته از جمله ثنیه‌الوداع، ثنیه الشرید، ثنیه‌الرکاب و ثنیه العُتَّعْث.

مدینه تا عصر سعودی دارای حصار و دروازه‌هایی بود. حصار شهر از دو بخش داخلی و خارجی تشکیل شده بود که دیوار داخلی از چهار سمت مدینه را در محاصره داشت و شش دروازه برای آن تعبیه کرده بودند.

مقابر و زیارتگاه‌های مدینه عبارتند از: قبرستان بقیع که از رسول

ص: ۱۴۸

گرامی اسلام(ص) روایت شده از این مکان در روز قیامت نوری بلند می‌شود که میان آسمان‌ها و زمین را روشن می‌کند. هم‌چنین هفتاد هزار نفر از آن قبرستان بدون حساب و کتاب به بهشت می‌روند و مورد شفاعت پیامبر(ص) قرار می‌گیرند. در این قبرستان علاوه بر چهار امام بزرگوار شیعه، همسران رسول خدا(ص)، دختران آن حضرت و بسیاری از صحابه و تابعین و نوادگان ائمه نیز دفن هستند. تا دوران آل سعود بسیاری از این قبور دارای بقعه بوده که همه در این عصر توسط وهابی‌ها تخریب گردیده است. در کنار قبور امامان شیعه، محل بیت الاحزان فاطمه دختر رسول خدا(ص) قرار داشته است. از دیگر زیارتگاه‌های مدینه می‌توان به زیارتگاه شهدای احد اشاره کرد که در دامنه کوه احد و محل این نبرد قرار دارد.

خودآزمایی

۱. کوه‌های مدینه را نام برده و اهمیت هر یک را بیان کنید.
۲. وادی‌های مدینه کدام‌اند و چه احادیث و روایاتی در مورد آن‌ها نقل شده است؟
۳. ثنایای مدینه را نام ببرید.
۴. حصارها و دروازه‌های مدینه و علت شکل‌گیری آن‌ها را بیان کنید.
۵. مقابر و زیارتگاه‌های مدینه و فضائل آن را تشریح کنید.
۶. تاریخچه قبرستان بقیع و فضائل آن را شرح دهید.
۷. زیارتگاه احد در کدام نقطه مدینه قرار دارد و چه کسانی در آن جا

ص: ۱۴۹

مدفون هستند؟

ص: ۱۵۱

درس پنجم موقعیت تاریخی مدینه و مساجد آن

اشاره

اهداف آموزشی

انتظار می‌رود با مطالعه این درس:

- با سیر شکل‌گیری شهر یثرب آشنا شویم.
- فضایل شهر مدینه را بدانیم.
- از نحوه هجرت پیامبر به مدینه آگاه شویم.
- با مساجد منطقه قبا و نحوه شکل‌گیری هر یک آشنا شویم.
- مساجد اطراف مسجد النبی را بشناسیم.
- تاریخچه مساجد هفتگانه منطقه غزوه احزاب و سیر تاریخی هر یک را بدانیم.
- مساجد پیرامون منطقه احد و نحوه شکل‌گیری این مساجد را بدانیم.

مدخل

در این فصل پیدایش شهر یثرب و تاریخچه و جایگاه آن در شبه جزیره و نخستین کسانی که در آنجا ساکن شدند و نیز علت انتخاب این

ص: ۱۵۲

شهر به عنوان پایتخت حکومت اسلامی در عصر پیامبر(ص)، مورد بحث قرار می‌گیرد و همچنین از مساجدی که در مدینه در عصر رسول خدا(ص) ساخته شده و نشان از حضور آن حضرت در جای جای مدینه است، سخن گفته و مناطق مختلف مدینه که هر یک یادآور یک واقعه تاریخی و سرنوشت‌ساز در عصر پیامبر است، تشریح و آثار آن معرفی می‌گردد.

تاریخچه یثرب (مدینه النبی (ص))

اشاره

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح(ع)، اختلاف نظر دارند:

۱. بعضی گفته‌اند: هنگامی که مردم، از کشتی نوح(ع) که بر کوه جودی نشسته بود، خارج شدند، به سوی مدینه رهسپار گشتند؛ محل فرود این عده بعدها به سبب تعداد آنان «بازار هشتاد» نامیده شد. آنان تنها ماندگان و زندگان پس از طوفان نوح(ع) بودند. [\(۱\)](#) فرزندان «عبیل» در یثرب فرود آمدند و این شهر به نام نخستین ساکن آن یعنی «یثرب بن عبیل بن عوص ابن ارم بن سام بن نوح(ع)»، [\(۲\)](#) یثرب نامیده شد.
۲. بعضی اولین ساکن مدینه پس از طوفان را «یثرب بن قانیه بن مهلابیل بن ارم بن عبیل بن عوص بن ارم بن سام بن نوح(ع)» دانسته‌اند. [\(۳\)](#)

۱- سمهودی، وفاء الوفا بأخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۱۵۶

۲- مسعودی، یثرب را فرزند «قانیه بن مهلیل بن ارم بن عبیل» ذکر کرده است که در مدینه فرود آمده و این شهر به نام وی مشهور شده است. (مروج الذهب، ج ۲، ص ۱۵۵).

۳- پیشین، همان جا.

ص: ۱۵۳

۳. برخی نیز گویند: هنگامی که عمالقه در سرزمین‌ها پراکنده شدند، بعضی از آنان در یثرب فرود آمده و ساکن شدند. آنان از فرزندان عملیق بن لود بن سام بن نوح بودند.

ورود یهود به یثرب

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. مورخان، تاریخ مهاجرت‌های اولیه یهود را از هزار تا هفتصد سال پیش از میلاد مسیح ثبت کرده‌اند. در زمان سلطنت داوود نبی (ع)، درگیری‌ها و اختلافاتی میان فرزندان وی به وقوع پیوست. در این زمان، یکی از فرزندان او به نام «اشالوم» همراه گروهی از بنی اسرائیل به خیبر و دیگر سرزمین‌های شبه جزیره‌العرب از جمله شام رفتند. (۱) نبونید، حاکم بابل، شماری از عراقی‌ها را همراه خود آورده و در این مناطق (حجاز) ساکن ساخته بود. در میان ایشان یهودیانی از بابل و فلسطین بودند. پیش از این نیز یهودیانی همزمان با مهاجرت به فلسطین به این جا کوچ کرده و تا روزگار ظهور اسلام در آن ساکن بوده‌اند. (۲) علمای یهود توصیف پیامبر خدا (ص) در تورات را دیده بودند که در آن آمده بود: این پیامبر در مکه مکرمه ظهور کرده و سپس به سوی سرزمینی که میان دو حرّه واقع و دارای نخل است مهاجرت می‌کند. پس

۱- ابن خلدون، العبر، ج ۱، صص ۹۲ و ۹۳

۲- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ص ۴۵۲

ص: ۱۵۴

آنان در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام از شام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آنجا ساکن شدند. (۱) کسانی چون استرابون و پلینیوس، در میان دولت‌های جزیره‌العرب از دولت یهود نام برده‌اند. (۲) در هر حال، قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی‌قریظه (۳) و بنی‌نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند که امروز آن را «العوالی» (۴) می‌نامند. ایشان در این منطقه به حفر چاه‌ها و کاشت درختان پرداختند. بعضی از قبایل عرب نیز در کنار آنان فرود آمده و ساکن شدند.

۲. قبایل بنی‌قینقاع؛ (۵) در منطقه «الصاغه» فرود آمدند که خیابان قربان امروزی است. منازل عالی و زیبای آنان در شمال‌غربی «مدشونیه» (۶)

۱- ابن نجار، اخبار المدینه، ص ۱۳

۲- جواد علی، همان جا.

۳- بنی‌قریظه یکی از قبایل ساکن مدینه است که با خزرج هم‌پیمان بودند و پیامبر ۹ پس از عهدشکنی همه آنان را از بین برد.

۴- «عوالی» منطقه‌ای است در جنوب مسجدالنبی ۹ و امروزه خیابان آن به نام شارع علی بن ابی طالب ۷ معروف است. بیشتر شیعیان مدینه در این منطقه ساکن هستند و بر مدارس آنان نام‌های ائمه‌دیده می‌شود.

۵- پیامبر ۹ علیه پیمان شکنان یهود از بنی‌قینقاع وارد جنگ شد. غزوه بنی‌قینقاع در تاریخ مشهور است.

۶- «مدشونیه» تا امروز به همین نام معروف و نام باغ‌هایی در شارع قربان کنونی است.

ص: ۱۵۵

ساخته شد. این خانه‌ها بسیار مستحکم و همانند حصن یا قلعه بود که به آن اطم می‌گفتند.

ورود اوس و خزرج یا یمانی‌ها به یثرب

به جز قبایل یهود و اعرابی که در یثرب ساکن بودند، تعدادی از اعراب نیز از یمن و جنوب شبه جزیره کوچ کرده و در سرزمین‌های شمالی؛ از جمله یثرب و غسان ساکن شدند. (۱) این مهاجران به علت انتساب به «یعرب ابن قحطان»، «اعراب قحطانی» نامیده شدند؛ در مقابل ایشان، اعرابی که در حجاز و به ویژه مکه ساکن و از فرزندان عدنان از نسل اسماعیل (ع) بودند، «اعراب عدنانی» نامیده شدند.

اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، از تمدن و شهرنشینی برخوردار بودند و کار و پیشه اصلی آنان کشاورزی، زراعت، تولیدات و مصنوعات دستی بود؛ چون یثرب در سراسر شبه جزیره امتیازات و ویژگی‌های مورد نظر آنان را داشت، آن‌جا را برای سکونت مناسب دیدند.

از میان اعراب یمانی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر (ص) آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی قریظه و بنی نضیر یمانی‌هایی بستند. (۲) اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند. منابع تاریخی مملو از شرح وقایع،

۱- ابراهیم بیضون، سهیل زکار، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، ص ۲۸

۲- ابراهیم بیضون، سهیل زکار، همان، ص ۲۸.

ص: ۱۵۶

جنگ‌ها و ستیزهای این دو طایفه با یکدیگر است که به آن‌ها «ایام العرب» گفته می‌شود. (۱) درگیری و کشتار میان اوس و خزرج، امری عادی و کاری روز مرّه بود، در حالی که هیچ‌کس در این منطقه نبود تا بتواند این دو رقیب را با هم تفاهم دهد و به زیر سلطه و نفوذ خود درآورد و به عبارتی، کسی نبود که حرف آخر را بزند. به گفته «ولهاوزن»: «نزاع و تخاصمی که وجود داشت زندگی را برای توده مردم سخت می‌نمود، تنها یک مرد می‌خواست که بتواند این جامعه متفرق را انتظام بخشد.» (۲) خداوند در این زمان، با ظهور اسلام و بعثت پیامبر(ص)، آنان را به هدایت و صلح و دوستی رهنمون ساخت و رسول الله(ص) به عنوان فرمانروای مطلق، جهت التیام بیماری عداوت و دشمنی و اعاده امنیت به این شهر رهسپار شد. (۳) از آن پس به سبب حضور رسول خدا(ص) در یثرب آن را مدینه‌النبی(ص) نامیدند.

نام‌های مدینه منوره

مدینه در قبل و پس از اسلام، نام‌های فراوانی داشت. برخی از نام‌هایی که برای آن آورده‌اند، عبارت‌اند از: اَرْضُ اللَّهِ، اَرْضُ الْهَجْرَةِ، الْأَيْمَانُ، دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹.

درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره؛ ص ۱۵۶

-۱

-۲

-۳ . Encyclopedia ,Britanika V .۵۱ ,p .۴۶

ص: ۱۵۷

الْبَارَّة، الْبِرَّة، الْبَلَد، بَيْتُ الرَّسُولِ، الْحَرَم، الدَّار، دارالابرار، طابه، طَبِيه، يَثْرِب و ... (۱) هم‌چنین نام‌هایی چون المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض الله (۲) نیز در قرآن برای این شهر ذکر شده است.

فضایل مدینه منوره

از پیامبر خدا(ص) روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، همچون مکه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد. پیامبر(ص) به درگاه الهی تضرع کردند که: «بار خدایا! ابراهیم بنده و رسول تو، مکه را حرم قرار داد، من نیز مدینه را حرم قرار می‌دهم در آن‌چه میان دو حزه است، همان‌گونه که ابراهیم مکه را، حرم قرار داد». (۳) آن حضرت در فضیلت مدینه فرموده‌اند: «ایمان در مدینه انباشته و جمع شده است؛

۱- ابن شبه، همان جا؛ سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۸-۲۸

۲- ابن شبه، همان جا؛ سمهودی، همان جا؛ پیامبر ۹ خود نیز مدینه را طابه می‌نامیدند و می‌فرمودند خداوند این شهر را طابه نامیده است و در جایی دیگر آن را قبه‌الاسلام، دارالایمان، ارض الهجره و مثنوی الحلال و الحرام نامیده‌اند(محمد بن محمد بن سلیمان، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، ج ۱، صص ۵۶۰ و ۵۶۱).

۳- جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۴۳؛ ابن حجر هیثمی، تحفه الزوار الی قبر النبی المختار، ص ۱۴۴؛ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ملاخاطر، فضائل المدینه المنوره، ج ۱، ص ۶۰ به بعد.

ص: ۱۵۸

همان گونه که ماری در لانه‌اش جمع می‌شود.» (۱) پیامبر خدا (ص) می‌فرمود:

«الْمَدِينَةُ أَفْضَلُ مِنْ مَكَّةَ.» (۲)

مدینه از مکه برتر است.

پیامبر (ص) در حق مدینه بسیار دعا می‌کردند و می‌فرمودند: «خدایا! مدینه را بر ما دوست بدار همان گونه که مکه را بر ما دوست داشته‌ای و حتی بیش از آن و آن را بر ما صحت و سلامت دار و در مُدَّ و صاع (اوزان طعام) آن بر ما برکت ده و تب و درد را از آن دور کن.» (۳) در روایات دیگری، آن حضرت کسانی را که مردم مدینه را بترسانند، به آتش الهی وعده داده است؛ از جمله فرموده‌اند: «کسی بر اهل مدینه اراده سوء نمی‌کند جز آن که خداوند وی را در آتش جهنم، با سرب گداخته ذوب می‌کند، همان گونه که نمک در آب حل می‌شود» و کسی که در یکی از دو حرم (مکه و مدینه) بمیرد، روز قیامت ایمن مبعوث می‌شود. (۴)

مقدمات هجرت پیامبر (ص) به مدینه

در ذی‌حجه سال یازدهم بعثت، پیامبر (ص) با شش نفر از خزرجیان در

۱- جندی المکی، همان ص ۲۵؛ المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۸۹

۲- جندی المکی، همان ص ۲۲

۳- جندی المکی، همان ص ۲۰؛ بیهقی، سنن الکبری، ج ۳، ص ۳۸۲؛ بخاری، صحیح، حدیث ۲۸۸۹

۴- ابن حجر هیثمی، همان، ص ۳۰

ص: ۱۵۹

منا گفتگو و اسلام را بر آنان عرضه کرد. این شش تن، پس از آن که اسلام را پذیرفتند، به مدینه رفته و خبر ملاقات خود را با بزرگان قوم در میان گذاشتند. لذا در سال بعد؛ یعنی سال دوازدهم بعثت، یازده نفر از انصار با رسول الله (ص) در عقبه منا، پیمانی بستند که بر اساس آن، برای خدا شریک قرار ندهند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند و پیامبر را فرمانبردار باشند. این پیمان را پیمان «عقبه اول» خواندند. پیامبر (ص) مصعب بن عمیر را برای تبلیغ اسلام و آموزش قرآن به یثرب فرستاد و دیری نپایید که بیشتر مردم یثرب مسلمان شدند.

در سال بعد؛ یعنی در ذی‌حجه سال سیزدهم، ۷۳ نفر از بزرگان اوس و خزرج، که ۲ تن از آن‌ها زن بودند، در عقبه منا به حضور پیامبر (ص) رسیده و ضمن پذیرش اسلام از ایشان دعوت کردند تا به یثرب بیاید و آنان را به راه هدایت و صلاح رهنمون سازد. این پیمان به «عقبه دوم» یا بیعه النساء شهرت یافت. پس از بازگشت این عده به یثرب، خانه‌ای در شهر نماند که اهل آن به اسلام نگراید و از آن صدای اذان و تکبیر به گوش نرسد. (۱) پیامبر (ص) در نخستین شب از ماه ربیع‌الأول سال چهاردهم بعثت، از سوی خداوند برای ادامه مأموریت الهی خود عازم یثرب شدند؛ در این شب مشرکان با فراهم ساختن طرح قتل پیامبر خدا (ص) در «دارالندوه» منزل آن حضرت را محاصره کردند و تصمیم به قتل ایشان گرفتند. آن شب،

۱- ابن هشام، السیره النبویه، همان، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۳۱؛ ابن نجار، اخبار المدینه ۱۹-۲۰

ص: ۱۶۰

از شب‌های بزرگ و سرنوشت‌ساز در تاریخ اسلام و زندگی پیامبر (ص) و علی بن ابی طالب (ع) بود. هجرت، مسیر تاریخ را دگرگون ساخت و عزت، قدرت، ثبات، استواری و تأیید اسلام را رقم زد.

پیامبر (ص) تنها علی (ع) را لایق جانشینی خود در مکه و خوابیدن در بستر خود دانست و از ایشان خواست تا ردای مخصوص پیامبر (ص) را بپوشد و به جای او در بستر بخوابد. هم‌چنین اماناتی که از پیامبر (ص) در مکه مانده است را به صاحبان آنها بازگرداند و اهل بیت او را همراه خود به مدینه منتقل سازد. (۱) به خاطر این فداکاری و خوابیدن حضرت علی (ع) در بستر پیامبر (ص)، این شب به «لیله المیت» معروف شد.

مشرکان چون به خانه پیامبر (ص) هجوم آوردند و علی (ع) را در جای او دیدند، از فرط ناراحتی وی را مجروح و ساعتی نیز حبس کردند. (۲) علی (ع) با شجاعت و ایثار تمام، نه تنها این مسئولیت خطیر را با جان و دل پذیرفت و خود را در معرض امتحان وفاداری به اسلام و پیامبر (ص) قرار داد، بلکه با این اقدام شجاعانه، نقش مؤثری در پیشبرد اهداف عالی اسلام و حفظ رهبری و تغییر و دگرگونی تاریخ اسلام ایفا کرد. به این مناسبت بود که این آیه در حق او نازل شد:

-۱

-۲ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۱۰۳

ص: ۱۶۱

(وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ). (۱)

ایشان برای رد اماناتی که پیامبر (ص) به او سپرده بود، سه روز در مکه ماند و پس از انجام کارها همراه مادرش فاطمه بنت اسد و نیز دختر رسول الله (ص)، حضرت فاطمه ۳ به سوی مدینه حرکت کرد. (۲)

مسیر هجرت پیامبر (ص) به مدینه

حضرت رسول (ص) ابتدا به خانه ابوبکر که حدود ۲۰۰ متری مسجدالحرام، در سمت مسفله و پایین مکه بود، رفت و سپس همراه وی شهر را ترک و به طرف جنوب مکه یعنی مخالف مسیر مدینه (که در شمال است) به غار «ثور» (۳) رفتند تا دشمن را گمراه و منحرف کنند.

در حالی که دشمن کینه‌توز با سماجت در تعقیب پیامبر بود، ایشان ۴۰۰ کیلومتر راه را طی کردند و در روز دوشنبه دوازدهم ربیع‌الأول وارد قریه «قبا» شدند.

بریده بن اسلمی، همراه هفتاد تن از افراد قبیله خود و سایر قبایل، به

۱- [و از مردم کسانی هستند که جان خود را به خاطر خشنودی خدا می‌فروشند (از جان خود در راه رضای خدا درگذرند) و خدا دوستدار چنین بندگان است.] (بقره: ۲۰۷)؛ ابن جوزی، التذکره خواص الائمة فی معرفه الائمة ص ۲۱؛ گنجی شافعی، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب ۷ ص ۱۱۴؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۹، صص ۳۹-۶۴

۲- بلاذری، انساب الاشراف، ج ۲، ص ۹۱ ابن نجار، همان، ص ۲۷

۳- ر. ک. به: بخش کوه‌های مکه، از همین کتاب.

ص: ۱۶۲

پیشواز میهمانان آمده بودند. (۱) این در حالی بود که هر روز مردم شهر، از صبح تا غروب به انتظار پیامبر(ص) می‌ایستادند و سپس ناامید باز می‌گشتند. (۲) هنگامی که حضرت رسول(ص) در دید مردم قرار گرفتند، زنان و کودکان فریاد زدند: «هذا رسول الله، قد جاء، قد جاء!».
 پیامبر(ص) در میان استقبال پرشکوه و گرم مردم یثرب وارد آبادی «قُبا» شدند. دختران بنی‌النَّجَّار در این منطقه با دیدن پیامبر(ص)، اشعار زیر را با صدایی رسا خواندند:

طَلَعَ الْبَدْرُ عَلَيْنَا مِنْ تَيْبَاتِ الْوُدَاعِ
 وَجَبَ الشُّكْرُ عَلَيْنَا مَا دَعَى اللَّهُ دَاعِ
 أَيُّهَا الْمَبْعُوثُ فِينَا جِئْتَ بِالْأَمْرِ الْمَطَاعِ
 جِئْتَ شَرَفْتَ الْمَدِينَةَ مَرْحَبًا يَا خَيْرَ دَاعِ (۳)

مساجد تاریخی مدینه منوره

الف. منطقه قُبا و مساجد آن (جنوب مدینه)

اشاره

قُبا، قریه‌ای است در دو کیلومتری جنوب مدینه. کسانی که از مکه به مدینه می‌آیند، ابتدا وارد این قریه شده و سپس به مدینه می‌روند، که البته

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۴۳

۲- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۱؛ سمهودی، همان‌جا.

۳- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۰

ص: ۱۶۳

امروزه به سبب بزرگراه مدینه مکه، از کنار آن می‌گذرند. قبا، نام چاهی در آنجا بوده که بنی‌عمرو بن عوف از انصار در آنجا ساکن بوده‌اند. (۱) مزارع، نخلستان‌ها، چاه‌ها و آب‌های شیرین، این منطقه را از دیرباز آبادان ساخته است. این قریه نخستین مکانی قبل از مدینه بود که قدوم پیامبر (ص) را مبارک داشت و ساکنان آن به استقبال پیامبر خدا (ص) رفتند.

نخستین کلامی که مردم آن از رسول خدا (ص) شنیدند این بود:

«آشکارا سلام کنید. از طعام خود به دیگران بخورانید. صله رحم کنید و شب هنگام، وقتی مردم در خواب‌اند نماز بگذارید. پس به سلامت وارد بهشت شوید.» (۲) پیامبر (ص) بر «کلثوم بن هدم» (۳) وارد شدند (۴) و خانه «سعد بن خيثمه» را محل پذیرایی و دیدار مردم قرار دادند. ایشان تصمیم گرفتند برای شناسایی بهتر منطقه یثرب و موقعیت یهود، و نیز پیوستن امام علی (ع) و فواطم به ایشان چند روزی در این قریه اقامت گزینند و این انگیزه‌ای شد

۱- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۳۰۱؛ فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۳۲۳

۲- ابن سعد؛ الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۵؛ ترمذی، صحیح، [کتاب الاطعمه باب فضل اطعام الطعام]، ص ۴۵

۳- «کلثوم بن هدم بن امریء القیس بن الحارث» یکی از شیوخ بزرگ قبیله اوس بود که در زمان کوتاهی پس از ورود پیامبر ۹ به مدینه وفات یافت. او نخستین مرد از انصار بود که پس از اسلام از دنیا رفت. (ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۴، ص ۲۵۴).

۴- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۹۳؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیرالعباد، ج ۲، ص ۱۴۲؛ ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۴۰

ص: ۱۶۴

تا نخستین پایگاه عبادی را در آخرین ایستگاه هجرت به دست خود بنا کنند. دیری نپایید که علی(ع) نیز در این روزها وارد قبا شد و به گفته ابن اسحاق کنار پیامبر(ص) در خانه کلثوم بن هدم ساکن گردید. (۱)

۱. مسجد قبا

پیامبر(ص) در کنار خانه کلثوم بن هدم، زمینی را، که به وی متعلق بود، خرید و بنای مسجد قبا را آغاز کرد. این امر بنا به تقاضای ساکنان این محل انجام گرفت. ایشان مساحت مسجد را در خط سیر شتر خویش مشخص کردند. (۲) و خود خط قبله را تعیین کردند و دوش به دوش اصحاب، به ساختن آن پرداختند. دیوارهای آن با سنگ و خشت برافراشته شد و سقفش بر روی سه ردیف ستون استوار گردید. جای محراب پیامبر(ص) را نیز، قبل از تغییر قبله، در دیوار شمالی مسجد قرار دادند. (۳) به گفته ابن شبه، طول و عرض آن حدود ۳۴ متر بود. (۴) رسول الله(ص) در ساخت مسجد به حدی خود را به زحمت می‌انداختند و خشت‌ها را بر دوش می‌کشیدند که اصحاب متأثر شده و از ایشان

۱- سمهودی، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، ج ۱، ص ۲۴۹؛ ابن هشام، همان‌جا.

۲- محمد بن سلیمان، جمع الفوائد، ج ۱، ص ۵۶۵؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس فی احوال انفس النفیس، ج ۱، ص ۳۳۸

۳- تا دهه‌های گذشته مکان نماز پیامبر ۹ در شمال مسجد قبا(به سوی بیت المقدس) به وسیله محرابی مشخص شده بود که اکنون برداشته شده است.

۴- ابن شبه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۵۷

ص: ۱۶۵

می‌خواستند تا کناری بنشینند و فقط ناظر امور باشند؛ اما آن حضرت نمی‌پذیرفتند. (۱) صحابه هنگام کار، این اشعار را با هم می‌خواندند و پیامبر (ص) هم قوافی آن را تکرار می‌کردند:

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ يَعْمُرُ الْمَسَاجِدَا
يَقْرَأُ الْقُرْآنَ قَائِماً وَقَاعِداً ...

«رستگار کسی است که مسجد بنا کند و در آن نشسته و ایستاده قرآن بخواند. کسی که برای ساختن آن خود را به تلاش می‌اندازد با کسی که در کنار نشسته و نظاره می‌کند تا مبدا خاک بر دامانش بنشیند مساوی نیستند.» هم‌چنین به نقل بعضی از مورخان، زنان نیز در ساختن مسجد قبا فعالیت داشتند. سرانجام خداوند با نزول این آیات، اجر و پاداش سازندگان آن را عطا فرمود:

(... لَمْسِجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ كَانَ إِحْقُ أَنْ تَقُومَ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ). (۲)

آن مسجدی که در نخستین روز (هجرت) بر اساس تقوی بنا شده، محق‌تر و سزاوارتر است که در آن به نماز بایستی تا مسجدی که بر شالوده نفاق و تفرقه و گمراهی بنا شده باشد ... در آن مسجد مردانی هستند که دوست دارند پاک باشند و خداوند پاکان را دوست دارد.

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۲۵۳

۲- توبه: ۱۰۸

ص: ۱۶۶

به نقل بسیاری از مفسران، این آیه در سال نهم هجرت و در شأن این مسجد نازل شده است (۱) و آن هنگامی بود که گروهی از منافقان در آن سال از غیبت پیامبر (ص)، که برای جنگ تبوک خارج شده بودند، استفاده کرده و در مقابل مسجد قبا مسجدی ساختند تا تحت پوشش آن، به توطئه علیه اسلام و مسلمانان پردازند. آنان حتی برای کسب مشروعیت اقدام خود، از پیامبر (ص) خواستند تا در آن مسجد نماز بگذارد، اما در این هنگام خداوند به پیامبرش وحی فرستاد که:

(لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَْسْجِدٍ أُسَسَ عَلَى التَّقْوَى ...). (۲)

ای پیامبر، هرگز در آنجا نماز برپا نکن؛ زیرا آن مسجدی که در نخستین روز بر پایه تقوی بنا شده ...

پیامبر (ص) وقتی از توطئه آنان به وسیله وحی آگاه شد، فرمان داد تا آن مسجد را، که پس از نزول آیه مورد اشاره، «مسجد ضرار» نام گرفت، تخریب کنند. اصحاب نیز هجوم برده و آن را خراب کردند و سپس سوزاندند. (۳) گفتنی است، منظور از «أَوَّلِ يَوْمٍ»، در قرآن کریم اولین روزهای

۱- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۶۰؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۲۴۵، گفتنی است، بعضی از مفسران شأن نزول این آیه را مسجدالنبی و بعضی، هم مسجد قبا و هم مسجدالنبی، هر دو دانسته‌اند. در حدیثی از پیامبر ۹ نقل شده به دو نفر که در این مورد بحث داشتند، فرمودند: هذا مسجدی، (ابی بکر هیشمی، موارد الضمان فی زوائد ابن حبان، ص ۲۵۶).

۲- سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول، صص ۱۲-۱۱۱

۳- طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۱۷؛ ابن هشام، همان، ج ۲، ص ۵۲۹

ص: ۱۶۷

هجرت است و قبا نخستین مسجدی است که به دست پیامبر(ص) و مهاجران و انصار در اولین روزهای هجرت ساخته شد. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. (۱) هم‌چنین روایت شده که پیامبرخدا هر شنبه یا دوشنبه با پای پیاده یا سواره به مسجد قبا می‌آمد و در آن نماز می‌گزارد. (۲) پیامبر(ص) می‌فرمود:

«دو رکعت نماز در مسجد قبا برای من بهتر از آن است که دوبار به بیت‌المقدس بروم. اگر می‌دانستند در قبا چیست جگرهای شتران را می‌زدند و به سوی آن می‌تاختند تا از فضیلتش بهره‌مند شوند.» (۳) مسجد قبا اکنون ۷۴۶۵ متر مربع مساحت دارد که البته در طول تاریخ با توسعه و بازسازی همراه بوده است. این مسجد که حدود ۳/۵ کیلومتر با مسجدالنبی(ص) فاصله دارد حدود هفت هزار نمازگزار را در خود جای می‌دهد. (تصویر شماره ۵۶)

۲. مسجد جمعه / عاتکه

پیامبر(ص) وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن

۱- ابی بکر الهیثمی، همان، ج، ص ۲۵۲؛ متقی الهندی، منتخب کنز العمال فی سنن والاقتوال، ج ۵، ص ۳۵۹؛ سعدی المقدسی، فضائل الاعمال، ص ۹۱؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۳

۲- نسائی، سنن، ج ۲، ص ۳۷؛ ابن حجر عسقلانی، همان، ج ۳، ص ۵۳، آل‌بانی، صحیح سنن نسائی، ج ۱، ص ۵۶۳؛ محمد بن محمد بن سلیمان، همان، ج ۱، ص ۵۶۵

۳- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۴۲؛ متقی الهندی، همان، ج ۵، ص ۳۵۹

ص: ۱۶۸

عوف» نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه کردند. (۱) از نام‌های دیگر آن مسجد بنی سالم و یا مسجد وادی و نیز عاتکه بود. موقعیت آن در شمال مسجد قبا و حدود ۵۰۰ متری آن است. این مسجد حدود ۸۰ متر مربع مساحت داشته و تا دوران عثمانی چندین نوبت بازسازی شده است. (۲) در سال ۱۴۱۲ ق. در دوران فهد بن عبدالعزیز بنای قدیمی تخریب و بنای جدید و زیبایی به مساحت ۶۳۰ متر مربع ساخته شد که ۶۰۰ نمازگزار را در خود جای می‌دهد. برای این مسجد گنبدی بزرگ، با مناره‌ای ۲۵ متری ساختند. اکنون (۱۳۸۳ ش.) مجدداً به علت فرسودگی بنا، کار بازسازی آن به پایان رسید و خیابانی نیز در مجاورت آن ساخته شده است. (تصویر شماره ۵۷)

ب) مساجد پیرامونی مسجدالنبی (ص) (جنوب غربی مدینه)

۱. مساجد مصلاً و نمازگاه‌های پیامبر (ص) در اعیاد اسلامی

آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجدالنبی (ص)، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند. پس از چندی، برای بزرگداشت و حفظ نمازگاه پیامبر (ص)، بر آن مکان‌ها مساجدی ساختند که تعداد آن‌ها به ۸ رسید. امروز تنها ۴ مسجد از آن‌ها باقی است.

۱- ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۳، ص ۱۲۵۶؛ ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴

۲- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۲۱

ص: ۱۶۹

۱ / ۱. قشله عسکریه: در نزدیکی میدان و مسجد عنبریه کنونی، یعنی در یک کیلومتری جنوب غربی مسجدالنبی، پیامبر(ص) نخستین نماز عید را (در سال اول هجرت) اقامه کردند. بعدها در آنجا مسجدی ساخته شد که در دوران عثمانی آن مسجد داخل یادگانی قرار گرفت. تا این که در دوران سعودی مسجد و یادگان تخریب شد.

۱ / ۲. غمامه: از انس بن مالک خادم پیامبر(ص) روایت شده است که آن حضرت سالی به هنگام خشکسالی، برای استسقا و خواندن نماز باران، خارج شدند، هنوز ایشان از نماز خود فارغ نشده بودند که ابرها سایه افکند و باران بارید. به همین سبب بعدها در آن مکان مسجدی ساختند و آن را «غمامه»، یعنی ابر باران‌زا نامیدند. (۱) پیامبر(ص) هم‌چنین در سال دوم هجرت، نماز عید را در این مکان اقامه کردند.

«عمر بن عبدالعزیز» مأمور شد بر هر مصلّا و نمازگاهی که پیامبر خدا(ص) در آن نماز گزارده، بنایی بسازد. از این رو، مسجد مذکور را بنیاد نهاد و تعمیر کرد. تاکنون این مسجد چندین مرتبه بازسازی شده است. مساحت مسجد اکنون ۷۷۳ مترمربع و دارای شش گنبد کوچک و بزرگ است که آن را از سایر مساجد مصلّی ممتاز می‌سازد. مسجد علی(ع) و مسجد عمر بن خطاب در دو طرف آن قرار گرفته‌اند. اکنون اطراف مسجد را میراث فرهنگی با دیوارهایی از آجر و نخل، به صورت نمادین در حفاظی قرار داده است. مکان این مسجد در مقابل باب‌السلام در جنوب غربی مسجدالنبی(ص) (حدود ۳۰۰ متری) آن است. (تصویر

۱- متقی‌الهندی، همان، ج ۸، ص ۲۸۰؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۲۳۵

ص: ۱۷۰

شماره ۵۸)

۱/۳. عمر بن خطاب: این مسجد در جنوب مسجد غمامه واقع شده است.

پیامبر (ص) در سال سوم هجرت نماز عید را در آنجا اقامه کردند. بعدها خلیفه دوم در آن مکان نماز عید را برپا کرد. مسجد یاد شده اکنون نزدیک پل المدرج در جنوب مسجد غمامه پا برجاست. بنای آن از دوران عثمانی است که در عصر حاضر اندکی تعمیر شده است. مساحت آن به ۳۳۵ متر مربع می‌رسد. (۱) اکنون میراث فرهنگی مدینه گرداگرد آن دیواری با آجر و نخل ساخته و دری نیز بر آن دیوار قرار داده است که هنگام نماز گشوده می‌شود. (تصویر شماره ۵۹)

۱/۴. مالک بن سنان: رسول گرامی اسلام (ص)، در سال چهارم هجرت، در کنار خانه مالک بن سنان نماز عید خواندند، که در نمازگاه ایشان مسجدی ساخته شد. این مسجد، هنگام تعریض خیابان‌های غرب مسجدالنبی (ص) در دوران سعودی تخریب شد.

۱/۵. عثمان بن عفان: پیامبر (ص) در سال پنجم، در مکانی سمت باب‌الشامی مسجدالنبی (ص)، نماز عید خوانده‌اند. بعدها خلیفه سوم در آنجا به اقامه نماز عید پرداخت. مسجدی که بر آن ساختند، در تعریض خیابان مجاور آن، چند سال پیش تخریب شد. مکان دقیق آن، چند سال پیش در نزدیکی کتابخانه کنونی ملک عبدالعزیز؛ یعنی روبه‌روی

۱- احمد یاسین الخیاری، همان، صص ۱۰۰ و ۱۰۱

ص: ۱۷۱

باب السَّلام و در شارع المناخه بود. (۱) / ۶ / ۱. علی بن ابی طالب (ع): پیامبر (ص) ششمین نماز عید را در دارالشفاء (محل کنونی مسجد علی (ع)) اقامه کردند و بعدها امام علی (ع) در آنجا نماز عید خواندند. این مکان در نزدیکی محل مسجد غمامه بود که عمر بن عبدالعزیز بر آن مسجدی ساخت. آن مسجد در قرن نهم رو به تخریب رفت و زائرانی را که در آن نواحی از دنیا می‌رفتند، آنجا دفن می‌کردند. در دوران عثمانی آن را تعمیر کردند و در دوران سعودی (۱۴۱۱ ق.) این مسجد به صورتی زیبا و تقریباً سه برابر بنای قبلی ۶۹۰ متر مربع بازسازی شد. تابلوی مسجد «سیدنا علی»، در دایره‌ای بر بالای مسجد دیده می‌شود. این مسجد در کنار شارع السلام، در سمت چپ کسی است که از جنوب غربی صحن مسجدالنبی (ص) خارج می‌شود. (تصویر شماره ۶۰)

۱ / ۷. بلال بن رباح: پیامبر (ص) در سال هفتم هجرت، در کنار قلعه‌ای در محله خالدیه کنونی نماز عید اقامه کردند. (۲) مسجد یاد شده در توسعه سعودی، میان بنای شهرداری و مسجد غمامه تخریب و به ایستگاه اتوبوس‌ها و ماشین‌های شهرداری تبدیل شد.

۱ / ۸. مسجد ابوبکر بن ابی قحافه: پیامبر (ص) در سال هشتم هجرت، نماز عید را در مکان این مسجد اقامه کردند. از ابن عطا نقل شده است

۱- امروزه مسجدی به نام مسجد «ذوالنورین» یا «عثمان بن عفان» در شارع ستین و تقاطع شارع السلام، در نزدیکی مسجد بلال کنونی وجود دارد که مسجد مورد نظر نیست.

۲- احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۰۲

ص: ۱۷۲

که پیامبر(ص) بر نجاشی، پادشاه حبشه، که در کشور خود فوت کرده بود، در این محل نماز گزار شدند. گویند ابوبکر نیز در دوران خلافت خود، در این مکان نماز عید اقامه می‌کرد. بنای نخستین آن را عمر بن عبدالعزیز ساخت و در عصر عثمانی بازسازی شد. (۱) این مسجد در ۴۰ متری مسجد غمامه و نزدیک‌ترین مسجد به آن است و ۳۰۰ مترمربع مساحت دارد امروزه در آن نماز اقامه می‌گردد. (نقشه و تصویر شماره ۶۱ و ۶۲)

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی

(ص)

۲/۱. سُقیّا: سقیّا نام مسجد؛ چاه و روستایی است در حرّه غربی مدینه منوره. ترمذی از امام علی(ع) نقل کرده که پیامبر خدا(ص) در حرّه سقیّا؛ وضو ساختند و رو به قبله ایستاده، گفتند: «خدایا! ابراهیم بنده و دوست تو بود که برای اهل مکه طلب برکت و خیر کرد؛ من نیز بنده و رسول تو هستم و برای اهل مدینه دعای خیر می‌کنم که به آنان همانند اهل مکه، برکت دهی. خدایا! در برابر یک برکت برای آنان دو برکت برای اهل مدینه قرار ده.» (۲) آن‌گاه پیامبر(ص) در کنار آن چاه نماز گزارد. بعدها در مکان نماز آن حضرت مسجدی ساختند. ابن زباله نقل کرده است: پیامبر(ص) قبل از حرکت برای نبرد بدر از سربازان خود در کنار چاه سقیّا سان دید و در این مکان نماز گزارد.

۱- سمهودی، همان، ج ۲، صص ۷۹۱ و ۷۹۲

۲- جندی المکی، فضائل المدینه، ص ۱۴

ص: ۱۷۳

در سال‌های گذشته، این مسجد به زباله‌دانی تبدیل شده بود که شهرداری مدینه در سال ۱۳۸۲ ضمن بازسازی محوطه راه آهن (سکه قدیم) مسجد سقیا را نیز تعمیر و تنظیف کرد.

موقعیت کنونی آن، داخل محوطه راه آهن؛ یعنی مقابل میدان عنبریه، در جنوب غربی مدینه و کمی بالاتر از مسجد غمامه است. ساختمان قدیمی و متروکه راه آهن دوره عثمانی، که اکنون بازسازی شده، در کنار میدان دیده می‌شود. نمای مسجد سفید و دارای دو گنبد و دری بسیار کوچک و مساحتی حدود ۹ متر مربع دارد که می‌توان در آن نماز گزارد، این مسجد توجه کسی را به خود جلب نکرده و نام و نشانی هم بر آن دیده نمی‌شود. (تصویرهای شماره ۶۳ و ۶۴)

۲/۲. مَغْسَلَه/ بنی دینار: این مسجد از آن طایفه بنی دینار بن نجار، از قبیله خزرج بود. روایت شده که پیامبر (ص) در آن مسجد بسیار نماز گزارده‌اند. (۱) چون این مکان در باغی به نام «مغسله» بود؛ مسجد آن را به این نام خواندند.

سمهودی کتیبه‌ای به خط کوفی در آن جا دیده که بر آن نوشته شده بود: «هذا مسجد رسول الله صلی الله علیه و سلم». مسجد، داخل باغ مذکور، پشت مقر دارالرعايه، کمی بالاتر از میدان عنبریه، در شارع عنبریه (عمر بن خطاب) قرار دارد. در سال‌های اخیر بازسازی شده و در آن نماز اقامه می‌گردد. (تصویر شماره ۶۵)

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۵

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی

۹

۳/۱. الاجابه / مباحله: پیامبر(ص) روزی در مکانی پس از اقامه نماز به مدت طولانی دعا کرده و گفتند: از خداوند چیزهایی برای امتم خواستم که خواسته‌ام را اجابت کرد. بعدها در مکان دعای رسول خدا(ص) مسجدی ساختند که به سبب اجابت دعای پیامبر(ص) به «الاجابه» معروف شد. (۱) نام دیگرش مباحله است.

پیامبر(ص) در همین مکان برای مباحله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حقایق خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور یافتند. در این حادثه مهم و تاریخی، مسیحیان نجران با دیدن آثار روحانی و معنوی و چهره مصمم و صادقانه اهل بیت پیامبر: حاضر به مباحله نشده و به پرداخت جزیه تن دادند. (۲) موقعیت کنونی این مسجد در سمت راست شارع ستین (ملک فیصل کنونی) و کمی بالاتر (۵۰۰ متری) از ضلع شمال شرقی بقیع است. فندق الدخیل در سمت راست و مستشفی الولاده والأطفال نیز در سمت چپ آن خیابان واقع است. در سال ۱۳۷۶ ش. مساحت آن به ۱۰۰۰ متر مربع رسید و گنبد و مناره‌ای هم بر آن ساخته شد. تابلو و نام مسجد به فهدبن عبدالعزیز تغییر یافت که البته در سال ۱۳۸۲ ش. بار دیگر نام آن

۱- (احمد بن حنبل، المسند، ج ۵، ص ۲۴۳؛ رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۱۷).

۲- آیات مباحله در قرآن کریم آمده است: (فَمَنْ حَاجَّكَ ... فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ ...) (آل عمران: ۶۱).

ص: ۱۷۵

به الاجابه برگشت. (تصویر شماره ۶۶)

۳/۲- ابوذر غفاری / سجده: پیامبر (ص) در مکانی به نام صدقه وضو ساخت و پس از نماز، به سجده‌ای طولانی پرداخت. آن‌گاه فرمود:

«جبرئیل به من بشارت داد که هر کس بر من درود و صلوات فرستد، خداوند بر او درود می‌فرستد و کسی که بر من سلام کند، خداوند بر او درود و سلام فرستد و من به خاطر این مسأله سجده شکر کردم.»

مسجدی که بعدها به یاد این واقعه ساختند، به سجده معروف شد و به سبب سکونت ابوذر در آن‌جا، به مسجد ابوذر نیز شهرت یافت. این مسجد داخل خیابان ابوذر، در نزدیکی کمربندی ملک فیصل (سمت شمال شرقی مسجدالنبی (ص)) و حدود ۸۰۰ متری آن است. مسجد ابوذر با ۳۵۰ متر مربع مساحت و با یک مناره و بنای جدید در کنار خیابان دیده می‌شود. (تصویر شماره ۶۷)

ج) منطقه غزوه احزاب و مساجد آن (شمال غربی مدینه)

اشاره

در شوال سال پنجم هجری، مشرکان با همکاری یهود و با تلاش گسترده خود، تمامی طوایف و قبایل موجود در شبه جزیره را بر ضد اسلام و مسلمانان بسیج کردند. چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف مدینه، سپاه شرک را زمین‌گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در

ص: ۱۷۶

پی نداشت و ناگزیر به مکه باز گشتند. (۱) منطقه این نبرد، مقابل کوه «سلع» در شمال غرب مدینه بود. مسیر خندق نیز از نزدیکی مسجد المستراح (در شارع سیدالشهدا) به سوی احد آغاز و به صورت نیم‌دایره‌ای، با عبور از بخشی از کوه سلع، در برابر مساجد سبعة (شارع السیخ) پایان می‌یافت. در این مسیر اکنون حی الخندق (محلّه خندق) واقع و دارای خانه‌هایی بسیار قدیمی است و تابلوی حی الخندق نیز بر آن دیده می‌شود. این محله در کنار کوه سلع است. (تصویر شماره ۶۸)

طول خندق ۲/۵ کیلومتر و عمق آن ۳ متر و عرض آن ۴ متر بوده است. به این صورت نیمی از مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان پناه سپاهیان اسلام و در پشت آنان واقع گردید. (۲) در چند نقطه و دامنه این کوه بعدها به یادبود حضور چند تن از صحابه و نیز دختر رسول الله مساجدی ساختند که به نام هریک از آن صحابه معروف شد. امروزه جز مسجد ابوبکر مساجد مورد نظر، صرف نظر از تغییرات مختصری در فضاهای مجاور، همچنان محفوظ مانده است.

گفتنی است، در سال‌های اخیر کمی پایین‌تر از این شش مسجد،

۱- ابن هشام، همان، ج ۳، صص ۲۳۳-۲۱۴؛ ابن حجر عسقلانی، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ج ۷، صص ۳۲۰-۲۱۴

۲- ابن هشام، همان، ج ۳، ص ۲۲۰؛ در حفر خندق سه هزار مرد شرکت داشتند. هر ده نفر نقطه‌ای را می‌کنند و در نقاط مختلف به طور هم‌زمان، کار خود را آغاز کردند؛ این خندق که در ظرف بیست روز آماده شد، پیامبر ۹ خود بر آن اشراف کامل و همکاری داشته‌اند.

ص: ۱۷۷

مسجدی بسیار بزرگ، با دو مناره و گنبد ساخته‌اند که محتمل است پنج مسجد باقی مانده تخریب شوند. (تصویرهای شماره ۶۹، ۷۰، ۷۱)

۱. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعه)

۱/۱. فتح: این مسجد بر دامنه شمال غربی کوه سلع و در جنوب غربی خندق واقع شده و بر وادی بطحان مشرف است. خداوند- تبارک و تعالی- دعای رسول گرامی را برای پیروزی در جنگ بر فراز این تپه مستجاب ساخت و خبر فتح و پیروزی سپاه اسلام در این محل به آن حضرت رسید. پیامبر(ص) سه روز در این مکان دعا کردند و دعای ایشان مستجاب شد. (۱) دعای پیامبر(ص) چنین بود:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ هَدَيْتَنِي مِنَ الضَّلَالَةِ فَلَا...».

خدایا! تو را سپاس که ما را ره نمودی و هدایت کردی. کسی که تو را کوچک شمارد بزرگ و گرامی نمی‌شود و کسی که گرامی‌ات شمارد خوار نمی‌شود. کسی که تو را خوار کند عزیز نمی‌شود و کسی که عزیزت کند خوار نمی‌گردد. کسی که تو را کوچک شمارد یاری نمی‌شود و ...

از دعاهای دیگر آن حضرت است: «اللَّهُمَّ مُنْزِلَ الْكِتَابِ وَ مُنْشِئَ السَّحَابِ...» (۲) این دعاها هنگامی زمزمه شد که کار بر مسلمانان سخت و مقاومت

۱- رفعت پاشا، مرآة الحرمين، ج ۱، ص ۴۱۶؛ ابن شبهه، همان، ج ۱، ص ۵۸

۲- ای خداوند فرستنده کتاب و پدید آورنده ابرها، آنان را هزیمت ده و ما را بر ایشان پیروز کن!

ص: ۱۷۸

در خندق طولانی گردید. سرانجام مشرکان ناامید باز گشتند و این امر با امدادهای غیبی و تلاش مجاهدان تحقق یافت. پیامبر(ص) در جایی که اکنون صحن است، کنار ستونی نماز خوانده، دعا می فرمودند. (۱) بعضی نیز گفته‌اند: سوره فتح در این مکان بر پیامبر(ص) نازل شد و در روایت دیگری است که آیه (إِنَّ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ...) در این جا نازل شده است و آن را به این سبب «مسجدالفتح» نامیده‌اند.

این مسجد را عمر بن عبدالعزیز (۸۸ ق.) تعمیر کرد و رواقی با سه ستون بر آن نهاد، حکومت عثمانی نیز به عمران و آبادانی آن همت گمارد. (۲) در داخل محراب مسجد فتح، بوی بسیار خوشی به مشام می رسد که همانند این بو در دو نقطه دیگر، یکی در شکاف کوه احد که پیامبر(ص) را برای مداوا در آن جا پنهان ساختند و دیگری در غار حرا استشمام می شود.

۱/۲. سلمان فارسی: مسجد سلمان پس از مسجد فتح و در جنوب آن است. (۳) این مسجد که حدود ۴۰ متر مربع مساحت دارد محل عبادت این صحابه پارسای اسلام بوده است. مسجد سلمان دومین مسجد پس از مسجد فتح است.

۱/۳. علی بن ابی طالب(ع): به روایت سمهودی این مسجد در جنوب مسجد سلمان فارسی بوده و بنای آن، به مرور رو به

۱- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۸۳۲

۲- احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه المنوره قدیماً و حدیثاً، ص ۱۴۵

۳- پیشین، همان جا.

ص: ۱۷۹

تخریب رفت تا این که در قرن دهم تجدید بنا شد. مساحت این مسجد ۳۵ متر بوده است. (۱) موقعیت مشهور امروزی آن با گفته سمهودی مطابقت ندارد؛ زیرا مسجد علی(ع) امروزه آن مسجدی است که کمی بالاتر از مسجد فاطمه ۳ بر روی بلندی قرار دارد و با پله‌هایی به آن راه می‌یابند که البته به سبب ساخت مسجد جدید امکان حضور در آن مسجد نیست و جلو آن را زده زده‌اند. سمهودی این مسجد را مسجد ابوبکر و مسجد معروف ابوبکر را مسجد علی(ع) می‌داند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد علی(ع) در سال ۱۳۸۰ ش تخریب شده است و اگر اشتهاار امروزی صحیح باشد، مسجد ابوبکر را خراب کرده‌اند. (۲) ۱/۴. ابوبکر بن ابی قحافه: این مسجد، پس از مسجد سلمان و در جنوب آن قرار داشته که سومین مسجد از سمت مسجد فتح است. سمهودی آن را مسجد علی(ع) دانسته است ولی امروزه به ابوبکر معروف است. در سال ۱۳۸۰ ش این مسجد تخریب و اکنون اتوبوس‌های زائران در آن جا توقف می‌کنند. اگر گفته سمهودی صحیح باشد، مسجد ابوبکر آن مسجدی است که در انتهای مساجد سبعه بر روی بلندی قرار گرفته است.

۱/۵. عمر بن خطاب: مسجد عمر بن خطاب در مجاورت مسجد

۱- سمهودی، همان، ج ۲، صص ۸۳۶ و ۸۳۷

۲- پیشین، همان‌جا.

ص: ۱۸۰

ابوبکر به سمت جنوب و چهارمین مسجد است.

۱/۶. فاطمه ۳: در مغرب مسجد علی (ع)، به یاد دختر گرامی پیامبر (ص) مسجدی کوچک و بدون سقف ساخته‌اند. حضرت فاطمه ۳ هنگام جنگ خندق در این مکان برای پدر و همسرشان علی (ع) غذا و نان تهیه می‌کردند. این مسجد پایین‌ترین مساجد این منطقه و کنار خیابان اصلی قرار دارد. در سال‌های قبل مؤمنان به اهل بیت و دوستان فاطمه ۳ در آن نماز می‌گزاردند. اما چند سالی است که در آن را با بتون و آجر بسته‌اند.

۱/۷. ذوقبلیتین: پیامبر (ص) در شانزدهمین یا هفدهمین ماه از هجرت، در میان قبیله بنی سلمه و مسجد آنان به نماز ایستاد. آن حضرت، به ویژه شب‌ها از خداوند می‌خواستند تا مسلمانان را از سرزنش یهودیان برهانند. به روایتی، در روز دوشنبه، نیمه ماه رجب، میان نماز ظهر، آیات تغییر قبله بر پیامبر (ص) نازل شد:

(قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ...). (۱)

پیامبر خدا، هنگام نزول این آیات، در حالی که دو رکعت از نماز

۱- بقره: ۱۴۴. «ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله) بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که به آن خشنود شوی بگردانیم. پس شما مسلمانان هر جا که باشید، در نماز رو به طرف مسجد الحرام کنید. گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست، نه به دلخواه کسی و خدا غافل از کردار آنان نیست.»

ص: ۱۸۱

ظهر را خوانده بودند، به صورت نیم دایره برگشتند و رو به سمت جنوب غربی کردند. لذا مردان در مکان زنان؛ یعنی صفوف عقب و زنان در مکان مردان، یعنی صفوف جلو واقع شدند و همراه پیامبر (ص) دو رکعت نماز باقیمانده ظهر را به سوی مسجدالحرام به صورت فرادی اقامه کردند. به سبب نزول این آیات، آن مسجد به ذوقبلتین مشهور شد؛ (۱) زیرا یک نماز را به دو قبله خواندند. خیر نزول آیات تغییر قبله، که باعث خشنودی مسلمانان شده بود، به مسجد قبا و مسجد النبی (ص) و دیگر مساجد رسید و مسلمانان نماز عصر را رو به سوی مسجدالحرام اقامه کردند.

مسجد ذوقبلتین در شمال غربی مدینه و غرب مساجد سبعة (کوه سلع) قرار دارد. این مسجد در چندین نوبت بازسازی شده است. محراب سمت بیت المقدس در سمت راست ورودی مسجد بوده که قبلاً سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجا که زائران آن را مسح و لمس می کردند، در سال ۱۳۹۸ ق. آن سنگ را برداشتند و آیات تغییر قبله را با خطوطی زرین بر دیوار شمالی نگاشتند که البته در سال‌های اخیر آن را نیز محو کرده‌اند. مساحت مسجد اکنون ۳۹۲۰ متر مربع است که دو گنبد بزرگ نیز بر آن استوار گشته است. (تصویر شماره ۷۲)

۲. مساجد دیگر منطقه احزاب

۱- ابن شیه، همان، ج ۱، ص ۶۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، صص ۳۶۰-۳۵۷

ص: ۱۸۲

دو مسجد دیگر به نام‌های (الرایه) و بنی حرام کبیر در شارع سلطانه (ابوبکر) و شارع السیح در منطقه خندق وجود دارد که نمازگاه رسول خدا (ص) بوده است.

د) منطقه احد و مساجد پیرامون آن

۱. المستراح (محل استراحت)

پیامبر (ص) هنگام بازگشت از نبرد احد، در میان راه، از سختی و رنجی که جنگ و راه طولانی بر ایشان عارض ساخته بود، در مکانی به استراحت نشستند. (۱) در آن مکان مسجدی ساختند (۲) که می‌توان از شارع سیدالشهدا (راه قدیمی احد)، که اکنون از زیر گذر تقاطع شارع فیصل می‌گذرد، به آن راه یافت. پس از حدود دو کیلومتر از ابتدای تقاطع یاد شده این مسجد در کنار خیابان قرار دارد و بنای آن در دوران اخیر (۱۴۱۱ ق.) بازسازی و توسعه یافته است. امروزه در این مکان نماز جماعت برپا می‌شود و رونق دارد. گفتنی است این جا موقعیت خاص استراتژیکی داشته و خندق معروف از این جا آغاز شده که منازل بنو حارثه بوده است. (تصویر شماره ۷۳)

۲. الدرع / الشیخان

ابن شبه روایت کرده است که پیامبر (ص) هنگام عزیمت به سوی احد در

۱- احمد یاسین الخیاری، همان، ص ۱۳۲

۲- ر. ک. به: نقشه غزوه احد در ص ۳۰۱ از همین کتاب.

ص: ۱۸۳

شیخان بیتوته کرده و نماز عصر و عشا و نماز صبح قبل از روز جنگ را در این مکان خوانده‌اند. آن را بدین سبب شیخان نامیده‌اند که در کنار منزل دو پیرمرد و پیر زن یهودی بوده است. وجه تسمیه آن به «الدَّرْع» چنین است که آن حضرت هنگام بیتوته و اقامه نماز زره خود را از تن درآورده و در آن جا نهاده بودند. (۱) مسجدی که در مکان آن ساخته‌اند حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از المستراح؛ یعنی در جانب چپ کسی است که به سوی کوه و مقابر شهدای احد، در شارع الشهداء می‌رود. اطراف آن نیز مطابخ یا آشپزخانه‌های بزرگی قرار دارد. امروزه در این مسجد، اقامه می‌شود. (تصویر شماره ۷۴)

۳. عَيْنَيْن

بر سمت شرقی «جبل الزُّمَاه» یا «جبل عَيْنَيْن» در محل و سنگر تیراندازان سپاه اسلام، در جنگ احد، مسجدی ساخته شد که (روی تپه) جز پایه‌های چند سانتی متری آن، چیزی باقی نمانده است. (۲)

۴. جبل احد / الفُشج

پیامبر (ص) نماز ظهر و عصر روز نبرد احد را در این مکان، که به کوه چسبیده بود، اقامه کردند. (۳) چون صحابه از فرط خستگی به صورت

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۶۶

۲- ر. ک. به: مقبره شهدای احد و همچنین فصل «کوه‌های مدینه» از همین کتاب.

۳- سمهودی، همان ۳/ ۸۴۸؛ الصاعدي و مطر المحمدي، احد، الاثار، المعرکه، التحقيقات ص ۲۹.

ص: ۱۸۴

راحت بر روی جایی نشستند و فضا را برای دیگر مسلمانان باز نمی کردند، آیه فَسَحْ، در سوره مجادله (۱) نازل گردید. بعدها به یاد آن واقعه، مسجدی ساختند که به مسجد الفسح یا مسجد جبل احد معروف شد. مکان آن، که اکنون جز چند سانتی متر از دیوارهای مخروبه چیزی از آن باقی نمانده، در دامنه کوه احد، کنار منازل مسکونی پایه کوه، و نزدیک غاری است که پیامبر(ص) را برای مداوای جراحت خود در آن پنهان ساختند. (۲) (تصویر شماره ۷۵) در منطقه احد، کمی بالاتر از مسجد شیخان و المستراح، مسجد بنو حارثه قرار داشته که اکنون در داخل پادگان نظامی است و نیز مسجدی در محل شکسته شدن دندان رسول خدا(ص) (قبه الثنایا) و کمی پایین تر از قبور شهدای احد که تخریب شده است.

ه منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن

اشاره

یهودیان بنی قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی نضیر در نزدیکی آن‌ها جایی که امروزه شارع قربان یا امیر محسن است ساکن بودند. معیشت اصلی بنی نضیر کشاورزی و نخل کاری بوده که اکنون نیز نخلستان‌های آن منطقه موجود و آبادان است و بنی قریظه نیز به کار تجارت اشتغال داشتند. این دو منطقه جزو بهترین و آبادترین مناطق مدینه

۱- (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ ...).

۲- ر. ک. به: نقشه غزوه احد در کتاب حاضر.

ص: ۱۸۵

بود. از قلعه‌های بنی‌نضیر امروزه تنها دیواره‌ها و بقایای برخی که ظاهراً در دوران‌های بعد بازسازی و سپس رو به تخریب رفته‌اند، در کنار شارع قربان بر جای مانده و منطقه وسیعی را در دو سوی خیابان اشغال کرده‌اند. نخلستان‌های زیادی در اطراف شارع قربان و پیرامون قلعه‌های مستحکم بنی‌نضیر وجود دارند که همان نخلستان‌های معروف بنی‌نضیر هستند. پیامبر(ص) پس از محاصره این دو قبیله و انجام غزوه‌هایی که به نام آن دو قبیله معروف است، به علت پیمان‌شکنی، آنان را از مدینه اخراج کرد. امروزه منطقه کوچک بنی‌قریظه و آثار موجود از قلعه‌ها و حصارهای آنان نشان می‌دهد که نباید بنی‌قریظه چندان جمعیت زیادی در آن دوران داشته باشند. در هر حال، به هنگام محاصره آنان، پیامبر(ص) در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند. (تصویرهای شماره ۷۶ و ۷۷)

۱. مسجد بنی قریظه

پیامبر(ص) هنگام محاصره بنی‌قریظه در مکانی نماز خواندند. (۱) در مکان نماز ایشان مسجدی ساختند که به سبب این غزوه، به بنو قریظه معروف شد.

این مسجد یک بار در دوره عثمانی و بار دیگر در دوره سعودی بازسازی شد. اما در سال ۱۳۸۰ ش. کاملاً آن را تخریب کردند. مکان آن بالاتر از مشربه امّ ابراهیم در عوالی است. این مسجد اشتهاً ردالشمس یا

۱- الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۱۰۴

ص: ۱۸۶

فضیخ مشهور شده است. (تصویر شماره ۷۸)

۲. مشربه امّ ابراهیم

روایت کرده‌اند که پیامبر خدا(ص) در مشربه یا باغ امّ ابراهیم نماز گزارند. در این مکان، ماریه قبطیه، همسر گرامی آن حضرت، ابراهیم را به دنیا آورد. در کنار مشربه مورد نظر، که در منطقه «العوالی» و میان «نخیلات بنی قاسم» (برادران امام حسن عسکری(ع)) قرار داشته، مقبره اهالی منطقه نیز بوده است. (۱) لذا بنا بر قولی نجمه خاتون مادر امام رضا(ع) نیز در این مکان دفن شده است. مخروبه این مشربه، که تنها دارای یک چهار دیواری و یک درِ قفل شده است، در انتهای خیابان العوالی و سمت چپ کسی قرار دارد که از مستشفی الزهرا به سوی مستشفی الوطنی می‌رود. (تصویر شماره ۷۹)

۳. فضیخ / رد الشمس / بنی نضیر

فضیخ، در لغت به معنای «عصیر العنب»؛ (شراب انگور) است و بعضی نیز به شیر خرم گفته‌اند. آیات تحریم قطعی شراب در همین مکان نازل شد. پیامبر(ص) در مدت شش شبانه‌روزی که بنی نضیر را در محاصره داشتند، در این مکان به نماز و عبادت ایستادند. (۲) به سبب همین غزوه، این مسجد

۱- سمهودی، همان، ج ۳، صص ۸۲۵ و ۸۲۶

۲- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶۹؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۶، ص ۱۸۷؛ رفعت پاشا، همان، ج ۱، ص ۴۱۸

ص: ۱۸۷

به بنی‌نضیر نیز معروف است. اما نام دیگر آن ردّالشمس، به سبب حادثه‌ای است که راویان و مورّخان شیعه و سنی دربرگشت خورشید برای امام علی (ص) نقل کرده‌اند. (۱) اما برخی از پژوهشگران آثار مدینه، این مسجد را «شمس» ثبت کرده‌اند، نه «ردّالشمس» و گفته‌اند چون نور خورشید در زمان طلوع به این مسجد می‌تابیده، آن را شمس نامیده‌اند و این گفته جز برای محو یا رد کردن واقعه ردالشمس نیست. (۲) این مسجد در جنوب شرقی مسجد قبا، حدود یک کیلومتری آن و در محله معروف قربان، که خیابانی هم به این نام در آن جا وجود دارد، در کنار وادی مزینب ساخته شده که اکنون جز یک چهاردیواری از آن نمانده است. (۳) گفتمنی است، معمولاً زائران ایرانی، به گمان آن که مسجدی که بالاتر از مشربه امّ ابراهیم، در عوالی است، همان مسجد فضیخ یا ردّالشمس است، به زیارت آن می‌روند، در حالی که آن مسجد جز مسجد بنی‌قریظه نیست و البته در سال‌های گذشته نیز تخریب شده

۱- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۸۲۲؛ این حدیث را بسیاری از منابع اهل سنت نیز نقل کرده‌اند؛ از جمله ماوردی در اعلام النبوه (ص ۷۹)؛ بیهقی در دلائل النبوه و نیز خصائص الکبری (ج ۲، ص ۱۸۳)؛ ابن‌سبع در شفاء الصدور؛ سیوطی در جمع الجوامع (ج ۵، ص ۲۷۷)؛ ابن‌حجر عسقلانی در فتح الباری بشرح صحیح البخاری (ج ۲، ص ۱۶۸)؛ گنجی شافعی در کفایه الطالب فی مناقب آل ابی‌طالب (ص ۲۳۷)؛ ابن‌حجر در الصواعق المحرقة (ص ۷۶).

۲- احمد یاسین الخیاری، همان، ج ۱۲۵

۳- همان‌جا: الیاس عبدالغنی، تاریخ المدینه المنوره، ص ۷۲

ص: ۱۸۸

است.

مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه

۱. مسجد شجره / ذوالخُلیفه (آبار علی (ع))

این مسجد، که امروزه به نام‌های «شجره»؛ «ذوالخُلیفه» و «ایبار علی» مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و به عنوان یکی از میقات‌ها و مساجد احرام از اهمیت به سزایی برخوردار است. وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

الف. شجره؛ از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر(ص) در آن جا، کنار درختی فرود آمد و احرام بست. (۱) ب. احرام؛ به سبب آن که حاجیان برای تشریف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

ج. ذوالخُلیفه؛ «خُلیفه» نام آبی است در این منطقه، که پیامبر خدا(ص) دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند. (۲) د. ایبار علی(ع): از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی(ع) برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کردند و ایبار نیز جمع «بئر» یعنی چاه است. فیروزآبادی که در قرن هشتم آن را توصیف کرده،

۱- فیروزآبادی، المغانم المطابه فی معالم طابه، ص ۱۹۹؛ بخاری، صحیح، [کتاب الصَّلاه]، ص ۳۲۲، حدیث ۴۴۱

۲- فیروزآبادی، همان، ص ۱۱۹

ص: ۱۸۹

گوید: این مسجد جز به نام «ایبار علی (ع)» شناخته نیست. (۱) پیامبر خدا (ص) سه بار در این مکان مُحرم شده‌اند: ۱. هنگام صلح حدیبیه (سال ششم هجری)؛ ۲. عمره ناشده (سال هفتم هجری)؛ ۳. حَجَّه‌الوداع (سال دهم هجری). (۲) زین الدین الاستدار، در سال ۹۶۱ ق. بنای مسجد را بازسازی کرد و در پیرامون آن دیواری بزرگ ساخت که تا پایان دوره عثمانی هم‌چنان پا بر جا بود. طول این مسجد، از جنوب تا شمال، (۶۵ / ۲۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است. (۳) در دوران فهدبن عبدالعزیز به گونه بسیار زیبایی بازسازی شد. اکنون مساحت آن به ۲۶۰۰۰ مترمربع رسیده که ۱۰ هزار نمازگزار در آن جای می‌گیرند. (تصویرهای شماره ۸۰ و ۸۱)

۲. منطقه خیبر

خیبر نام یکی از هفت قلعه‌ای است که به یهودیان تعلق داشته و در غزوه‌ای به همین نام فتح شده است. منطقه خیبر در ۱۴۰ کیلومتری شمال شرقی مدینه واقع است. فدک با آن ده کیلومتر فاصله دارد. (تصویر شماره ۸۲)

۱- پیشین، همان، ج ۸۲؛ علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه، صص ۱۶-۸

۲- ابن هشام، سیره النبویه ۹، ج ۳، صص ۳۵۵ و ۴۲۴؛ ابن قتیبه، المعارف، ص ۷۰؛ ابن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، صص ۸۷ و ۱۲۴ و ج ۲، ص ۱۷۲

۳- سمهودی، همان، ج ۳، ص ۱۰۰۲

ص: ۱۹۰

۳. منطقه فدک

فدک تا مدینه ۱۳۰ کیلومتر و تا خیبر حدود ده کیلومتر فاصله دارد. امروزه این سرزمین، آباد نیست اما آب گوارایی دارد که بسته‌بندی شده و در سرتاسر عربستان عرضه می‌شود. بر این بطری‌ها این عبارت دیده می‌شود: «ماء لوادی فاطمه ۳». (تصویر شماره ۸۳)

۴. زیارتگاه ینبوع

ینبوع یا ینبوع در غرب مدینه (در ساحل دریای سرخ) و ۲۱۳ کیلومتری مکه واقع شده و امروزه به عنوان یک شهر بندری، از رونقی برخوردار است. از آن‌جا که این قریه چشمه‌ها و آب‌های فراوانی داشته، به این نام شهرت یافته است. (۱) هنگامی که پیامبر (ص) غنایم جنگی را میان مجاهدان تقسیم می‌کردند، این مکان سهم امام علی (ع) شد و آن حضرت با کندن چاه‌هایی به ایجاد نخلستان پرداختند و در آمد آن را به یتیمان و مستمندان بنی‌هاشم اختصاص دادند. ایشان تا پیش از خلافت، عمدتاً در این مکان سکونت یافته و به کار مشغول بوده‌اند. در آن مکان مسجدی ساختند که به گفته ابن رشید، پیامبر (ص) در مکان آن نماز گزارده بودند. (۲) امروزه در ینبوع، که یکی از زیارتگاه‌های فراموش شده است، چند تن از فرزندان ائمه و سادات جلیل‌القدر در آن‌جا به خاک سپرده شده‌اند. معروف‌ترین آنان عبارت‌اند از:

۱- «ینبوع» یا «ینبوع» از فعل مضارع گرفته شده تا کثرت چاه‌های آب آن را بیان کند.

۲- ابن رشید فهری، ملء العیبه بما جمع بطول الغیبه، صص ۲۷۸ و ۲۷۹

ص: ۱۹۱

۱. عمرالاطرف؛ آخرین فرزند امام علی(ع) و فردی بسیار با تقوا و زاهد بوده است.

۲. علی اصغر؛ کوچک‌ترین فرزند امام سجاد(ع).

۳. احمد بن علی بن علی بن محمد بن عون بن محمد حنفیه.

ص: ۱۹۲

خلاصه درس

مورخان در مورد نخستین ساکنان یثرب پس از طوفان نوح(ع)، اختلاف کرده‌اند.

یهودیان بارها در طول تاریخ به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند. علمای یهود توصیف پیامبر خدا(ص) در تورات رادیده بودند، لذا در جستجوی این نشانی‌ها با اشتیاق تمام به این سرزمین رو آوردند. هنگامی که این نشانی‌ها را در یثرب یافتند، در آنجا ساکن شدند. قبایل یهود که به یثرب آمدند، ۲۵ قبیله بودند. آنان شهر را به این صورت میان خود تقسیم کردند:

۱. قبایل بنی‌قریظه و بنی‌نضیر؛ آنان در «عالیه» فرود آمدند.

۲. قبایل بنی‌قینقاع؛ در منطقه «الصاغه» فرود آمدند.

جز یهودیان اعراب جنوبی یا قحطانی، که همان یمنی‌های مهاجر باشند، نیز در مدینه ساکن شدند آنان برخلاف اعراب عدنانی یا ساکنان مکه، دارای تمدن و شهرنشینی بودند. از میان اعراب یمنی که در یثرب ساکن شدند، دو طایفه نیرومند اوس و خزرج، که بعدها پیامبر(ص) آنان را «انصار» نامید، با یهود بنی‌قریظه و بنی‌نضیر پیمان‌هایی بستند. اوس و خزرج، همواره برای تسلط بر شهر یثرب با یکدیگر رقابت می‌کردند.

برای مدینه نام‌هایی نیز در قرآن آمده است؛ از جمله: المدینه، مدخل صدق، دارالایمان، ارض‌الله.

از پیامبر خدا(ص) روایات بسیاری در فضیلت مدینه نقل شده است. آن حضرت این شهر را، هم‌چون مکه، حرم قرار داد و صید و شکار حیوانات، کندن درختان، ریختن خون و ... را در آن حرام کرد.

ص: ۱۹۳

یکی از مناطق مهم مدینه قبا است. این قریه در دو کیلومتری جنوب مدینه قرار دارد.

پیامبر(ص) وقتی به این جا وارد شدند زمینی را خریدند و بنای مسجد قبا را آغاز کردند. در فضیلت مسجد قبا روایات زیادی وجود دارد. از جمله این که: دو رکعت نماز در مسجد قبا برابر با یک عمره است. پیامبر(ص) وقتی از قبا به سوی مدینه می‌رفتند، میان قبیله «بنی سالم بن عوف» در مسجد آنان نماز جمعه خواندند. به گفته ابن اسحاق، این اولین نماز جمعه‌ای بود که در مدینه اقامه شد و بعدها به مسجد جمعه معروف گردید.

مساجد پیرامونی مسجدالنبی(ص)

۱. مساجد مصلاً و نمازگاه‌های پیامبر(ص) در اعیاد اسلامی (جنوب غربی مسجدالنبی) آن حضرت پس از ورود به مدینه، نماز اعیاد فطر و قربان را در جنوب غربی مسجدالنبی(ص)، در منطقه مناخه اقامه می‌کردند.

۲. مساجد جنوب غربی مسجدالنبی(ص): سُقیّا و مَغْسَلَه.

۳. مساجد شرق و شمال شرق مسجدالنبی(ص): الاجابَه / مباحله پیامبر(ص) در همین مکان برای مباحله با مسیحیان نجران و به منظور آشکار ساختن حَقّانیت خود و دین اسلام، همراه اهل بیت؛ یعنی علی، فاطمه، حسن و حسین: حضور یافتند.

منطقه غزوه احزاب و مساجد آن(شمال غربی مدینه)

چون در این جنگ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند، آن را «غزوه احزاب» نامیدند. پیشنهاد سلمان فارسی و کندن خندق در اطراف

ص: ۱۹۴

مدینه، سپاه شرک را زمین گیر کرد و محاصره مدینه برای کفار، جز از دست دادن بزرگان و پهلوانان آنان نتیجه‌ای در پی نداشت و ناگزیر به مکه بازگشتند. به یاد حضور برخی از صحابه، مساجدی در آنجا ساختند که به نام هریک از آنان معروف شد. مسجدهای هفتگانه (مساجد سبعة): عبارتند از فتح، سلمان فارسی، علی بن ابی طالب (ع)، فاطمه ۳، ابوبکر بن ابی قحافه، عمر بن خطاب و مسجدی نیز کمی آن طرف تر به سبب نزول آیات تغییر قبله که به ذوقبتین معروف شد. منطقه احد و مساجد پیرامون آن عبارتند از: ۱. المستراح (محل استراحت)؛ ۲. الدرع / الشیخان؛ ۳. عینین. منطقه غزوه بنی قریظه، بنی نضیر و مساجد آن

یهودیان بنی قریظه در جنوب شرقی مدینه، جایی که امروز شارع العوالی است و یهودیان بنی نضیر در نزدیکی آنها که اکنون خیابان قربان یا امیر محسن است ساکن بودند. به هنگام محاصره آنان، پیامبر (ص) در برخی نقاط نماز گزارده و یا مستقر شده‌اند که در آن مکان‌ها مساجدی ساخته‌اند:

۱. مسجد بنی قریظه؛ ۲. مشربه ام ابراهیم؛ ۳. فضیخ / رد الشمس.

مساجد و مناطق تاریخی اطراف مدینه

۱. مسجد شجره / ذوالحلیفه (آبار علی (ع)): وجه تسمیه آن به نام‌های فوق چنین است:

الف. شجره؛ از آن رو آن را چنین خوانند که پیامبر (ص) در آنجا، کنار

ص: ۱۹۵

درختی فرود آمد و احرام بست.

ب. احرام؛ به سبب آن که حاجیان برای تشریف به حج، در این مسجد احرام می‌بندند.

ج. ذوالحلیفه؛ «حلیفه» نام آبی است در آن منطقه که پیامبر خدا(ص) دوست داشتند برای بستن احرام، کنار درختی در این محل فرود آیند.

د. ابیار علی(ع): از آن جهت به این نام شهرت یافت که حضرت علی(ع) برای آبیاری نخلستان‌ها، چاه‌های فراوانی در این منطقه کردند.

۲. منطقه فدک؛ ۳. منطقه خیبر؛ ۴. زیارتگاه ینوع.

خودآزمایی

۱. سیر شکل‌گیری شهر یرب را توضیح دهید.
۲. فضایل شهر مدینه را بیان کنید.
۳. مقدمات هجرت پیامبر به مدینه را توضیح دهید.
۴. مساجدی که در منطقه قبا وجود دارد را نام برده و نحوه شکل‌گیری هر یک را شرح دهید.
۵. مساجدی که اطراف مسجد النبی هستند را نام ببرید.
۶. ویژگی‌ها و آثار منطقه غزوه احزاب را برشمرید.
۷. مساجد پیرامون منطقه احد کدام‌اند و علت پیدایش آن‌ها چیست؟
۸. مسجد ذوقبلتین به دنبال چه حادثه‌ای به این نام مشهور شد؟
۹. اسامی که برای مسجد شجره عنوان شده را نام ببرید و وجه تسمیه آن‌ها را بنویسید.

ص: ۱۹۶

درس ششم مسجد النبی (ص) و آثار آن (از ابتدا تا عصر حاضر)**اشاره**

اهداف آموزشی

انتظار می رود با مطالعه این درس:

- با نحوه و چگونگی احداث مسجد النبی (ص) آشنا شویم.
- از سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی از ابتدا تا عصر حاضر مطلع شویم.
- ستون‌های اصلی، روضه النبی، منبر و محراب‌ها و ایوان صفا و سایر آثار آن را بشناسیم.
- با حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی وجود دارد آشنا شویم.
- موقعیت خانه و محل دفن رسول خدا (ص) را بدانیم.
- با روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه ۳ وجود دارد آشنا شویم.

مدخل**اشاره**

ص: ۱۹۷

آشنایی با نخستین مسجد در اسلام که به دست رسول خدا(ص) در شهر یثرب ساخته شد و پایگاه عبادی و سیاسی مسلمانان گردیده می‌تواند بیانگر اهمیت آن در طول تاریخ و ازمنه باشد. آثار و اماکن متبرک و مقدس این مسجد نشان از سیر حوادث تأثیرگذار در تاریخ اسلام دارد. زائران و نمازگزاران در این مسجد که نمازگزاردن در آن برابر با هزار نماز در مساجد دیگر است با شناخت این مکان مقدس و آثار آن می‌توانند خود را در دل تاریخ و کنار رسول خدا(ص) حس کنند. لذا در این فصل مسجدالنبی در گذر تاریخ و آثار آن برای تحقق این امر تشریح می‌گردند.

الف) مسجدالنبی (ص) در گذر تاریخ

پیامبر(ص) از روز دوشنبه، دوازدهم ربیع‌الأول تا روز جمعه شانزدهم همان ماه، در قریه قبا ماندند و پس از پایان بنای مسجد و رسیدن امام علی(ع) و دخترشان فاطمه ۳، رهسپار مدینه شدند. (۱) در این مسافت کوتاه تا داخل شهر، با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ‌گویی به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش(القصوه) فرمود:

۱- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۴؛ بعضی گفته‌اند در قبا چهارده شب مانده‌اند. (بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۱۰۶).

ص: ۱۹۸

«خَلُّوا سَبِيلَهَا فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ». (۱)

راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است.

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابویوب انصاری» زانو زد و این سعادت بزرگ نصیب این مرد الهی شد که پذیرای خاتم پیامبران گردد. زمینی را که شتر در آن زانو زد، متصل به خانه ابو ایوب انصاری بود و از آن به عنوان «مرید»؛ (محل خشکانیدن خرما) استفاده می‌شد و متعلق به دو یتیم از قبیله بنی‌نجار، به نام‌های سهل و سهیل فرزندان عمرو بود. این دو، در پناه و حمایت معاذ بن عفرآ قرار داشتند. (۲) آن حضرت این زمین را به رغم اصرار صاحبان آن، که می‌خواستند از جان و دل بر پیامبر (ص) هبه کنند، به ده دینار خریدند. (۳) این مسجد که ساخت آن تقریباً هفت ماه طول کشید، از نهایت سادگی و پیراستگی برخوردار بود.

مساحت اولیه آن را $۷۰ * ۶۰$ ذراع (۴) / ۴۲۰۰ ذراع (برابر با ۷۴ / ۱۰۲۱ متر) و ارتفاع دیوارهای آن را پنج ذراع نوشته‌اند که آن حضرت با کمک مهاجران و انصار، در نخستین روزهای هجرت به احداث آن

۱- ابن هشام، همان جا، سمهودی، همان، ج ۱، صص ۲۵۶ و ۲۵۷؛ ابن قیم جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ج ۲، ص ۱۴۳

۲- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۵؛ ابن نجار، اخبار مدینه الرسول، ص ۲۵؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ بیهقی، دلائل النبوه، ج ۲، ص ۱۸۷

۳- ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۳۹

۴- هر ذراع را برابر با $۴۹ / ۳۳$ سانتی‌متر (ذرع هاشمی) محاسبه کرده‌ایم.

ص: ۱۹۹

پرداختند.

تلاش پیامبر(ص) در این مورد، باعث می‌شد تا همه صحابه، به‌طور فعال در ساخت آن مشارکت کنند. یکی از انصار چنین خواند:

لَئِنْ قَعَدْنَا وَ النَّبِيُّ يَعْمَلُ لَذَاكَ مِمَّا الْعَمَلُ الْمُضَلَّلُ (۱) اگر ما بنشینیم و پیامبر(ص) کار کند، برای ما امری خطا و ناصواب است.

هنگامی که دیوارها را بالا می‌بردند، پیامبر(ص) در یاداش زحمات اصحاب چنین سرودند:

لَا عَيْشَ إِلَّا عَيْشُ الْآخِرَةِ اللَّهُمَّ ارْحَمِ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ (۲) در این میان، عمار از همه بیشتر کار می‌کرد و برخی اصحاب نیز بار خود را بر دوش او می‌گذاشتند؛ لذا عمار از روی مزاح به پیامبر(ص) گفت: یا رسول الله، اینان مرا کشتند؛ بر گرده من باری می‌نهند که خود آن را حمل نمی‌کنند؛ پیامبر(ص) خطاب به وی فرمود:

«یا عمار! أَنْمَا تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ». (۳)

ای عمار، همانا تو را گروهی یاغی و ستمکار می‌کشند.

به روایت بخاری، پیامبر(ص) فرمودند:

۱- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۶؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۴

۲- ابن هشام، همان‌جا؛ ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۵؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰ با عبارت: «فَأَغْفِرَ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ»؛ بخاری در صحیح خود چنین آورده است. «اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرِ الْآخِرَةِ، فَأَغْفِرِ الْأَنْصَارَ وَالْمُهَاجِرَةَ» (صحیح، جزء اول، کتاب الصلوة، حدیث، ص ۲۹۲-۲۹۲).

۳- ابن هشام، همان، ج ۱، ص ۴۹۷؛ متقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۳۷

ص: ۲۰۰

«عمار آنان را به بهشت فرا می‌خواند و ایشان او را به آتش دعوت می‌کنند.» (۱) اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند. بعضی از آن حضرت پرسیدند: آن را مسقف نکنیم؟ پیامبر (ص) فرمود: خیر، سایه‌بانی می‌خواهم چون عریش (سایبان) موسی. پس از آن، مکانی برای نماز پیامبر (ص) به سمت بیت المقدس مشخص کردند. آن گاه برای مسجد سه در قرار دادند؛ دری در آخر مسجد، در دیگری که به آن «باب الرّحمة» و «باب عاتکه» می‌گفتند و دری که بعدها باب جبرئیل (ع) نام گرفت. کنار مسجد نیز اتاق‌هایی برای پیامبر (ص) ساختند و آن حضرت با عایشه و سوده در آن ساکن شدند. از خانه نیز دری به مسجد گشودند. (۲) آن گاه هر یک از اصحاب، خانه‌ای کنار مسجد ساختند و دری به داخل آن باز کردند که راه ورود آنان به مسجد بود. پس از اندک زمانی؛ یعنی قبل از جنگ احد، پیامبر (ص) به بستن درها، به جز در خانه علی (ع) امر فرمودند: «أَمَرَ بَسِيْدَ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابُ عَلِيٍّ» لذا تمام درهایی که به مسجد باز می‌شد، جز آن در، مسدود شد.

مسجد پیامبر (ص)، از آغاز بنا و احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. آن حضرت در نخستین روزهای پایانی بنای این مکان مقدّس، خطبه‌های غزا و کوبنده‌ای علیه کفر و شرک ایراد فرمودند و سپس در طول یازده سال از هجرت پربرکت خود، به منظور

۱- بخاری، صحیح [جزء اول، کتاب الصلوه حدیث ۴۰۸] ص ۳۰۲

۲- ابن قیم جوزی، همان، ج ۲، ص ۱۴۶؛ ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۲۴۰

ص: ۲۰۱

رشد و تعالی مسلمانان در سایه مکتب انسان‌ساز اسلام، خطبه‌های دیگری خواندند. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر(ص) بحث و بررسی می‌شد.

دومین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاه یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

از جمله رویدادهای مهم دیگر، که مسجدالنبی(ص) در آن سال‌ها شاهد بود، اعلان بسیج عمومی برای دفاع از اسلام و پاسخ‌گویی به آزار و ایذا و ظلم و ستم وارده از سوی مشرکان بود.

در همین مسجد «وفود»؛ (گروه‌ها) برای پذیرش اسلام به حضور پیامبر(ص) می‌رسیدند و ده‌ها حادثه دیگر که ذکر آن‌ها در گنجایش این مختصر نیست.

ب) آثار تاریخی و مقدس مسجدالنبی (ص)

۱. ستون‌های مسجدالنبی

(ص)

به هنگام بنای مسجد، ابتدا ستون‌هایی از نخل خرما برافراشتند و سقف را با شاخه‌های نخل بر روی آن‌ها قرار دادند. ستون‌ها در بنای نخست، هشت عدد بود که هر یک نامی مخصوص داشت و امروزه با همان نام‌ها باقی مانده‌اند. هر یک از آن‌ها سابقه‌ای به بلندای تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام دارند و یادآور حوادث و رخداد‌های مهمی هستند. این ستون‌ها که در داخل روضه‌النبی(ص) واقع شده‌اند،

ص: ۲۰۲

عبارت‌اند از:

۱ / ۱. ستون مُخَلَّقَه: این ستون یادآور نماز گاه پیامبر (ص) و نزدیک‌ترین ستون‌ها به محل نماز آن حضرت است. اکنون ستون مورد نظر، کمی جلوتر از محل اصلی است (۱) و بالای آن نیز بر دایره‌ای سبز و طلایی، این نام دیده می‌شود. نامگذاری آن به سبب عطر و خلوقی است که بر آن می‌سوزاندند تا فضای مسجد را عطر آگین کند.

۱ / ۲. استوانه عایشه: نام‌های دیگرش «مهاجران» و «القرعه» است. اکنون بالای آن نام اسطوانه العائشه دیده می‌شود. سبب نامگذاری آن به این نام‌ها چنین است:

وجه تسمیه آن به «عایشه» و «مهاجران» این است که عایشه، در فضل این ستون احادیثی روایت کرده و لذا مهاجران گرداگرد آن می‌نشستند و نماز می‌خواندند.

«قرعه» (۲) به آن سبب که پیامبر خدا (ص) فرموده‌اند: «در مسجد من مکانی است نزدیک این ستون که اگر مردم فضیلت آن را می‌دانستند، کنار آن نماز نمی‌خواندند، مگر آن که میان خود (برای نماز خواندن) قرعه می‌زدند».

ستون یاد شده وسط ستون‌های اصلی دیگر مسجد قرار دارد؛

۱- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۴۳۹

۲- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۰، کنایه از این که ازدحام برای نماز خواندن در این مکان به قدری زیاد می‌شد که به ناچار باید بین خود قرعه می‌زدند. این حدیث نیز از عایشه نقل شده است.

ص: ۲۰۳

یعنی میان این ستون تا منبر پیامبر(ص) دو ستون، تا قبر ایشان دو ستون، تا قبله و محراب دو ستون و تا صحن اولیه مسجد که تا آن هنگام مسقف نشده بود؛ یعنی به موازات مأذنه بلال نیز دو ستون فاصله دارد.

در حقیقت از همه طرف سومین ستون است و کنار آن نیز ستون «توبه» و سپس «سریر» قرار دارد. در مورد نماز خواندن کنار آن، سفارش فراوانی شده است؛ زیرا از ستون‌های روضه‌النبی(ص) است.

۱/۳. ستون توبه: از ستون‌های بسیار مهم و با فضیلت مسجدالنبی(ص) ستون توبه یا ابولبابه است. ابولبابه بن عبدالمنذر یکی از بزرگان اوس، هنگام غزوه بنی قریظه (۱) به درخواست یهودیان و با موافقت پیامبر(ص) به عنوان مشاور نزد آنان رفت. ابولبابه یهودیان را به جنگ و مقاومت تشویق کرد اما بی‌درنگ از این اقدام پشیمان شد و سوگند یاد کرد که هرگز با پیامبر(ص) روبه‌رو نشود، مگر آن‌که توبه کند و خداوند نیز او را پاک گرداند. لذا یکسره به مسجدالنبی(ص) رفت و خود

۱- پیامبر ۹ پس از جنگ خندق که طی آن یهودیان پیمان خود را با مسلمانان شکسته و به پیامبر ۹ خیانت کردند، از سوی خداوند مأموریت یافت تا به تنبیه و نابودی خیانت‌کاران یهود بنی قریظه پرداخته (ابن هشام، همان، ج ۳۲، ص ۲۳) و شرّ آنان را از سر اسلام کوتاه سازد لذا آن حضرت ایشان را محاصره کرد و نماینده‌ای فرستاد که یا اسلام آورید و هم‌چنان در خانه‌های خود بمانید و یا از مدینه همراه زنان و فرزندان خارج شوید. یهودیان بنی قریظه به علت ارتباط و دوستی که با ابی‌لبابه داشتند از پیامبر ۹ خواستند تا وی را برای مشورت به نزد آنان فرستد و آن حضرت نیز پذیرفتند.

ص: ۲۰۴

را به یکی از ستون‌های مسجد بست و به توبه و انابه پرداخت تا شاید خداوند از کردار زشت او بگذرد و یا مرگ او را برساند. او در مجموع شش شبانه‌روز به آن ستون بسته شده بود. در این مدت تنها همسر او برای اقامه نماز دستان وی را باز می‌کرد و دوباره او را به ستون می‌بست. سرانجام سحرگهان آیاتی مبنی بر پذیرش توبه ابولبابه نازل شد. (۱) پیامبر (ص) آن شب خندان و شاداب برخاست؛ به مسجد آمد و دستان او را گشود. (۲) از آن روز این ستون به «توبه» یا «ابولبابه» مشهور شد. حضرت رسول نوافل خود را کنار این ستون به جا آورده و گاهی نزد آن اعتکاف می‌جستند. (۳) روایات وارده حاکی است اقامه نماز، عبادت و دعا نزد این ستون بسیار مستحب است. (۴) ستون توبه دومین ستون از حجره و مرقد پیامبر (ص) و به موازات ستون سریر در شرق و ستون عایشه در غرب است. به عبارت دیگر چهارمین ستون از منبر پیامبر (ص) و سومین ستون از سمت قبله و جزو ستون‌های روضه‌النبی (ص) است. اکنون نام «اسطوانه التوبه» زینت

۱- (یا ایها الذین آمنوا لا تخونوا الله والرسول و لا تخونوا اماناتکم و انتم تعلمون ...)؛ (ای کسانی که ایمان آوردید به خدا و رسول و امانات خویش خیانت نکنید در حالی که می‌دانید جز این نیست که مال‌ها و اولادتان فتنه و بلا است) (انفال: ۱۲۸)

۲- سیوطی، لباب النقول فی اسباب النزول ص ۱۱۱؛ ابن هشام، همان ۲/ ۲۳۶-۲۳۸؛ ابن قیم جوزی، همان ۲/ ۱۹۰.

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷

۴- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰

ص: ۲۰۵

بخش آن است. درب غربی خانه رسول‌الله (ص) که به داخل مسجد باز می‌شد در مقابل این ستون قرار داشت که آن را «باب التوبه» نام نهاده‌اند.

۱/۴. ستون سریر: در بیان محلّ شب زنده‌داری رسول‌الله (ص) نقل کرده‌اند که ایشان سریری (تختی) از چوب خرما را کنار ستونی گذاشته و به پهلو روی آن می‌خوابیدند و یا اعتکاف می‌کردند. (۱) امروزه ضریح و دیواره غربی مرقد مطهر پیامبر (ص) در میان این ستون و ستون‌های محرس و وفود قرار دارد و در سمت شرق آن ستون توبه است. نبی گرامی (ص) روزها نیز برای پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و مسائل مسلمانان، به آن تکیه می‌دادند و نیازمندی‌های آنان را برآورده می‌ساختند. (۲) «اسطوانه السریر» اولین ستون از سمت قبله است.

۱/۵. ستون مَحْرَس / علی بن ابی‌طالب (ع): این ستون به نام امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) نیز معروف بوده است. برخی آن را مکان نماز ایشان دانسته و برخی نیز گفته‌اند کنار آن می‌ایستاد و به محافظت از جان پیامبر (ص) می‌پرداخت (۳) و مَحْرَس نیز به معنای مکان نگهبانی است. این ستون در میان ستون‌های وفود و سریر و به موازات آن‌ها در دیواره ضریح غربی مرقد پیامبر (ص) واقع شده است. پیامبر (ص) هنگامی که از خانه عایشه برای نماز به مسجد می‌آمدند، از دری که ستون یاد شده کنار آن بود، وارد می‌شدند. امروزه نام «اسطوانه الحرس» بر آن دیده

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۷

۲- این ستون که یکی از ستون‌های مهم و اصلی مسجدالنبی ۹ است، دسترسی به آن به علت اتصال به ضریح و ممانعت مأموران امکان پذیر نیست.

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۸

ص: ۲۰۶

می‌شود.

۱/۶. ستون وفود: این ستون، که پشت ستون محرس از سمت شمال قرار دارد، سومین ستون از سمت قبله است. پیامبر(ص) برای دیدار با وفود؛ یعنی دسته‌ها و قبایل عرب کنار آن نشسته و با آنان ملاقات می‌کردند. (۱) اکنون بالای آن، نام «اسطوانه الوفود» دیده می‌شود. ستون مذکور به موازات ستون‌های محرس و سریر در میان دیواره غربی ضریح پیامبر(ص) قرار دارد.

۱/۷. ستون مقام جبرئیل(ع) (۲): کنار این ستون، که به آن «مُرَبَّعَه الْقَبْرِ» نیز گفته می‌شود، در خانه فاطمه ۳ دختر گرامی پیامبر(ص) قرار داشت که به مسجد باز می‌شد. (۳) مقام جبرئیل(ع) به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار دارد ولی اکنون داخل ضریح و منتهی‌الیه حجره شریف واقع شده و در دید کسی قرار ندارد.

۱/۸. ستون تهجد: حضرت رسول(ص)، شب‌ها به ویژه در ماه رمضان، پشت خانه فاطمه ۳ کنار ستونی به تهجد و شب‌زنده‌داری می‌پرداخت. (۴) بعدها در این مکان محرابی به نام «تهجد» ساختند. (۵) این ستون کنار مکان

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۴۹

۲- در مورد مقام جبرئیل و موقعیت دقیق آن رجوع کنید به بحث مربوطه در همین فصل.

۳- این در، سمت مغرب محراب التهجد یعنی به موازات ستون‌های وفود و حرس و منتهی‌الیه دیوار شمالی و غربی حجره شریف و ضریح پیامبر ۹ قرار داشته و به داخل مسجد باز می‌شده است. چنان‌که گفتیم این تنها دری بود که خداوند از میان درهای دیگر آن را از بسته شدن مستثنی ساخت. «امر بسد الابواب الا باب علی ۷».

۴- سمهودی، همان جا.

۵- ر. ک: بحث محراب‌های مسجدالنبی ۹.

ص: ۲۰۷

اصلی باب جبرئیل (ع) پیش از توسعه مسجدالنبی (ص) بود که اکنون کمی عقب‌تر از مکان اصلی است. ستون یاد شده و نیز محراب التهجد اکنون داخل ضریح پیامبر (ص) قرار گرفته است. این ستون هشتمین و آخرین ستونی است که از دوران آن حضرت باقی است.

۱/۹. ستون حنّانه: پیامبر (ص) هنگام قرائت خطبه، ابتدا به درختی در سمت غرب محراب تکیه می‌دادند و از آن به عنوان منبر استفاده می‌کردند. هنگامی که برای ایشان منبری ساختند، بر منبر نشستند. گویند در این هنگام از آن درخت صدایی شبیه به ناله بلند شد که گویی در فراق آن حضرت سر داده بود. لذا از آن روز این درخت را «حنّانه» نامیدند. یعنی بانگ بیچه شتری که او را از مادرش جدا می‌کنند. آن حضرت دستی بر درخت کشیدند و آرام شد. (۱) بعدها به دستور پیامبر (ص) حفره‌ای کنده و آن درخت را دفن کردند. در مکان این درخت ستونی ساختند و آن را «اسطوانه الحنّانه» نامیدند. مکان آن نزدیک محراب النبّی (ص) بوده که امروزه این ستون وجود ندارد. (تصویر شماره ۸۴ و ۸۵)

۲. ایوان صُفَه یا منزلگاه فقرا

هنگامی که جمعیت مهاجران در مدینه افزایش یافت، پیامبر (ص) فرمودند: برای مهاجران تهی دست که در مدینه مکانی ندارند، ایوان

ص: ۲۰۸

مُسَقْفَى، در آخر مسجد ساخته شود تا بتوانند در آنجا اقامت گزینند. (۱) این عده شب‌ها را بر همین ایوان به صبح می‌رساندند. کسانی چون سلمان فارسی، عمار بن یاسر و مقداد بن اسود و ...، از آن دسته بودند. مورخان تعداد آنان را ۷۰ نفر نوشته‌اند. (۲) این افراد در تاریخ به «اهل صُفّه» معروف شدند.

پیامبر (ص) از مقابل اهل صفه می‌گذشت و می‌فرمود: اگر می‌دانستید که نزد خدا چه جایگاهی دارید، به یقین می‌خواستید که بر فقر شما افزوده شود. (۳) خداوند تبارک و تعالی آیات شریفه سوره کهف را در مورد این فقرا بر آن حضرت نازل کرد. (وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ ...). (۴)

۱- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳، ص ۳۷

۲- ابونعیم اصفهانی در حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، اسامی ۳۸ نفر از آنان را ذکر کرده است. (ج ۱، صص ۳۸۵-۳۴۷).

۳- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۴۵۴ ر. ک. به: صالح احمد الشامی اهل الصفه بعیداً عن الوهم والخیال. در صحیح بخاری روایت شده که این عده لباس کاملی نداشتند و بعضاً نیمه عریان بوده و یا لباس آنان تنها نیمی از بدن ایشان را می‌پوشانید و در نهایت فقر بوده‌اند. (همان، کتاب الصلاه، حدیث ۱۰۳، ج ۱، ص ۲۹۹)

۴- کهف: ۲۸- [ای پیامبر همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدا را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند وادار کن و یک لحظه از آن فقیران چشم مپوش که به زینت‌های دنیا مایل شوی، هرگز با کسانی که ما دل‌های آنان را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شدند و به تبهکاری پرداختند همراه مباش].

ص: ۲۰۹

زمانی که این آیات نازل شد، پیامبر خدا(ص) فرمود:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي أُمَّتِي مَنْ أَمَرْتُ أَنْ أَصْبِرَ نَفْسِي مَعَهُمْ» (۱).

سپاس خدای را که در امت من کسانی را قرار داد که مأمور شده‌ام همراه آنان صبر پیشه کنم.

این ایوان، که اکنون در شمال شرقی محدوده اولیه مسجد و میان باب جبرئیل(ع) و باب النساء قرار دارد، ارتفاعی حدود نیم متر و مساحتی حدود سی متر مربع داشته و به شکل مربع مستطیل است. یک سوم قسمت جنوبی آن؛ یعنی به سمت قبله، از دوران پیامبر(ص) و بقیه آن از افزوده‌های دوران عمر بن عبدالعزیز است. تلاوت قرآن و اقامه نماز بر این ایوان بسیار سفارش شده است.

در مقابل این ایوان، ایوان التهجد و نیز دیواره شمالی حجره شریف؛ یعنی بیت فاطمه ۳ قرار دارد. (تصویر شماره ۸۶)

۳. منبر

هنگام بنای مسجدالنبی، برای پیامبر(ص) منبری نساخته بودند؛ چنان که پیشتر گفتیم، آن حضرت خطبه‌های خود را کنار تنه درخت خرمایی که به آن تکیه می‌زدند می‌خواندند. هنگامی که برای ایشان منبری تهیه شد، روز جمعه بر فراز آن رفتند. (۲)

۱- احمد یاسین الخیاری، تاریخ المعالم المدینه المنوره ص ۷۰

۲- متقی‌الهندی، کنز العمال فی سنن والاقوال، ج ۱۴، ص ۵۸ به روایت بخاری، زنی از انصار به پیامبر عرض کرد که غلام نجاری دارم، اگر اجازه دهید برای شما منبری بسازد(صحیح، کتاب الصلاه، ج ۱، ص ۳۰۲)

ص: ۲۱۰

در مورد نخستین کسی که برای پیامبر(ص) منبر ساخت اختلاف است؛ برخی نوشته‌اند: نخستین منبر، از گِل ساخته شد و پله نداشت. برخی دیگر گویند از چوب و دارای سه پله بود.

در جریان آتش‌سوزی که به سال ۸۸۶ ق. در مسجدالنبی(ص) رخ داد، این منبر کاملاً در آتش سوخت. چندی بعد قطعه‌ای از چوب آن را یافتند و در محل خود قرار دادند؛ بر روی آن نیز منبری از چوب صندل و سپس از آجر و سنگ ساختند؛ چنان‌که خواهیم گفت میان منبر و قبر پیامبر را روضه‌النبی گویند. از آن حضرت نقل شده است که:

«قوائم منبری رواتب فی الجنه». (۱)

پایه‌های منبر من در بهشت استوار است.

۴. محراب‌ها

۱

۱ / ۴. محراب‌النبی(ص): پیامبر(ص) نمازهای خود را کنار ستونی می‌خواندند که بعدها به «المخلّقه» معروف شد. در دوران آن حضرت محرابی وجود نداشت، عمر بن عبدالعزیز، والی مدینه، در دوران اموی نخستین کسی بود که بر مکان نماز ایشان محراب ساخت؛ این محراب سمت دیوار قبله بود که بعدها در توسعه مسجد تخریب شد. محل محراب یاد شده در طول سالیان دراز و در توسعه‌ها و تعمیرات اندکی تغییر یافته است.

۱- نورالدین هیشمی، موارد الضمان صص ۳۵، ۲۵۶

ص: ۲۱۱

در دوران سلطان اشرف قایتبای، محرابی نفیس و زیبا از سنگ مرمر، مزین به آیات قرآن ساختند و بعدها حفره آن پر گردید و همسطح زمین شد؛ آن‌گاه محراب پیامبر(ص) را با پارچه‌ای نفیس پوشانیدند. این محراب با همان تزیینات دوران عثمانی هم‌چنان موجود است. در فضیلت این محراب گفته‌اند که به منزله کعبه است؛ یعنی کسی که به آن می‌نگرد، گویی نگاهش را به کعبه دوخته است. (۱) محراب النبی(ص) اکنون به ستون مُخَلَّقَه متصل است؛ یعنی این ستون سمت مغرب آن قرار دارد. و به گونه‌ای ساخته شده که سجده کننده در آن، صورت خود را بر محل نشستن پیامبر(ص)، نه محل سجده آن حضرت می‌گذارد. (۲) (تصویر شماره ۸۷)

۴/۲. محراب التَّهْجِد: در پشت منزل فاطمه ۳؛ یعنی منتهی‌الیه حجره شریف پیامبر(ص) و مقابل ایوان صفه، محل و مکان تهجد رسول‌الله(ص) و فاطمه ۳، بوده است. محراب در دوران عثمانی تعبیه شده و پس از برداشتن آن در دوران سعودی، بیرون حجره شریفه؛ یعنی مقابل ایوان صفه، ایوانی به ارتفاع سی سانتی‌متر و عرض حدود شش متر ساخته‌اند که زائران برای درک فضیلت نماز در محراب یاد شده، بر این ایوان به اقامه نماز می‌پردازند. (تصویر شماره ۸۸)

۴/۳. محراب فاطمه ۳: این محراب، داخل منزل فاطمه ۳؛ یعنی جنوب محراب التَّهْجِد قرار داشته که محل اقامه نماز فاطمه ۳ بوده است.

۱- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۳۸۴

۲- علی بن موسی، رساله فی الوصف المدینه المنوره، ص ۶۰

ص: ۲۱۲

محراب مذکور اکنون داخل حجره پیامبر(ص) است.

۴/۴. محراب عثمانی: محراب عثمانی، در دیوار کنونی مسجد در سمت قبله و پشت محراب النبی(ص) از عصر عثمان بن عفان است. قسمتی که اکنون محراب عثمانی در آن قرار گرفته، از افزوده‌های این خلیفه بوده که از باب السّلام تا باب البقیع امتداد می‌یابد. (۱) اکنون امام جماعت مسجد النبی(ص) در این محراب نماز اقامه می‌کند.

۴/۵. محراب سلیمانی / حنفی: این محراب در خارج روضه النبی(ص) و سمت غرب منبر قرار دارد. در ابتدا حنفیان در امامت نماز حرم نبوی شریک نبودند، فقط مالکیان امامت را بر عهده داشتند. در قرن هفتم هجری حنفیان نیز به امامت نماز جماعت مسجد راه یافتند. در دوران عثمانی این محراب برای حنفی‌ها ساخته شد که امام جماعت ایشان در آن نماز اقامه می‌کرد. شمع‌هایی بر آن و سایر محراب‌ها افروخته می‌شد که شمعدان‌های آن از نقره بود. در محراب حنفی یک شمع و در محراب نبوی دو شمع روشن می‌شد. (۲)

۵. روضه النبی (ص)

رسول الله(ص) فرمودند:

«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَ مِثْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۳)

۱- علی بن موسی، همان‌جا. عثمان پس از اتمام توسعه در این مکان به نماز می‌ایستاد.

۲- علی بن موسی، رساله فی وصف المدینه المنوره، ۶۱

۳- کلینی، فروع کافی، ج ۴، ص ۵۵۵؛ نسائی، سنن [جزء الثانی] ص ۳۴

ص: ۲۱۳

روضه النبی (ص) یکی از بهترین مکان‌های روی زمین است که پیامبر (ص) همه روزه، پنج بار برای اقامه نماز جماعت و خواندن خطبه، در این مسیر تردد می‌کردند. از آن حضرت احادیث بسیاری در فضیلت این مکان روایت شده که آن را قطعه و یا زمینی از بهشت دانسته‌اند. روایاتی که از پیامبر (ص) نقل شده، مورد استناد و تواتر فریقین است؛ از جمله:

«إِنَّ مِنْبِرِي عَلَى تَرْعَةٍ مِنْ تَرْعِ الْجَنَّةِ». (۱)

ترعه را به معنای باب و در دانسته‌اند؛ یعنی منبر من بر دری از درهای بهشت قرار دارد. (۲)

«مَا بَيْنَ قَبْرِي وَمَنْبِرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۳)

و نیز:

«مَا بَيْنَ حُجْرَتِي وَمُصَلَّائِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ». (۴)

به نظر می‌رسد روایت «مَا بَيْنَ قَبْرِي وَمَنْبِرِي» معقول‌تر باشد؛ زیرا با توجه به این که پیامبر (ص) برای مکان دفن خود وصیتی نکرد و ممکن بود آن حضرت را در مکان‌های دیگری دفن کنند؛ منطقی به نظر می‌رسد که منظور آن حضرت از «

مَا بَيْنَ قَبْرِي وَمَنْبِرِي

»، مکان دفن او در هر نقطه از زمین تا منبر ایشان در مسجد النبی (ص) نباشد که آن را باغی از باغ‌های بهشت بدانند؛ اما مکان بیت ایشان روشن و مشخص است.

۱- نسائی، همان، ص ۳۵؛ ابن بابویه، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۴۰

۲- ابن قتیبہ دینوری، تأویل مختلف الحدیث، ۹۱

۳- کلینی، همان جا.

۴- همان جا.

ص: ۲۱۴

در معنا و تفسیر «رَوْضَهُ مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ» گفته‌اند، مقصود آن است که این قسمت در آخرت به بهشت منتقل شده و همانند دیگر قسمت‌های زمین از بین نمی‌رود و این مزیت و فضل عظیمی برای این مکان است. عبادت در این محل که نسبت به سایر قسمت‌های مسجد فضیلت و برتری دارد، ان‌شاءالله اجر و پاداش بهشت خواهد داشت. بعضی گفته‌اند: همان‌گونه که حجرالأسود از بهشت برای جدّ پیامبر (ص) یعنی ابراهیم (ع)، قرار داده شد تا آن را در کعبه نصب کند، برای رسول الله (ص) نیز مکان عبادت ایشان باغی از بهشت گردید.

در عرض روضه شریف اندکی اختلاف است؛ اما در مورد طول آن اختلافی نیست. ابن زباله طول روضه شریف پیامبر (ص) را که از منبر آن حضرت تا آخر حجره شریف در شرق است، حدود ۲۲ متر ذکر کرده است. (۱) بر اساس نظر اهل سنت، عرض روضه تنها دو ستون از سمت قبله را در بر می‌گیرد. اما بر اساس نظر شیعه، عرض روضه از آغاز حد قبلی مسجد در دوران پیامبر (ص) از سمت قبله، که اکنون با نرده‌های نقره‌ای مشخص است تا منتهی‌الیه دیوار شمالی و به عبارتی دیگر، تا پایان ضریح کنونی و دیوار شرقی حجره است. به این ترتیب عرض روضه شریف شامل هشت ستون از جنوب به شمال می‌گردد که همان حدّ اولیه مسجد است. با این وصف خانه فاطمه ۳ نیز جزو روضه‌النبی (ص) قرار

۱- امروزه ستون‌های داخل روضه با سنگ مرمر سفید مشخص و داخل آن با رنگ سبز رنگ آمیزی شده است.

ص: ۲۱۵

می گیرد.

۶. بیت شریف پیامبر گرامی

(ص)

پیامبر(ص) در کنار مسجد، ابتدا اتاقی برای همسر خود سوده ساختند و در آن ساکن شدند. در سال بعد نیز حجره عایشه را بنا کردند. این اتاق‌ها در شرق مسجد قرار داشت؛ همان جایی که اکنون قبر پیامبر(ص) است. البته پس از چندی، برای صفیه و ام سلمه؛ دو همسر دیگر رسول الله(ص) نیز اتاق‌هایی بنا گردید. منابع تاریخی، از بی‌نهایت سادگی این خانه‌ها سخن گفته‌اند. (۱) هنگامی که ولید بن عبدالملک برای توسعه مسجد، فرمانی صادر و آن خانه‌ها را خراب کرد، بسیاری از مسلمانان می‌گریستند و می‌گفتند کاش اجازه می‌دادند این خانه‌ها به همان شکل برای آیندگان بماند تا ببینند کسی که کلیدهای خزاین دنیا به دست اوست، چگونه به چند اتاق گلی قناعت کرده است! (۲)

رسول خدا(ص) در نیمی از اتاقی که با عایشه زندگی می‌کردند دفن شدند و عایشه در نیمه دیگر زندگی می‌کرد. این اتاق‌ها همگی در هنگام توسعه مسجد تخریب شدند که موقعیت آن‌ها اکنون در داخل حجره و ضریح مطهر است.

۱- ابن سعد، همان، ج ۱، ص ۴۹۹

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۴۶۲-۴۶۰، ابن سعد، همان جا.

ص: ۲۱۶

۷. خانه فاطمه

۳

خانه فاطمه و امام علی (ع) پشت خانه عایشه بود. دری به سمت شرق؛ یعنی کوچه و دری به سمت غرب؛ یعنی داخل مسجد و به موازات ستون‌های وفود و حرس قرار داشت. در دیوار جنوبی آن، روزنه‌ای به خانه پیامبر (ص) باز شده بود که آن حضرت همواره از آن احوال دخترشان را جویا می‌شدند و می‌فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».

و به روایتی دیگر:

«الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، الصَّلَاةُ، (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً) (۱)».

خانه فاطمه ۳ در داخل ضریح کنونی و در انتهای دیواره غربی و شمالی حجره قرار گرفته است.

سمهودی گوید: میان خانه فاطمه ۳ و عایشه دیواری بوده و وسط خانه فاطمه ۳ مکانی است که مردم بسیار محترم می‌دارند و از روی آن عبور نمی‌کنند. برخی گفته‌اند که این مکان، قبر فاطمه ۳ است. سمهودی و برخی دیگر از مورخان سنگ قبری نیز در آن، با عنوان «

هذا قبر فاطمه بنت رسول الله» دیده‌اند.

دری که اکنون در سمت باب جبرئیل، به عنوان در خانه حضرت فاطمه ۳ مشهور است، همان دری است که به سوی کوچه باز می‌شده

ص: ۲۱۷

است.

خداوند به پیامبرش فرمان داد تا همه درهائی که به مسجد باز می‌شد، جز در این خانه را ببندند؛ »

أَمَرَ بِسَدِّ الْأَبْوَابِ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ

« این حدیث را بسیاری از مورخان اهل سنت چون احمد بن حنبل، نسائی، طبرانی، حافظ بن حجر، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده‌اند. (۱) (تصویر شماره ۸۹)

۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا

(ص)

هنگامی که «رحمه للعالمین» به «رب العالمین» پیوست، علی (ع) شیون کنان مسلمانان را از رحلت ایشان خبر داد؛ (۲) کسانی چون علی (ع)، عباس و پسران او، فضل و قثم و نیز اسامه بن زید برای انجام مراسم غسل و کفن پیامبر (ص) حضور یافتند. (۳) پس از انجام غسل و کفن پیامبر (ص)، برای دفن آن حضرت اختلاف پیش آمد. علی (ع) گفت: از پیامبر شنیده است که «هیچ پیامبری تاکنون رحلت نیافته جز آن که او را در همان جایی که از دنیا رفته

۱- ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۵۰۲؛ سبط بن جوزی، تذکره خواص الائمة فی معرفه الائمة ۲۴؛ سمهودی، همان، ج ۱، صص ۴۷۴، ۴۷۵ و ۴۷۶. ابن جوزی، زاد المعاد فی هدی خیر العباد، ص ۲۴؛ سمهودی، همان جا.

۲- ابن سعد، همان، ج ۲، صص ۲۶۲ و ۲۷۸

۳- مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۶۸؛ ابن اثیر، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ج ۱، ص ۳۴؛ طبری، تاریخ الطبری، ج ۲، ص ۴۵۱؛ احمد بن حنبل، المسند، ج ۴، ص ۱۰۴؛ ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۱

ص: ۲۱۸

دفن کرده‌اند»، لذا آن حضرت را با کمک چند تن از یاران خود، از بنی هاشم، در همان محلی که رحلت کرد؛ یعنی در خانه خود، که عایشه در آن می‌زیست به خاک سپردند. خلیفه اول و پس از آن، خلیفه دوم نیز پس از فوت، کنار قبر پیامبر(ص) به خاک سپرده شدند. وضعیت دفن آن دو، این گونه بود که ابوبکر را پشت سر پیامبر(ص) و سر او را محاذی شانه‌های آن حضرت و عمر را پشت سر ابوبکر و سر وی را محاذی شانه‌های ابوبکر قرار دادند. عایشه دیواری میان قبور و محل سکونت خود کشید و در نیمه آن زندگی می‌کرد. (۱) (تصویر شماره ۹۰)

۱- سمهودی، الوفاء بما یجب لحضرة المصطفى، ۱۳۸

ص: ۲۱۹

عمر بن عبدالعزیز حاکم مدینه، این دیوار و سایر اتاق‌ها را تخریب کرد و دیواری پنج ضلعی بر گرد سه قبر کشید و آن را مسقف و اصلاح و تعمیر کرد. بعضی نیز گفته‌اند: پوشانیدن قبر پیامبر (ص) از چشم مردم، در زمان معاویه بود و آن هنگامی بود که امام حسن (ع) از دنیا رفت؛ بر اساس وصیت نواده پیامبر خدا (ص) تصمیم به دفن ایشان کنار قبر پیامبر (ص) گرفتند ولی مروان بن حکم و عایشه با این امر مخالفت کردند؛ لذا ناگزیر امام حسین (ع)، جنازه برادر را در بقیع به خاک سپرد؛ پس از این واقعه، قبر پیامبر (ص) و دو خلیفه را با دیوار و سقفی پوشانیدند که حتی در هم نداشت. (۱) اکنون آن پنج ضلعی یاد شده با کاشی‌هایی منقش به آیات قرآن از داخل ضریح، البته به سختی قابل رؤیت است. اطراف اتاق‌های تخریب شده نیز یک دیوار ساخته‌اند که ضریح و حجره رسول خدا (ص) را امروزه تشکیل می‌دهد.

۸/۱. پوشش قبر: چنان‌که ابن نجار نقل کرده، پس از پایان پوشش سنگ مرمر، دیوارهای مرقد، که به وسیله جواد اصفهانی در قرن ششم هجری انجام شده بود، پوششی از دیبای سفید، با تزیینات و ابریشم زرد و سرخ و حریر با نقش آیات سوره یس بر مقبره شریف قرار دادند که در دوران‌های بعد نیز پرده‌های بسیار زیبا و نفیسی برای پوشش این مقبره به مدینه ارسال می‌شد. (۲) اکنون نیز پرده داخلی کعبه، که به رنگ سبز است،

۱- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، ص ۵۴۸

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۵۸۳-۵۸۱

ص: ۲۲۰

پس از تعویض، بر روی مرقد پیامبر(ص) پوشانیده می‌شود.

۹. قبر فاطمه**دختر گرامی پیامبر(ص)**

در تاریخ وفات و محل دفن حضرت فاطمه ۳ نظرات گوناگون وجود دارد؛ بیشتر منابع تاریخی، وفات آن حضرت را شش ماه پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) نوشته‌اند، (۱) اما نظریه مشهور نزد شیعه، ۷۵ یا ۹۵ روز است. (۲) در مورد محل دفن آن معصومه نیز سه روایت وجود دارد.

۱. طبق روایتی از ابن شَبَّه در «تاریخ المدینه»، قبر فاطمه ۳ در قبرستان بقیع و در گوشه خانه «عقیل بن ابی طالب» است. (۳) این خانه در ابتدای قبرستان بقیع و همان‌جایی بوده که امروز قبور ائمه شیعه واقع است.
ابن شَبَّه هم‌چنین از عبیدالله بن علی روایت کرده که حسن بن علی(ع) وصیت کرد که مرا کنار قبر مادرم در بقیع دفن کنید، پس او را در مقبره‌ای کنار قبر مادرش؛ در مقابل پنجره خانه نَبِیّه بن وهب به خاک سپردند. در این مقبره دو قبر با سنگ نبشته‌ای وجود داشت: قبر حسن بن

۱- ابن قتیبه، الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۶؛ مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۳۰۹ بلاذری، انساب الاشراف، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۲، ص ۳۳۱؛ یعقوبی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵؛ مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۹؛ بخاری، همان، ج ۲، ص ۱۸۶

۲- ابن قتیبه، همان‌جا؛ مسعودی، همان، ج ۲، ص ۱۰۵

۳- ابن شَبَّه، تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، صص ۱۰۵ و ۱۰۶

ص: ۲۲۱

علی(ع) و قبر عایشه همسر پیامبر. (۱) سمهودی نقل کرده که امام صادق(ع) در بقیع کنار پدر و جد‌هایش مدفون شد؛ بر قبور آنان سنگ نبشته مرمری با این عبارت دیده می‌شد:

«هذا قبر فاطمه بنت رسول الله سیده نساء العالمین و قبر الحسن بن علی و علی بن الحسین و قبر محمد بن علی و جعفر بن محمد». (۲)
علی بن موسی از مورخان عصر عثمانی نیز گوید: فاطمه ۳ در کنار ائمه شیعه مدفون شده است. (۳) در پایین قبور ائمه بزرگوار شیعه سنگ قبری مستقل قرار دارد که اهل سنت معتقدند قبر حضرت فاطمه ۳ است و بر اساس نظر شیعه این قبر متعلق به فاطمه بنت اسد است.

۲. برخی از مورخان گفته‌اند قبر حضرت فاطمه ۳ در خانه ایشان قرار دارد. ابن شَبَّه و سمهودی نیز روایاتی در این مورد ارائه کرده‌اند؛ از جمله سمهودی گوید: فاطمه ۳ از علی(ع) در لحظات احتضار خواستند تا فرش خانه را برداشته و محلّی را برای دفن ایشان آماده سازد. (۴) شیخ صدوق از امام صادق(ع) روایت کرده است که فاطمه ۳ در داخل

۱- پیشین، ج ۱، ص ۱۰۷؛ مسعودی نیز گوید او را در بقیع کنار قبر مادرش فاطمه دفن کردند. (مروج الذهب، ج ۳، ص ۱۰).

۲- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۵

۳- علی بن موسی، همان، ص ۱۱

۴- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۳

ص: ۲۲۲

خانه خود، که در توسعه عمر بن عبدالعزیز جزو مسجد شد، دفن گردیده‌اند. (۱) ابن شبنه هم‌چنین از ابوغسان روایت می‌کند که فاطمه ۳ در خانه خود دفن شده و بر مقبره او مثل همان چیزی که بر مقبره پدر ایشان قرار گرفت، ساختند؛ چون او را در شب به خاک سپردند، بسیاری از مردم خبر نیافتند. (۲) سمهودی گوید: هنگامی که پایه‌های گنبد مقبره پیامبر (ص) ساخته می‌شد، در سمت شرق آن؛ یعنی پشت حجره، مکانی مثلث شکل بود که قبری و لحدی در آن یافتند. خبر آن میان مردم سرو صدایی ایجاد کرد. (۳) علاوه بر آن، روایات ابن شهر آشوب در «المناقب» و کلینی در «کافی» حاکی است که فاطمه ۳ در منزل خود، که امروزه داخل مقصوره و ضریح پیامبر اسلام (ص) قرار گرفته، مدفون گردیده است. (۴) ۳. گروهی چون ابوالفتوح رازی و ابن شهر آشوب از محدثان و مفسران شیعه نیز نقل کرده‌اند که قبر فاطمه ۳ در محل روضه‌النبی (ص)؛ یعنی فاصله میان منبر و مرقد پیامبر قرار دارد (۵) که این نظریه نیز مؤید

۱- صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۴۸ و ج ۲، ص ۳۴۱؛ رحمانی الهمدانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی من المهد الی اللحد، ج ۲، ص ۲۷۰

۲- ابن شبنه، همان، ج ۱، ص ۱۰۸؛ سمهودی، همان، ج ۱، ص ۹۰۳

۳- سمهودی، همان، ج ۲، ص ۹۰۷

۴- ابن شهر آشوب، مناقب الائمه، ج ۳، ص ۳۶۵؛ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۶۱

۵- ابن شهر آشوب، همان‌جا؛ ابن جبیر، الرحله ص ۱۷۰

ص: ۲۲۳

نظریه دوم است؛ زیرا به اعتقاد شیعه؛ چنان که گفتیم، منزل حضرت فاطمه ۳ جزو روضه‌النبی (ص) محسوب می‌گردد. پس می‌توان این نظریه را با نظریه دسته دوم که محل دفن را در خانه ایشان می‌دانند، یکی دانست. در هر حال، بر اساس روایات مورد اعتماد شیعه، که عمدتاً کسانی چون شیخ صدوق، طوسی، مجلسی، ابن شهر آشوب و ... نقل کرده‌اند، احتمال دفن آن مکرمه در منزل ایشان محتمل‌تر و قطعی‌تر است. این مکان امروزه در داخل دیوار شمالی حجره و مرقد پیامبر (ص) و پشت ایوان التهجد قرار دارد. والله اعلم بالصواب.

۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین

(ع)

درباره محلّ مقام و مهبط جبرئیل (ع) اختلاف است. ابن شبه از غسان روایت می‌کند؛ آن‌جایی که جبرئیل (ع) بر پیامبر (ص) هبوط کرد، نزدیک «باب آل عثمان» (باب جبرئیل (ع)) است. (۱) در گذشته، در مدخل این باب، سنگی سیاه‌تر از سنگ دیوارهای مسجد به ارتفاع حدود ۴۰ سانتی‌متر به عنوان نشانه مقام و مهبط جبرئیل (ع) قرار داده بودند. در حقیقت امروز مکان مهبط جبرئیل امین (ع) در داخل ضریح و دیواره شمال شرقی حجره مطهره قرار گرفته است؛ زیرا در قبل از توسعه، باب جبرئیل ۳ متر بالاتر و کمی جلوتر از باب جبرئیل کنونی

۱- ابن شبه، همان، ج ۱، ص ۶-۵

ص: ۲۲۴

بوده است. (۱) ۱۱. محل اذان بلال

هنگامی که پیامبر (ص) به بلال حبشی فرمود، اذان گوید، وی بر دیوار جنوب غربی مسجد یا بر ستونی در خانه عبدالله بن عمر در جنوب مسجد (دارالعشیره) اذان گفت. پس از تغییر قبله و زمانی که پیامبر (ص) به توسعه مسجد پرداختند؛ یعنی بعد از غزوه خیبر، این محل داخل مسجد قرار گرفت و در حقیقت محل اذان جدید مقداری پایین تر و نزدیک صحن مسجد، در انتهای دیواره شمال غربی گردید.

بعدها به یاد بلال حبشی، یار فداکار رسول الله (ص) مئذنه‌ای زیبا از سنگ مرمر سفید، به ارتفاع دو متر ساختند که بر ستون‌هایی از سنگ استوار و اکنون در اوقات پنج گانه بر آن اذان سر می‌دهند.

۱- ر. ک. بحث باب جبرئیل در صفحات بعد.

ص: ۲۲۵

۱۲. درهای مسجد**اشاره**

از هنگام بنای مسجدالنبی (ص) تاکنون، تعداد درهای آن گاهی افزایش و یا کاهش یافته است. این مسجد در زمان حیات پیامبر (ص) تنها سه در داشت و در دوران‌های بعد؛ به ویژه دوران اموی، تعداد آن‌ها به ۲۰ عدد رسید. در دوران عثمانی، همه درها بسته شد و تنها پنج در به جا ماند. در ابتدای دوران حکومت سعودی، شش در دیگر به مجموع آن افزوده شد و در توسعه دوم سعودی، تعداد درها به ۴۲ رسید.

۱۲ / ۱ عصر پیامبر (ص)

«باب جبرئیل (ع)» در میانه دیوار شرقی. ۲. «باب الرّحمة» در شمال دیوار غربی.

۳. «باب عاتکه» در میان دیوار جنوبی. (۱) باب جبرئیل (ع)

این در، از مهم‌ترین درهای مسجدالنبی (ص) است که به نام‌های «باب

۱- پیامبر ۹ هنگام تغییر قبله به سوی مسجد الحرام، باب عاتکه را مسدود و باب دیگری که ظاهراً در شمال مسجد قرار داشت به جای آن گشود.

ص: ۲۲۶

الجنائز»، «باب الجبر» و «باب عثمان» نیز معروف بوده است. وجه نامگذاری آن به «جبرئیل» چنین است که آن مأمور امین و آورنده وحی، در پایان غزوه خندق، در این مکان به محضر پیامبر (ص) رسید و به آن حضرت گفت: خداوند می‌فرماید: ما هرگز تو را به افکندن سلاح امر نکرده‌ایم، باید به سوی بنی قریظه حرکت کنی؛ آن‌گاه افزود: من به سوی آنان رفته و در خانه‌هایشان زلزله می‌افکنم. پس رسول الله (ص) به بلال فرمان داد که اذان سر دهد و آن‌گاه خطاب به مسلمانان فرمودند: «هر کس که از ما اطاعت می‌کند، نباید نماز عصر را جز در سرزمین بنی قریظه بخواند». صحابه بی‌درنگ مسلح و بسیج شده و همراه پیامبر (ص) حرکت کردند. این باب را به آن سبب «باب الجنائز» گفته‌اند که مکان نماز بر مردگان (مکان جنائز) در مجاورت آن قرار دارد و هم‌چنین پس از اقامه نماز بر میت، تشییع کنندگان مجبور بودند وی را از این باب به سوی «قبرستان بقیع» ببرند و لذا آن را «باب الجبر» هم نامیده‌اند. این در به «باب عثمان» نیز معروف بود؛ زیرا روبه‌روی خانه عثمان بن عفان قرار داشت. باب جبرئیل (ع) اکنون در جای اصلی خود نیست، بلکه در توسعه نخستین مسجد، پس از غزوه خیبر، حدود چهار متر پایین‌تر، به سمت شمال منتقل شد که موقعیت آن اکنون منتهی‌الیه دیوار شرقی خانه فاطمه ۳ است. (۱) در توسعه عثمان بن عفان از این مکان نیز حدود سه متر همراه با دیوار شرقی عقب‌تر رفت و لذا محلّ اولی آن، داخل مسجد قرار گرفت. (۲) در توسعه عبدالمجید عثمانی (۱۲۶۵ ق.) برای سهولت ورود و خروج زائران یا برای

۱- ر. ک. به: نقشه توسعه مسجدالنبی ۹ در صفحات بعد.

۲- سمهودی، همان، ج ۱، ص ۶۸۹

ص: ۲۲۷

امکان اقامه نماز در بیرون مسجد، این در بسته شد و در دیگری به موازات آن، حدود سه تا چهار متر پایین تر، به طرف شمال، در همان دیوار باز شد که امروزه این در پابرجا و به «باب جبرئیل» مشهور است.

در مکان پیشین این در، که در دوره عثمانی تغییر یافت، پنجره‌ای گذاشته و بالای آن به خط زیبایی این آیه را نوشتند:

(إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا). (۱)

این کار به این دلیل انجام شد که مکان اصلی باب جبرئیل (ع) در دوره عثمان مشخص باشد. از آن جا که اکنون اتاقکی بزرگ برای قرار دادن ابزار و ادوات نظافت مسجد و خادمان ساخته‌اند، آن پنجره در دید قرار ندارد.

۱۲ / ۲. دوران عمر بن خطاب

عمر بن خطاب در سمت شرق و غرب، دو در به درهای مسجدالنبی (ص) افزود. «باب النساء» را بعد از باب جبرئیل (ع) و «باب السلام» را بعد از باب الرّحمة قرار داد.

۱۲ / ۳. دوران عمر بن عبدالعزیز

دکتر اصغر قائدان، درسنامه آشنایی با تاریخ و اماکن مقدس مکه مکرمه و مدینه منوره، ۱ جلد، نشر مشعر - تهران، چاپ: ۱، تابستان ۱۳۸۹.

درسنامه آشنایی با تاریخ مکه مکرمه و مدینه منوره ؛ ؛ ص ۲۲۷

ربن عبدالعزیز، حاکم مدینه، در دوران ولید بن عبدالملک از ۸۶ تا ۹۶ ق. اقدام به توسعه و ترمیم مسجدالنبی (ص) کرد. در این زمان تعداد درهای مسجد به ۲۰ رسید، که در سمت شرق ۹ در و در غرب ۷ در و

ص: ۲۲۸

در سمت شمال ۴ در بود. (۱) ۱۲/۴. دوران عثمانی

در دوران عثمانی، غیر از پنج در اصلی، دیگر درها بسته شد. آن‌ها عبارت بودند از: در غرب؛ باب السلام و باب الرّحمة. در شرق؛ باب النساء و باب جبرئیل (ع). در شمال؛ باب التوسل یا باب المجیدی. (۲) ۱۲/۵. دوران سعودی

در سال‌های آغازین حکومت سعودی، تعداد درهای مسجد به ۱۱ رسید، یعنی به ۵ در پیشین ۶ در افزوده شد؛ در شرق، باب البقیع، که مقابل پای مبارک پیامبر (ص) و کنار مناره گنبد سبز است. در غرب ابواب صدیق (سه ورودی) در شمال، باب عثمان، باب عمر بن خطاب، باب عبدالعزیز و باب ملک سعود. در توسعه دوم؛ یعنی دوران فهد بن عبدالعزیز، ۴۲ در به درهای مسجد و ورودی افزوده شد.

۱۳ مأذنه‌ها

در دوران پیامبر (ص)، بلال حبشی بر ستونی که داخل خانه عبدالله بن عمر بود، اذان می‌گفت. این امر پیش از تغییر قبله بود. بعدها غلام عباس بن عبدالمطلب، که وی را «کلاب» می‌گفتند، نخستین مأذنه را برای مسجد ساخت. عمر بن عبدالعزیز نیز چهار مأذنه در چهار گوشه مسجد بنا کرد. این مأذنه‌ها در چند دوره تعمیر و بازسازی شده‌اند. در دوران عثمانی تعداد آن‌ها به

۱- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۶۸۶ تا ۶۹۸، نجفی، مدینه‌شناسی، صص ۱۱۰ و ۱۱۱

۲- سمهودی، همان، ج ۱، صص ۶۹۸-۶۸۶

ص: ۲۲۹

پنج رسید که مأذنه باب البقیع و باب السلام از آن دوران به همراه ۷ مأذنه دیگر که در عصر سعودی ساخته شد زینت بخش مسجد النبی (ص) است.

۱۴. قبه الخضراء

پایه گذار این گنبد، ممالیک مصر بودند که آن را بر ستون‌های اطراف مرقد، به صورت هشت ضلعی استوار ساختند. در دوران سلطان عبدالحمید عثمانی گنبد مقبره پیامبر خدا (ص) ترمیم و به نحو اساسی تری بنا نهاده شد؛ چون جدار خارجی آن، با پوشش سبز مزین گردید، این گنبد به «قبه الخضراء» معروف شد. تمامی سطوح داخلی گنبد به طور بسیار زیبایی تزیین و کاشی کاری و خطاطی شده است. قبه الخضراء از دوران عثمانی هم چنان باقی مانده است. از آن جا که ساخت چنین بناهایی بر روی قبور، به اعتقاد وهابیت حرام است، لذا در بازسازی، نصب چراغ و روشنایی و حتی نظافت ظاهری، اعتنایی به آن نمی شود. البته روشن است که این باور نزد شیعه و سنی، پذیرفته نیست.

۱۵. قبه الزرقاء

قبه الزرقاء (۱)

قبه یا گنبد زرقاء را روی محراب عثمان، در دیوار جنوبی ساخته و در سال ۸۹۲ ق. نیز بازسازی شد. (۲) اکنون این گنبد در مجاورت گنبد خضراء قرار دارد. (تصویر شماره ۹۱)

ج) آتش سوزی های مسجد النبی (ص)

۱- زرقاء مؤنث ازرق به معنای رنگ کبود یا رنگ آبی آسمانی است.

۲- سمهودی، وفاء الوفا، ج ۱، صص ۶۱۱-۶۰۸

ص: ۲۳۰

مسجد رسول خدا(ص) در دو نوبت، یکی در ۶۵۴ ق. و دیگری در ۸۸۶ ق. دچار آتش‌سوزی شد و بسیاری از لوازم و تزئینات آن در آتش سوخت. سلطان اشرف قایتبای و دیگر ممالیک با تلاش فراوان مسجد را کاملاً بازسازی و ترمیم کردند.

د) سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی (ص) از آغاز تاکنون

۱. دوران پیامبر خدا (ص) (۷ ق.)

همان‌گونه که در مبحث ساخت مسجدالنبی(ص) گفتیم، طول مسجد هفتاد و عرض آن شصت ذرع؛ یعنی برابر با ۳۵*۳۰ متر (۱) بود که مساحت آن به ۱۰۲۰ مترمربع می‌رسید. پیامبر(ص) در سال هفتم هجرت؛ یعنی پس از بازگشت از غزوه خیبر، به توسعه مسجد پرداختند و سه ستون از سمت غرب و شمال به مسجد اضافه کردند و آن را به صورت مربع درآوردند؛ یعنی هر ضلع آن به ۱۰۰ ذرع (۲) برابر با ۴۹ متر می‌رسید که مساحت آن ۲۴۵۰ مترمربع گردید. افزوده‌های پیامبر(ص) در این دوران، ۱۴۱۰ مترمربع بوده است.

در دوران‌های پس از رسول خدا(ص) خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی(ص) پرداخته و آن را توسعه دادند. خلیفه دوم نخستین کسی بود که به این کار اقدام کرد، سپس خلیفه سوم، عمر بن عبدالعزیز، مهدی عباسی و ملک اشرف قایتبای هر یک مسجد را توسعه دادند. در عصر

۱- هر ذرع هاشمی برابر با ۴۹/۳۳ سانتی‌متر است که این محاسبات بر این اساس انجام شده است. شایان یادآوری است میزان مطابقت ذرع با سانتی‌متر در میان اقوام و ملل تا حدودی متفاوت است و ذرع هم انواعی دارد که ما در این جا فقط بر اساس ذرع هاشمی یعنی ۴۹/۳۳ سانتی‌متر محاسبه کرده‌ایم.

۲- ابن رسته، اعلاق النفیسه ص ۶۴

ص: ۲۳۱

عثمانی ۱۳۰۰ متر مربع به مساحت مسجد افزوده شد و مساحت آن به حدود ۱۰/۱۰۰ متر مربع رسید.

۲. مسجدالنبی (ص) در عصر حاضر

عمده‌ترین توسعه مسجدالنبی (ص) در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به ده‌ها برابر رسید. در جریان این توسعه‌ها، که عمدتاً از زمان ملک عبدالعزيز (۱۳۴۸ ق.) آغاز و در ۱۳۷۹ ق. با دو مرحله توسعه پایان یافت، بسیاری از اماکن تاریخی، خانه‌های صحابه و ائمه اطهار: تخریب و در طرح توسعه قرار گرفت.

توسعه‌های سعودی بیشتر از سمت شمال، غرب و شرق بود. نخستین توسعه از ۱۳۷۰ ق. آغاز شد و مساحتی بالغ بر ۱۶ هزار مترمربع تخریب شد که ۶/۲۵۰ متر آن از دوران عثمانی‌ها بود. در مجموع ۱۶/۳۵۰ متر مربع توسعه یافت که مساحت مسجد به ۲۳/۵۷۰ متر مربع رسید.

دومین توسعه در دوران ملک سعود انجام گرفت که ۳۵/۰۰۰ متر مربع به عنوان نمازگاه به مسجد اضافه شد و در مرحله بعد ۵۵۵۰ مترمربع دیگر مسقف گردید.

در توسعه سوم سعودی، که در دوران ملک خالد بن عبدالعزيز انجام شد، حدود ۴۳/۰۰۰ مترمربع از فضای اطراف تخریب گردید. بزرگ‌ترین توسعه در دوران فهد بن عبدالعزيز در دو مرحله انجام شد. در این توسعه که از ۱۴۰۶ ق. آغاز شد، کلیه بازارها، مغازه‌ها و خانه‌های تاریخی اطراف مسجد تا شعاع یک کیلومتری، به مساحت ۱۰۰ هزار مترمربع تخریب و بر مسجدالنبی (ص) و اطراف آن افزوده شد. مجموع آثار تخریب شده در اطراف مسجدالنبی (ص) تا این زمان، که نگارنده آن‌ها را شناسایی کرده، نزدیک به چهل اثر تاریخی

ص: ۲۳۲

است. اگرچه جمعیت روزافزون زائران این مسجد، حکام عربستان را از توسعه ناچار ساخته است، اما آنان می‌توانستند برای حفظ آن آثار مهم، که هویت تاریخی مسلمانان جهان است، لاقلاً نام آن‌ها را با نشان یا اسم مکان بر روی سنگفرش‌ها ثبت کنند. این در حالی است که هیأت‌های مختلف باستانشناسی عربستان، به طور مستمر در مناطق شمالی و جنوبی این کشور درصدد کشف آثار تاریخی دوران قبل از اسلام یعنی دوران شرک و جاهلیت هستند، اما آثار عصر اسلامی با بی‌مهری و بی‌اعتنایی رو به تخریب می‌رود.

در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰/۰۰۰ مترمربع، پشت بام ۶۷/۰۰۰ متر مربع، پیرامون مسجد ۲۳۵/۰۰۰ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۰۰۰/۴۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

این در این توسعه‌ها تعداد مأذنه‌ها به ۱۰ مأذنه با ارتفاع ۶۰ متر و تعداد درهای ورودی به ۴۲ باب افزایش یافت. بر سقف‌های افزوده شده در این توسعه ۲۷ گنبد متحرک که به وسیله ریل در روز و شب جابه‌جا می‌شوند با ارتفاع ۱۶/۵ متر و وزن ۸۰ تن قرار یافت که حکایت از استفاده از فن‌آوری پیشرفته‌ای دارد. مسجد با تونلی از ایستگاه تهویه هوا که در ۷ کیلومتری مسجدالنبی (ص) قرار دارد، از هوای خنک برخوردار می‌گردد و سطح زمین فضاها بیرونی (صحن‌ها) در محدوده اقامه نماز نیز به واسطه

ص: ۲۳۳

حرکت جریان هوای سرد در زیرزمین، خنک و سرد می‌گردد. (۱) هزینه‌های مصرف‌شده در این توسعه، ۳۰ میلیارد ریال سعودی بوده است. (۲) (تصاویر شماره ۹۲ تا ۹۷)

دوره طول و عرض بر حسب ذراع طول و عرض بر اساس متر مربع مساحت (متر مربع) افزوده‌ها

۱ ابتدای احداث ۷۰٪ * ۵۹ / ۴۲۰۰ / ۶۰ / ۲۹ * ۵۳ / ۳۴۷۴ / ۱۰۲۱

۲ توسعه پیامبر ۱۰۰٪ * ۳۳ / ۱۰۰۰۰ / ۱۰۰ / ۴۹ * ۳۳ / ۴۹ / ۱۷ / ۲۴۳۳ / ۱۴۱۱

۳ خلیفه دوم ۱۴۰٪ * ۱۹ / ۱۶۸۰۰ / ۱۲۰ / ۵۹ * ۵۹ / ۱۲۰ / ۱۶۸۰۰ / ۱۶۵۴

۴ خلیفه سوم ۱۷۰٪ * ۱۲ / ۲۲۱۰۰ / ۱۳۰ / ۶۴ * ۶۴ / ۱۳۰ / ۲۲۱۰۰ / ۸۳۴۵۸۳۴۹۶

۵ ولید بن عبدالملک (عمر بن عبدالعزیز) ۲۰۰٪ * ۱۳۵

۲۰۰٪ * ۵ / ۵۹ / ۲۷۰۰۰ / ۲۷۰ / ۶۶ * ۶۶ / ۱۶۷ / ۲۷۰۰۰ / ۹۸۶۹۵۳۲۳۶۹

۶ مهدی عباسی ۲۵۳٪ * ۵۹ / ۳۴۱۵۵ / ۱۳۵ / ۶۶ * ۶۶ / ۱۳۵ / ۳۴۱۵۵ / ۱۲۴۹۴۰۳۲۴۵۰

۷ ملک اشرف قایتبای - ۱۲۰ ۹۵۲۳

۸ عبدالمجید عثمانی ۱۲۹۳ ۱۰۹۳۹

۹ ملک عبدالعزیز و سعود ۶۰۲۴ ۱۶۹۶۳

۱۰ ملک فهد بن عبدالعزیز ۱۰۰۰۰۰ ۱۱۷۰۰۰

۱۱ توسعه اطراف مسجد (۱۴۱۶ ق.) و سطح اختصاصی برای نماز + ۲۳۵۰۰۰ (اطراف مسجد)

۶۸۰۰۰ (سطح طبقه اول)

۴۰۵۰۰۰ متر مربع / ۲۹۰۰۰۰

۱. مکان الجنائز ۲۶. ستون وفود

۱- عبیدالله امین کردی، مکه و مدینه تصویربرداری از توسعه و نوسازی، ترجمه حسین صابری، ص ۲۸۵

۲- عبداللطیف بن عبدالله بن دهیش، عماره المسجد الحرام والمسجد النبوی فی العهد السعودی، صص ۳۹۳-۳۸۰

ص: ۲۳۴

۲. مهبط جبرئیل ۲۷. ستون توبه
۳. مکان اصلی باب جبرئیل (در دوران پیامبر(ص)) ۲۸. ستون عایشه
۴. مکان باب جبرئیل در توسعه پس از غزوه خیبر ۲۹. ستون مخلقه
۵. مکان باب جبرئیل در عصر عثمانی و سعودی ۳۰. ستون مقام جبرئیل(ع)
۶. مکان اصلی باب الرحمه در عصر پیامبر(ص) ۳۱. ستون تهجد
۷. مکان کنونی باب الرحمه ۳۲. قبر رسول خدا(ص)
۷. باب الشمالي در عصر پیامبر(ص) ۳۳. قبر خلیفه اول، ابوبکر بن ابی قحافه
۹. باب عاتکه در دوران پیامبر(ص) ۳۴. قبر خلیفه دوم، عمر بن خطاب
۱۰. مکان اصلی باب النساء در دوران خلیفه دوم
۱۱. مکان کنونی باب النساء
۱۲. مکان اصلی باب السلام در عصر خلیفه دوم
۱۳. مکان کنونی باب السلام
۱۴. باب البقیع
۱۵. ابواب صدیق در دوران سعودی
۱۶. مئذنه بلال حبشی پس از تغییر قبله
۱۷. منبر پیامبر(ص)
۱۸. محراب النبی(ص)
۱۹. محراب عثمان بن عفان
۲۰. محراب سلیمانی یا حنفی
۲۱. مناره اصلی(دوران عثمانی)
۲۲. مناره باب السلام(دوران عثمانی)
۲۳. مناره باب الرحمه
۲۴. ستون سریر
۲۵. ستون حرس(امام علی(ع))

ص: ۲۳۵

خلاصه درس

ص: ۲۳۶

پیامبر(ص) به هنگام ورود به مدینه با تقاضاهای زیاد قبایل مختلف برای سکونت در منازل آنان روبه‌رو گردید و در پاسخ به این همه شور و اشتیاق، انتخاب را ناگزیر به تقدیر الهی سپرد و با اشاره به شتر خویش (القصوه) فرمود: «راه شتر را باز بگذارید که او مأمور است».

سرانجام شتر پس از عبور از میان قبایل مختلف، کنار خانه «ابویوب انصاری» زانو زد. پیامبر(ص) زمینی را کنار خانه وی خریداری و نخستین مسجد را در مدینه که به دست ایشان ساخته می‌شد را بنا کردند. اصحاب پس از بالا بردن دیوارها، سقف مسجد را با شاخه‌های نخل پوشانیدند.

مسجد پیامبر(ص)، از آغاز احداث، شاهد ماجراهای مهمی در تاریخ صدر اسلام بود. در این مسجد اساسی‌ترین موضوعات مربوط به اداره حکومت اسلامی با حضور پیامبر(ص) بحث و بررسی می‌شد. دومین حادثه مهم در تاریخ این مسجد، انعقاد پیمان‌نامه عمومی مدینه و نیز برقراری پیمان مؤاخاه یا برادری میان مهاجر و انصار از سوی منادی وحدت بود.

آثار تاریخی و مقدس مسجدالنبی(ص) عبارتند از:

۱. ستون‌های مسجدالنبی(ص)؛ ۲. ایوان صُفَّه یا منزلگاه فقرا؛ ۳. منبر؛ ۴. محراب‌ها؛ ۵. روضه النبی(ص)؛ ۶. بیت شریف پیامبر گرامی(ص)؛ ۷. خانه فاطمه ۳؛ ۸. مرقد مطهر و منور پیامبر خدا(ص)؛ ۹. قبر فاطمه ۳؛ ۱۰. مقام و مهبط جبرئیل امین(ع)؛ ۱۱. محل اذان بلال؛ ۱۲. درهای مسجد.

در دوران‌های پس از رسول خدا(ص) خلفا، هر یک به بازسازی مسجدالنبی پرداخته و آن را توسعه دادند. عمده‌ترین توسعه مسجدالنبی(ص) در دوران حکمرانی خاندان آل سعود بود که مساحت آن به صدها برابر

ص: ۲۳۷

رسید.

در یک جمع‌بندی، مساحت‌های توسعه در دوران اخیر را، که در دو مرحله انجام شده، می‌توان این‌گونه بیان کرد: مساحت افزوده شده به مسجد ۱۰۰/۰۰۰ مترمربع. پشت بام ۶۷/۰۰۰ متر مربع. پیرامون مسجد ۲۳۵/۰۰۰ متر مربع که مجموع آن به بیش از ۱۰۰۰/۰۰۰ مترمربع می‌رسد و یک میلیون نمازگزار را در خود جای می‌دهد.

خودآزمایی

۱. حوادث و رویدادهای مهمی که در تاریخ مسجدالنبی (ص) وجود دارد را بیان کنید.
۲. آثار تاریخی مسجدالنبی (ص) را نام ببرید.
۳. دلیل شکل‌گیری ایوان صفا چیست؟
۴. روایاتی که در ارتباط با محل دفن حضرت فاطمه ۳ وجود دارد را ذکر کنید.
۵. سیر تاریخی توسعه مسجدالنبی را توضیح دهید.
۶. روضه‌النبی را با ذکر روایات شرح دهید.
۷. نام‌های دیگر باب جبرئیل و وجه نامگذاری آن‌ها چیست؟

ص: ۲۳۹

منابع و مأخذ

الف) عربی

۱. آل‌بانی، محمد ناصرالدین، صحیح سنن نسائی، ریاض، زهیرالشادیش، المكتب التربیه العربی لدول الخلیج: چاپ اول ۱۴۰۹.
۲. ابن ابی شیبہ، حافظ عبدالله بن محمد (م ۲۳۵)، المصنّف فی الاحادیث والآثار، تحقیق سعید محمد اللّحام، بیروت: دارالفکر، چاپ اول ۱۴۰۹ ق.
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین ابو حامد (۶۵۵-۵۸۶ هـ-). شرح نهج البلاغه، تحقیق: ابو الفضل ابراهیم، قاهره: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۷۸ ق.
۴. ابن اثیر جزری الشیبانی، عزالدین ابی الحسن (م ۶۳۰ هـ)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۹۵۶ ق.
۵. ابن اثیر جزری، مجدالدین ابی السعادات (۵۵۴-۶۰۶)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق طاهر احمد الرادی، محمود محمد الطنّاحی، بیروت: مکتبه العلمیه [بی تا].
۶. ابن بابویه قمی، ابی جعفر محمد، من لا یحضره الفقیه، تحقیق: موسوی الخراسانی، نجف: چاپ چهارم ۱۳۷۷ ق.
۷. ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن ابراهیم (۷۵۶-۶۸۳ ق.)، رحله ابن بطوطه، بیروت: دار بیروت- دار صادر ۱۳۷۹ ق.

ص: ۲۴۰

۸. ابن جبیر، ابی الحسن محمد، رساله اعتبار الناسک فی ذکر الآثار الکریمه و المناسک، معروف به «الرحله ابن جبیر»، بیروت: دار مکتبه الهلال، چاپ دوم ۱۹۸۶ م.
۹. ابن جوزی، یوسف بن حسام الدین قز اوغلی سبط (۶۵۴-۵۸۲ هـ)، تذکره خواص الامه فی معرفه الائمه، فی هامشه مطالب السؤل، محمد بن طلحه نصیبی شافعی، چاپ سنگی ۱۲۸۵ ش.
۱۰. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز الصحابه، مصر: مصطفی محمد، ۱۳۵۸ ق.
۱۱. همو، تهذیب التهذیب، هند: مجلس دائره المعارف النظامیه، حیدرآباد دکن ۱۳۲۵ ق.
۱۲. همو، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، التزام، عبدالرحمان محمد، بیروت: دار احیاء، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.
۱۳. همو، المطالب العالیه بزوائد المسانید الثمائیة، مکّه المکرمه، دار ابن باز [بی تا].
۱۴. ابن حجر هیثمی، شهاب الدین (۹۷۴-۹۰۹ هـ)، الصّواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، مصر: مطبعه الیمینیة، احمد البابی الحلبي، چاپ سنگی ۱۳۱۲ ق.
۱۵. همو، تحفه الزّوار الی قبر النّبی المختار، تحقیق: سید ابو عمه، مصر: دارالصحاب للتراث بطنطا، چاپ اول ۱۴۱۲ ق.
۱۶. ابن حجر هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر (۸۷۵ هـ)، موارد الظمان الی زوائد ابن حبان، حقه و نشره محمد عبدالرزاق حمزه، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

ص: ۲۴۱

۱۷. ابن حزم اندلسی، ابو محمد علی بن احمد بن یعید، المَحَلِّی بِالْآثَار، تحقیق عبدالغفار سلیمان البغدادی بیروت: دار الکتب ۱۴۰۸ ق.
۱۸. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۶۴-۲۴۱ هـ)، المسند، شرح و وضع فهرسه احمد محمد شاکر، مصر: دارالمعارف للطباعة و النشر، چاپ دوم ۱۳۶۸ ق.
۱۹. ابن حیان، حافظ ابی محمد جعفر (م ۳۶۹ هـ)، اخلاق النبی (ص)، دراسه و تحقیق، سید الکمیلی، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم ۱۴۰۹ ق.
۲۰. ابن خردادبه، ابی القاسم عبیدالله بن عبدالله، المسالک و الممالک، وضع مقدمته و هوامشه محمد مخزوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق.
۲۱. ابن خلدون، ابو زید عبدالرحمن بن محمد (۷۳۴-۸۰۸ هـ)، العبر و دیوان المبتدا و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر، بیروت: دار الکتب ۱۹۵۶ م.
۲۲. ابن رسته، احمد بن عمر، الاعلاق النفیسه، تصحیح و ستفلد، لیدن: ای جی بریل ۱۸۹۱ م.
۲۳. ابن رشید فهری البستی، ابی عبدالله محمد بن عمر، ملء العیبه بما جُمع بطول الغیبه فی الوجهه الوجیهه الی الحرمین مکة و طیبه، تحقیق: محمد الحیب بن الخوجه، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
۲۴. ابن سلیمان، محمد بن محمد، جمع الفوائد من جامع الاصول و مجمع الزوائد، قبرس: بنک فیصل الاسلامی ۱۴۰۵ ق.
۲۵. ابن شبه النمیری البصری، ابوزید عمر (۱۷۳-۲۶۲ هـ)، تاریخ المدینه المنوره، حقه فهیم محمد شلتوت، بیروت: دار التراث، چاپ اول ۱۴۱۰ ق.

ص: ۲۴۲

۲۶. ابن شهر آشوب، ابی جعفر رشیدالدین (م ۵۸۸ هـ)، المناقب الائمه / المناقب آل ابی طالب، قم: مطبعه العلمیه [بی تا].
۲۷. ابن صباغ مالکی، علی بن محمد بن احمد المغربی المالکی (م ۸۵۵ هـ)، الفصول المهمه فی معرفه احوال الائمه، نجف: مکتبه الحیدریه، چاپ سوم ۱۳۸۱ ق.
۲۸. ابن ظهیره المخزومی القرشی، جمال الدین محمد جارالله بن محمد، الجامع اللطیف فی فضل مکة و اهلها و بناء البيت الشریف، بیروت: المکتبه الشعبیه، چاپ پنجم ۱۳۹۹ ق.
۲۹. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله نمری قرطبی اشعری (م ۳۶۸ هـ . ۴۶۰)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب، مصر: مطبعه مصطفی ۱۳۵۸ ق.
۳۰. ابن عبدالبره الاندلسی، احمد بن محمد (م ۳۲۸ هـ)، العقد الفرید، تحقیق عبدالمجید استرحتی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.
۳۱. ابن علان شافعی الاشعری الملکی، محمد بن علان (م ۱۰۵۷ هـ)، دلیل الفالحین لطرق ریاض الصالحین، تصحیح و تعلیق محمود حسن ربیع، مصر: مصطفی البابی الحلبی [بی تا].
۳۲. ابن قتیبه دینوری، ابی محمد عبدالله بن مسلم (۲۷۶-۳۱۳ هـ)، المعارف، حقه و قدم له ثروت عکاشه، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم ۱۹۶۹ م.
۳۳. همو، الامامه والسیاسه، (منسوب به ابن قتیبه)، قم: منشورات الشریف الرضی و مصر: مصطفی البابی الحلبی، چاپ دوم ۱۳۷۷ ق.
۳۴. همو، تأویل مختلف الحدیث، تحقیق عبدالقادر احمد عطا، بیروت: مؤسسه الکتب الثقافیه ۱۴۰۸ ق.
۳۵. ابن قیم جوزی، زادالمعاد فی هدی خیر العباد، فهرسه محمد ادیب الجاور،

ص: ۲۴۳

- بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۱۲ ق. و تحقیق محمد حامد الفقی، قاهره: مطبعه السنه المحمديه ۱۳۷۳ ق.
۳۶. ابن کثیر القرشی الدمشقی الشافعی، عماد الدین ابوالفداء اسماعیل بن عمر (۷۰۰-۷۷۴ هـ)، البدایه و النهایه فی التاریخ، مصر: مطبعه السعاده ۱۳۵۱ ق. و بیروت ۱۴۰۹ ق.
۳۷. ابن ماجه، ابی عبدالله محمد بن یزید، السنن، به اهتمام محمد فؤاد عبدالباقی و محمد الاعظمی، ریاض ۱۳۰۴ ق.
۳۸. ابن منظور، امام علامه، لسان العرب، تحقیق علی سیری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
۳۹. ابن موسی، علی، رساله فی وصف المدینه المنوره، فی ذیل رسائل فی تاریخ المدینه، جمعها و قدم لها حمد الجاسر، ریاض: منشورات دارالایمامه ۱۳۹۳ ق.
۴۰. ابن نجار، امام حافظ بن محمود، اخبار مدینه الرسول، المعروف بالذُّرّه الثمینه - تحقیق صالح محمد جمال، مکه المکرمه: مکتبه الثقافه، چاپ سوم ۱۴۰۱ ق.
۴۱. ابن وردی، زین الدّین عمر بن مظفر (م ۷۴۹)، تاریخ ابن وردی، نجف: المطبعه الحیدریه، چاپ دوم ۱۳۸۹ ق.
۴۲. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک بن ایوب حمیری (۲۱۸ هـ)، السیره النبویه، تحقیق محی الدین عبدالمجید، قاهره ۱۳۵۶ ق. و تحقیق مصطفی السقاء و دیگران، بیروت: دار الوفاق ۱۳۵۵ ق.
۴۳. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، شرح و تحقیق سید احمد صفر، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق.

ص: ۲۴۴

۴۴. همو، الاغانی، تحقیق سید جابر، مکه مکرمه: دار ابن باز [بی تا].

۴۵. ابو نعیم اصفهانی، احمد بن عبدالله (م ۴۳۰ هـ)، حلیه الاولیاء و طبقات الاصفیاء، مصر: مکتبه‌الخانجی و مطبعه السعاده ۱۳۵۱ ق. دارالکتاب العربیه، بیروت: چاپ دوم ۱۳۸۷ ق.

۴۶. امینی، عبدالحسین (۱۳۴۹-۱۲۸۱)، الغدیر فی کتاب والسنه و الادب، بیروت: دارالکتاب العربی، چاپ سوم ۱۳۴۶ ق.

۴۷. باسلامه، حسین بن عبدالله، تاریخ عماره المسجد الحرام بما احتوی من مقام ابراهیم و بئر زمزم والمنیر و غیر ذلك، جده: تهامه، چاپ دوم ۱۴۰۰ ق.

۴۸. بحرانی، هاشم بن سعید بن سلیمان (۶۹۵ هـ)، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تهران: معارف اسلامی [بی تا].

۴۹. بخاری، محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن بردزبه الجعفی، صحیح البخاری، مصر: نشر احیاء کتب السنه، چاپ دوم ۱۴۱۰ ق.

۵۰. بکدش، سائد، فضل ماء زمزم و ذکر تاریخه و اسمائه، مکه: المکتبه المکیه ۱۴۱۳ ق.

۵۱. البکری الشافعی الاشعری المصری، محمد بن عبدالرحمن، الدرّة المکّله فی فتح مکه المشرفه المَبجّله، مقدمه و تصحیح محمد حجازی، مصر: مکتبه الثقافیه الدینیه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.

۵۲. بکری، احمد موسی و دیگران، جغرافیه المملکه العربیه السعودیه، ریاض: وزارت المعارف ۱۳۹۴ ق.

۵۳. بلاذری، ابی الحسن احمد بن یحیی بن جابر (ف ۲۷۹)، انساب الاشراف، حقه محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم ۱۹۷۴ م.

ص: ۲۴۵

۵۴. بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد (م ۴۴۰)، الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، بغداد: مکتبه المثنی [بی تا].
۵۵. بیضون، ابراهیم، زکار، سهیل، تاریخ العرب السیاسی من فجر الاسلام حتی سقوط البغداد، بیروت: دارالفکر چاپ اول ۱۳۹۴ ق.
۵۶. بن سلام، احمد سعید، المدینه المنوره فی القرن الرابع عشر الهجری، مدینه: ۱۴۱۴ ق.
۵۷. بیهقی، ابوبکر احمد بن حسین (۴۵۸-۳۸۴)، دلائل النبوه، بیروت ۱۴۰۹ و ترجمه مهدوی دامغانی، تهران: علمی فرهنگ ۱۳۶۱ ش.
۵۸. جاحظ، ابو عثمان عمرو بن بحر (۱۶۰-۲۵۵)، العثمائیه، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالجیل، چاپ اول ۱۴۰۱ ق.
۵۹. جندی المکی، ابی سعید المفضل بن محمد (م ۳۰۷)، فضائل المدینه، تصحیح محمد مطیع الحافظ، غزوه بدیر، دمشق: دار الفکر، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.
۶۰. جواد علی، المفضل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین ۱۹۶۸ م.
۶۱. حاکم حسکانی نیشابوری، عبیدالله (سده پنجم)، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حقه شیخ محمد باقر المحمودی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات ۱۳۹۳ ق.
۶۲. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم ۱۴۰ ق.
۶۳. خطیب بغدادی، حافظ ابی بکر احمد بن علی (۳۹۲-۴۶۳ هـ)، تاریخ البغداد او المدینه السلام، مصر: مطبعه السعاده ۱۳۴۹ ق.

ص: ۲۴۶

۶۴. خفاجی، محمدعبدالمنعم، سیره خاتم المرسلین، بیروت: دار الجیل، چاپ اول ۱۴۱۱ ق.
۶۵. الخیاری، احمد یاسین احمد، تاریخ معالم المدینه المنوره قديماً و حديثاً، تحقیق: عبيدالله محمد امين كردى، مدینه: دارالعلم چاپ اول ۱۴۱۰ ق.
۶۶. دائره المعارف الاسلاميه، احمد الشنتاوى، ابراهيم زكى خورشيد، عبدالحميد يونس، تهران: جهان، بوذر جمهرى [بى تا].
۶۷. دائره المعارف الشيعيه، حسن الامين، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات، چاپ دوم ۱۳۹۳ ق.
۶۸. ديار بكرى حسن بن محمد بن الحسن (ف ۹۶۶)، تاريخ الخميس فى احوال انفس النفيس، بيروت: مؤسسه شعبان للنشر و التوزيع [بى تا].
۶۹. ديلمى، ابن محمد الحسن بن الحسن محمد، ارشاد القلوب فى فضائل على (ع)، نجف: مكتبه العلميه ۱۳۷۰ ق.
۷۰. ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان (م ۷۴۸)، تاريخ الاسلام و طبقات المشاهير و الاعلام، عن نسخه دارالكتب المصريه، كويت: ۱۹۶۱ م.
۷۱. رازى، ابى محمد عبدالرحمن بن حاتم بن ادريس (۲۴۰-۳۲۷ م)، علل الحديث، مقدمه محب الدين الخطيب، بيروت: دارالمعرفه ۱۴۰۵ ق.
۷۲. رفعت پاشا، ابراهيم (۱۳۲۴ ق.)، مرآه الحرمين او الرحلات الحجازيه و الحج و مشاعره الدينيه، مصر: دارالكتب المصريه ۱۳۴۴ ق.
۷۳. زيبدى، محمد مرتضى الحسينى، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق مصطفى حجازى، بيروت: دارالهدايه ۱۳۹۳ ق.
۷۴. زيعلى الحنفى، جمال الدين ابى محمد عبدالله بن يوسف (م ۷۶۲)، نصب

ص: ۲۴۷

الرایه لاحادیث الهدایه، بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم ۱۴۰۷ ق.

۷۵. سعدی المقدسی، ضیاء الدین محمد بن عبدالواحد بن احمد (۵۶۹ هـ)، فضائل الاعمال، قاهره: دار الفداء العربی [بی تا].

۷۶. سهیلی، عبدالرحمان (۵۰۱ - ۵۸۱ ق.)، الروض الانف فی شرح السیره النبویه، تحقیق، عبدالرحمان الوکیل، قاهره: دارالکتب الحدیثه ۱۳۸۷ ق.

۷۷. سمهودی، ابوالحسن علی بن احمد (م ۹۱۱)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفی، حقه و فضله محمد محیی الدین عبدالحمید، چاپ اول، قاهره: مطبعه السعاده ۱۳۷۴ ق.

۷۸. همو، الوفاء بما يجب بحضره المصطفی، فی رسائل تاریخ المدینه، حمد الجاسر، ریاض: دار الیمامه ۱۳۹۳ ق.

۷۹. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر (م ۹۱۱)، لباب النقول فی اسباب النزول، تصحیح احمد عبدالشافی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

۸۰. الشامی، صالح الاحمد، اهل الصفه بعيداً عن الوهم و الخیال، بیروت: دار اعتصام. ۱۴۰۷ ق.

۸۱. شریف مرتضی، علی بن حسین بن موسی (۳۵۵ - ۴۳۶)، الامالی / غرر الفوائد و درر القلائد، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: دار احیاء الکتب العربی، عیسی البابی ۱۳۷۳ ق.

۸۲. الصاعدی، سعود بن عبدالمحیی و مطر المحمدی، احد - الآثار، المعرکه، التحقیقات، مدینه: دارالمجتمع ۱۴۱۳ ق.

۸۳. طباطبائی حکیم، سید محسن، مستمسک العروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث چاپ دوم ۱۳۹۱ ق.

۸۴. طبرسی، ابو منصور احمد بن علی (سده ۶)، الاحتجاج علی اهل اللجاج،

ص: ۲۴۸

محمد حسین خلف، رمضانعلی کاشانی، ایران: چاپ سنگی، دارالطباعه ۱۳۰۲ ش.

۸۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید (۲۲۴-۳۱۰ هـ)، الرسل و الملوك / تاریخ الطبری، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم ۱۴۰۸ ق. و مصر: مطبعه الاستقامه ۱۳۵۷ ق.

۸۶. همو، تهذیب الآثار، مسند عمر بن خطاب، السفر الثانی، اخرج احادیثه محمد محمود شاکر، قاهره: المؤسسة السعودیه [بی تا].
۸۷. طبری، حافظ ابی العباس احمد بن عبدالله محب‌الدین (۶۱۵ ق.)، القرى لقاصد ام القرى، تحقیق مصطفی السقاء، بیروت: دارالفکر چاپ دوم ۱۴۰۳ ق.

۸۸. طریحی نجفی، فخرالدین بن محمد بن علی بن احمد (۱۰۸۵ هـ)، مجمع البحرین و مطلع النیرین، تحقیق: احمد الحسینی، تهران: مرتضوی ۱۳۶۲ ش.

۸۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه شیخ مفید، تحقیق موسوی الخراسانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه ۱۳۶۵ ش.

۹۰. عبدالغنی، محمد الیاس، بیوت الصحابه حول المسجد النبوی الشریف، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۱۲ ق.

۹۱. همو، تاریخ مکه المکرمه قدیماً و حدیثاً، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۲۲ ق.

۹۲. همو، تاریخ المسجد النبوی الشریف، المدینه المنوره، مطابع الرشید، ۱۴۲۴ ق.

۹۳. العاملی، جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، قم: ۱۴۰۳ ق.

۹۴. عساف، احمد محمد، خلاصه الاثر فی سیره سید البشر، بیروت: دار احیاء العلوم، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.

ص: ۲۴۹

۹۵. غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، احیاء العلوم، بیروت: دارالفکر، چاپ دوم ۱۴۰۹ ق.
۹۶. فاسی المکی المالکی، ابی الطیب تقی الدین محمد بن احمد بن علی (۷۷۵-۸۲۳ هـ)، شفاء الغرام باخبار البلد الحرام، حقه عمر عبدالسلام تدمری- بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول ۱۴۰۵ ق.
۹۷. فاکهی، ابی عبدالله، محمد بن اسحاق، اخبار مکه فی قدیم الدهر و حدیثه، تحقیق عبدالملک بن عبدالله بن دهیش، مکه: مکتبه النهضه الحدیثه، چاپ اول ۱۴۰۷ ق.
۹۸. فروخ، عمر، تاریخ صدر الاسلام و الدوله الامویه، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول ۱۹۷۰ م.
۹۹. فیروزآبادی، مجدالدین ابوطاهر محمد بن یعقوب (۷۲۹-۸۱۷ هـ)، المغانم المطابه فی معالم طابه، تحقیق حمد الجاسر، ریاض: دارالیمامه ۱۳۸۹ ق.
۱۰۰. کاندهلوی، محمد یوسف، حیاة الصحابه، بیروت: دارالمعرفه [بی تا].
۱۰۱. کلبی، هشام بن سائب، الاصنام، تحقیق احمد زکی پاشا، قاهره: ۱۹۲۵ م.
۱۰۲. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (م ۳۲۸)، الفروع من الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم ۱۳۶۳ ش.
۱۰۳. گنجی شافعی، ابو عبدالله محمد بن یوسف (ف ۶۵۸)، کفایه الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب ۷، تحشیه طباطبائی [بیم. بین. بیت].
۱۰۴. لیب البتونوی، محمد، الرحله الحجازیه، عباس حلمی پاشا الثانی خدیو مصر، قاهره: مکتبه الثقافیه الدینیة [بی تا].
۱۰۵. العاملی، محسن الامین، مفتاح الجنات فی الادعیة والاعمال و الصلوات و

ص: ۲۵۰

الزّیارات، بیروت: مؤسسه الاعلمی، چاپ اول [بی تا].

۱۰۶. متقی الهندی، علاءالدین متقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن و الاقوال والافعال، بیروت: مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ق.

۱۰۷. مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۱ هـ)، بحار الانوار، نهض مشروحه سید جواد العلوی و محمد الآخوندی، تهران: ۱۳۸۸ ق.

۱۰۸. مسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین شافعی (ف ۳۴۵ هـ)، مروج الذهب و معادن الجواهر، مصر: مطبعه البهیة المصریة، اداره

الملتزم ۱۳۴۶ ق؛ لبنان، دارالقلم ۱۴۰۸ ق.

۱۰۹. همو، التّنبیه و الاشراف، بیروت: مکتبه خیاط ۱۹۶۵ م.

۱۱۰. مسلم، امام محمد، الصحیح، بشرح الامام النووی، بیروت: دارالفکر [بی تا].

۱۱۱. مصعب زبیری، ابی عبدالله مصعب، کتاب نسب قریش، تحقیق لیوی بردفینسال، مصر، دار المعارف، [بی تا].

۱۱۲. مفید، محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳ هـ)، الارشاد، صححه و اخرجه سید کاظم الموسوی المیاموی، شیخ محمد الآخوندی،

بیروت: دارالکتب اسلامیه ۱۳۷۷ ق.

۱۱۳. مقدسی، طاهر بن مطهر (م ۱۰۱۰ هـ)، البدء و التّاریخ، پاریس: تحت اشراف کلمان هوار فرانسوی ۱۹۰۷ م؛ ایران: مکتبه

الاسلامیه ۱۹۶۲ م.

۱۱۴. ملا خاطر، ابراهیم، فضائل المدینه المنوره، دمشق - مدینه: مؤسسه علوم القرآن ۱۴۰۴ ق.

۱۱۵. نسائی، سنن، به شرح جلال الدین سیوطی، بیروت: دارالکتب العلمیه [بی تا].

ص: ۲۵۱

۱۱۶. نهروانی المکی الحنفی، قطب الدین، الاعلام باعلام بیت‌الله الحرام، بیروت: دارالرائق التراث العربی [بی تا].
۱۱۷. واقدی، محمد بن عمر بن سعد بن کاتب (م ۲۰۷ هـ)، المغازی، تحقیق مارس جونس، بیروت: [بی تا].
۱۱۸. وزاره الاعلام الشؤون الاعلامیه الاعلام الداخلی، فی خدمه ضیوف الرحمن، ریاض: دارالموسوعه العربیه ۱۴۱۱ ق.
۱۱۹. ولی، طه، المسجد فی الاسلام، بیروت: دارالعلم للملایین ۱۴۰۹ ق.
۱۲۰. همدانی، احمد الرحمانی، فاطمه الزهراء بهجه قلب المصطفی من المهد الی اللحد، بیروت: النعمان ۱۴۱۱ ق.
۱۲۱. یاسین، محمود، الرحله الحج و العمرة، بیروت: دارالهجره، چاپ اول ۱۴۰۸ ق.
۱۲۲. یاقوت حموی، شهاب الدین ابو عبدالله (۶۲۶ ۵۷۴ هـ)، معجم البلدان، تهران: کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران [بی تا]؛ مصر: تصحیح محمد الخانجی، احمد ناجی الجمالی ۱۳۲۳ ق، بیروت: دارالفکر [بی تا].
۱۲۳. یعقوبی، احمد بن یعقوب بن جعفر، الشهیر بابن واضح الاخباری (ف ۲۸۴ هـ)، تاریخ یعقوبی، نجف: مکتبه المرتضویه ۱۳۵۸ ق؛ بیروت: دار صادر، دار بیروت ۱۳۷۹ ق.
۱۲۴. همو، کتاب البلدان، بیروت: دار احیاء التراث العربی ۱۴۰۸ ق.
۱۲۵. یلماز طرغان، الکعبه المشرفه، دراسه اثریه لمجموعه اقبالها و مفاتیحها المحفوظه فی متحف طوب قابی باستانبول، استانبول: ۱۴۱۴ ق.
- (ب) فارسی

ص: ۲۵۲

۱۲۶. ابو یوسف قاضی انصاری، یعقوب بن ابراهیم (۱۸۲ هـ)، الخراج، ترجمه میر علی اصغر شعاع، افغانستان: مدیریت جریده وزارت مالیه ۱۳۳۵ ق.
۱۲۷. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد، اخبار مکه و ماجاء فیها من الآثار، تحقیق رشد الصالح ملخس، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد ۱۳۶۸ ش.
۱۲۸. شوقی ضیف، العصر الجاهلی، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۴ ش.
۱۲۹. فراهانی، میرزا عبدالحسین (۱۳۰۳)، سفرنامه فراهانی به قفقازیه مکه، به اهتمام حافظ فرمانفرمایان، دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات ۱۳۴۲ ش.
۱۳۰. گمونه حسینی، سید عبدالرزاق، آرامگاه‌های خاندان پاک پیامبر (ص) و بزرگان صحابه و تابعین، ترجمه عبدالعلی صاحبی، مشهد: آستان قدس رضوی ۱۳۷۱ ش.
۱۳۱. مصاحب، غلامحسین (۱۲۸۹ هـ)، دائره المعارف فارسی، تهران: فرانکلین ۱۳۴۵ ش.
۱۳۲. نجفی، محمد باقر، مدینه شناسی، بی‌نا، ۱۳۶۳ ش.

ص: ۲۵۳

(ج) خارجی

- Encyclopedia of Islam. Ej. Brill. Leiden. New York. Robenhurn ۱۹۸۷-۱۳۳
- Carl Brokelmann- History of the Islamic peopels. London and Bradford, ۱۹۶۴-۱۳۴
- .Glubb, John Bagot- the life and times of Mohammad -۱۳۵
- .hodder and stoughton first printed ۰۷۹۱
- Wellhosen, Julius- the Arab kingdom and its fall. london curzen pres, ۱۹۷۳-۱۳۶

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳-۲۳۵۷۰۲۳ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 ۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید
 ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی
 همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش
 از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند
 آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

